

ویژه هفته ملی کودک

خبرنامه

دوره جدید مهر ۱۴۰۰

کانون

- بازگشت قطار کانون پرورش فکری به ریل اصلی
- شناخت جغرافیای سرزمین از طریق قصه ها
- فصل گرم پویانمایی های کانون
- کانون ۲۳۰ هزار عضو مجازی دارد



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقام معظم رهبری در دیدار با
نویسندگان و مدیران کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان:
شما با پر کردن خلاء لحظه‌ها نسبت
به خشنودی و رضایت الهی، اطمینان
خاطر پیدا می‌کنید و در حقیقت
با اهمیت دادن به تربیت کودکان
و نوجوانان، تضمین آینده کشور و
تاریخ این سرزمین مقدس را هدف
کار خود قرار داده‌اید.





کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان



- مدیر مسوول و سردبیر: ابوالقاسم سلیمانی
- دبیر تحریریه: حسین نوروزی
- مدیر داخلی: سیده معصومه دلارستاقی
- گروه گزارش و خبر: تهمینه حدادی
- فاطمه ترجمان، زهرا ماهری، نیکو کریمی
- گروه چندرسانه‌ای: میترا امجدی، علی حیدری
- مدیر هنری: ساجده سادات نوشایی
- طراح جلد: حدیثه قربان
- عکس: مهران ریاضی

در این شماره می‌خوانید:

- ۴..... خبرنامه‌ی کانون؛ فراتر از خبر
- ۵..... گفت‌وگو با مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- ۱۱..... پرونده‌ای برای فعالیت‌های مجازی کانون در ایام شیوع کرونا
- ۲۴..... پرونده‌ای درباره‌ی انجمن‌های ادبی کانون
- ۳۶..... نگاهی به تولید بازی‌های رومیزی در کانون
- ۴۰..... گزارشی از انتشار کتاب‌های محیط زیستی
- ۵۴..... اخبار تازه‌ترین تولیدات پویانمایی
- ۶۲..... کتاب‌های کانون در نشر بین‌الملل
- ۶۵..... پرونده‌ای برای حقوق کودکان در محیط مجازی
- ۷۰..... آغاز هفته‌ی ملی کودک ۱۴۰۰

■ تهران، خیابان حجاب، مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان،
اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل ■ تلفن تماس: ۸۸۹۷۱۳۱۳ ■ www.kanoonnews.ir

■ همکاران اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل:

کیان جوادی، خدیجه اسمعیلی، احمد پیروزمند، محمدحسین دیزجی، مریم کشاورزی، سعیده ارگانی،
معصومه عبدالهی، فاطمه گوهریان، فاطمه محسنی، زهره شاملوفرد، ارشیا شایسته‌تبار

■ با تشکر از:

محمد رضا آقاپور، اعظم صفری، مهدی رسولی، جانعلی نوزری، امیر صبری، قادر پناهی، عیسی حیدری، اسعد محمودیان

خبرنامه: فراتر از خبر

«خبرنامه کانون» با بیش از پنج دهه سابقه، حالا دیگر یکی از اجزای ماندگار این نهاد دیرپاست؛ نشریه‌ای که انتشارش هرچند در دوره‌هایی کوتاه دچار وقفه شد، اما هرگز دچار تعطیلی دائمی نبود و با چنددهه انتشار منظم، به یکی از جدی‌ترین مجلات کشور در حوزه‌ی فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان بدل شده است. این نشریه، با همین عنوان و گاه با عناوینی مشابه، از اواخر دهه‌ی چهل، مجله‌ی داخلی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده، و اینک در آستانه‌ی اتفاق مبارک «هفته‌ملی کودک» بار دیگر پس از توقیفی ناخواسته به جمع خانواده بزرگ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازگشته است.

همزمانی انتشار دوباره «خبرنامه‌ی کانون» با هفته ملی کودک و روز جهانی کودک، تقارنی مبارک است؛ چرا که این انتشار مجدد، راهی تازه و دوره‌ای جدید از مراحل زندگی این مجله است: اگر صفحات این شماره را ورق بزنید، درمی‌یابید که محتوا و رویکرد آن نیز با شماره‌های پیشین متفاوت است. از مجله‌ای صرفاً خبری، به مجله‌ای گزارشی و تحلیلی بدل شده، محتوایش تکرار محتوای خبری سایت اطلاع‌رسانی و شبکه‌های اجتماعی کانون نیست، بلکه مکمل آن تلاش‌هاست. مخاطب‌شناسی خوانندگان خبرنامه‌ی کانون، ضرورتی بود که محتوای دور تازه‌ی آن را تعریف کرد؛ کسانی که در روزگار اپلیکیشن‌های خبری، سایت‌ها و سامانه‌های موبایلی، و... اخبار را به‌طور لحظه‌ای دنبال می‌کنند، دیگر در مجله‌ی ماهانه به دنبال داغی خبرها نیستند؛ اخبار مراکز یا برنامه‌ها و فعالیت‌های روزمره‌ی کانون را در یک ماهنامه نمی‌خوانند.

خوانندگان مجله‌ی قدیمی «خبرنامه کانون»، کسانی هستند که کانون را می‌شناسند و در مقام مربی و همکار، یا عضوی از خانواده‌ی بزرگ آن هستند، و به عنوان فعال حوزه‌های مختلف کودک، همدل و همراه اهداف کانون پرورش فکری. از نظر ما در دوره‌ی اینترنت و سرعت، مخاطب خبرنامه‌ی کانون، تنها به دنبال خبر فوری نیست، دنبال نگاهی عمیق‌تر به آن خبرهاست.

خبرنامه کانون از این پس محلی خواهد بود برای ترسیم دنیایی فراتر از خبر: جایگاهی برای تحلیل وضعیت، بررسی شیوه‌ها و اثرات فعالیت‌ها، و نشریه‌ای برای خواندن و همراه شدن با «روایت»؛ روایتی که می‌تواند در قالب گفت‌وگو با مربی و مسوول کانونی باشد، یا درد دل و گپی کوتاه با نویسنده و بازیگر تئاتر کودک، یا گزارشی از تاریخچه‌ی این بخش و آن فعالیت.

این تقسیم کار البته مختص خبرنامه کانون نیست و چندی است که با راه‌اندازی پادکست اختصاصی این مجموعه، در کنار تولید فیلم‌های کوتاه درباره‌ی فعالیت‌های چهل و چندگانه مراکز، و آماده‌سازی مستندهای بلندتر، مجموعه‌ی خروجی روابط عمومی و امور بین‌الملل را تنوع بخشیده‌ایم.

مطالبی که در این شماره از خبرنامه کانون می‌خوانید، با توجه به تغییر فعالیت‌های مراکز در ایام کرونا و نیز حضور مدیر عامل جدید کانون، حول محور بررسی و تحلیل این تغییرات است. آن‌چه می‌خوانید، حاصل تلاش همکارانم در روزهای شلوغی است که همه درگیر برنامه‌ریزی برای اجرای هرچه بهتر هفته ملی کودک بوده‌اند. یقین دارم با نگاه تحلیلی‌گر و موشکافانه مخاطبان همیشگی و همراهان دیرین خبرنامه، افق روشنی‌فرارویمان قرار خواهد گرفت.

گفت‌وگو با دکتر مهدی علی اکبرزاده، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قطار کانون پرورش فکری در ریل اصلی

● کیان جوادی

این گفت‌وگو در حالی انجام شد که چهار ماه از حضور مهدی علی اکبرزاده در سمت مدیرعاملی کانون می‌گذشت؛ هر چند این زمان چهار ماهه، برای بررسی و تحلیل عملکرد، زمان کوتاهی است، اما علی اکبرزاده از قدیمی‌های کانون است و حضور در این نهاد را از عضویت در کتابخانه‌ها تا مدیر کلی استانی تجربه کرده و به خوبی آن را می‌شناسد؛ چنان‌که از گفته‌هایش نیز برمی‌آید که کانون را از منظر یک عضو، یک مربی و یک مدیر و توأمان از نگاه یک علاقه‌مند به پرورش فکری کودکان و نوجوانان تحلیل می‌کند.



◀ مدتی است فعالیت شما در مقام مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شروع شده، طبیعی است که برای آغاز این گفت‌وگو، ابتدا ارزیابی شما را از وضعیت این نهاد در سال‌های اخیر بدانیم؛ کانون را چه‌طور و در چه وضعیتی تحویل گرفتید؟

ابتدا به ماهیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نگاهی بیندازیم: کانون، نام شناخته‌ای در جامعه است، مجموعه‌ای که خانواده‌ها به آن اطمینان دارند، آن را دوست دارند و چه‌بسا پدر و مادرهایی که خودشان عضو کانون بوده‌اند و آن را می‌شناسند و امروز برای بچه‌هاشان کانون را پیشنهاد می‌کنند و کتاب‌هایش را برای فرزندان‌شان تهیه می‌کنند.

کانون برای من یک مجموعه‌ی شناخته‌شده است. ما بزرگ‌ترها خودمان را بخشی از خانواده‌ی کانون می‌دانیم. وقتی که کتابی را از قفسه‌ی کتاب‌فروشی‌ها برمی‌داریم و آرم کانون را پشت آن می‌بینیم، حس خوبی به ما دست می‌دهد. خیلی وقت‌ها حتی چشم‌بسته آن کتاب یا آن محصول را انتخاب می‌کنیم. به دلیل این که به آن اعتماد و اطمینان داریم.

این امر نشان‌دهنده‌ی هویت زیبا و پرمعنای کانون است. این مهم در سالیان سال ادامه پیدا کرده و به امروز هم رسیده است. همه‌ی ما، که در کانون کار می‌کنیم، باید در مسیر وظایف و اهداف کانون قدم برداریم.

حالا اهداف و برنامه‌های کانون چیست؟ کانون در طول سال‌های گذشته مثل نهادها و مجموعه‌هایی که در این جامعه وجود دارد، فراز و فرودهایی داشته و در طول زمان، از خیلی چیزهایی که در اطرافش می‌گذرد تاثیر پذیرفته است و قطعاً نمی‌تواند بدون تاثیر باشد، اتفاق‌های اجتماعی، حتی نظامی، که در هر جامعه‌ای می‌افتد و در نهادها، تعلیم و تربیتی‌اش اثرش را می‌گذارد.

اما خیلی زیباست که کانون، هنوز کانون است؛ کانون پرورش فکری هویت خودش را حفظ کرده، و امیدوار هستم که در آینده هم، این هویت حفظ شود.

اما به اقتضای شرایط روز، که دانش و ابزارهای ارتباطی تغییر پیدا می‌کنند و ارتباطات سریع‌تر شده و گسترش

می‌یابند، طبیعتاً خانواده‌ها و کودکان ما انتظار دارند که در این حوزه، کانون هم خود را به‌روز کند و شرایط را طوری تبیین و ترسیم کند که کودکان و نوجوانان ما با شرایط روز جلو بروند.

در آن فراز و نشیبی که عنوان کردم، برخی دوره‌ها بوده که به دلایلی، کانون از مسیری که داشته و باید ادامه می‌داده، اندکی دور افتاده یا بعضی زمان‌ها خیلی به مسیر نزدیک شده و در ریل خودش قرار گرفته. این، در تاریخ ۵۶ساله‌ی کانون اتفاق افتاده. عرض کردم که خیلی از اتفاق‌های جامعه در این نهاد هم تاثیر گذاشته. سلیقه‌ی مدیریت‌ها و انتظاراتی که از کانون وجود داشته، روش‌ها و برنامه‌ها تغییر پیدا کرده، اما چیزی که برای ما اهمیت دارد این است که کانون باید در مسیر واقعی خودش قرار بگیرد و در آن حرکت کند. مسیر کانون چیست؟ مسیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که در نام آن مشخص شده: کانون پرورش فکری چه کسانی؟ کودکان و نوجوانان، کارش چیست؟ پرورش فکر، با موضوع خلاقیت، با موضوع آفرینش، جور دیگر فکر کردن و...

ما باید در هر برنامه و شرایطی، این مسیر را برنامه‌ریزی کنیم. کانون مکانی نیست که مثل یک مجموعه‌ی صرفاً اداری شود، آفت برای خودش ایجاد می‌کند، خطرناک می‌شود. کانون با مربی‌اش شناخته می‌شود. مربی که حلقه‌ی وصل بین کودک و نوجوان و برنامه‌هایی که توسط سیاست‌گذاران طراحی می‌شود، مربی که آموزش دیده، که برنامه‌های کانون را نه به عنوان معلم و آموزش‌دهنده، بلکه به عنوان فرد هدایت‌گر و کنترل‌کننده‌ی این ماجرا خودش را بشناسد. این مربی، فردی است که ما می‌خواهیم کانون داشته باشد. یعنی فضایی را ایجاد کند که کودک و نوجوان به راحتی حرف بزند، بیان کند، خودش را عرضه کند و عرض اندام کند. مربی هم بتواند او را کشف کند، و وقتی کشف کرد، در راستای پرورش استعدادهایش کمکش کند. وقتی به گذشته‌ی کانون نگاه می‌کنید، می‌بینید که کسانی که درخشیده‌اند، مربیان خوبی داشته‌اند. مربیانی که این فرد را شناخته و بعد، زمینه‌ی لازم برای توسعه و تعالی این فرد را فراهم کرده‌اند. هیچ اجباری نیست که تمام اعضای مراکز ما نقاش، شاعر، عکاس و یا مجسمه‌ساز خوبی باشند. امکان ندارد که همه‌ی اعضا در یک زمینه یا چند

اصلی‌ترین کسانی که کانون را در مسیر خودش نگه‌می‌دارد، مربیان هستند. کسانی که آموزش دیده‌اند، در جای خاص خود قرار گرفته‌اند، به‌روز شده‌اند و توانمند هستند، و فعالیت‌هاشان را درست ادامه می‌دهند.

کانون برعکس کلاس درس، آزادی عمل دارد؛ بچه‌ها می‌توانند به کانون بروند، می‌توانند نروند، مجبور نیستند، اما وقتی حضور پیدا می‌کنند، دیگر دوست ندارند از کانون بیرون بیایند.

این‌ها را می‌گویم که تاکید کنم کانون باید چنین فضایی باشد. مربی ما باید همچنین فردی باشد، که وقتی کودک و نوجوان ما وارد این مجموعه می‌شود، شیفته‌ی این فضا بشود: رنگ، نور، اسباب‌بازی‌ها و ... همه‌شان باید جوری باشند که بچه همه‌چیز را فراموش کند، و در آن فضای کانونی، به خیلی چیزهای دیگر فکر کند. این مهم است: فراموش کردن خیلی چیزها و رها بودن آن فضا، و آن وقت فکر کردن به چیزهای جدید... چیزهایی که در داستان پیدا می‌کند، وقتی با قهرمان داستان خودش را همراه می‌کند، می‌خواهد آن گل و آن درخت داخل داستان باشد... وقتی برگشت به خانه، خواب آن داستان را ببیند، خواب آن قهرمان را ببیند. مگر جز این است که ما می‌خواهیم فرزندانمان خوابی آرام داشته باشند؟ بدون استرس و اضطراب. ما هم وقتی کودک بودیم، با قصه می‌خوابیدیم. خیلی وقت‌ها قصه را تا آخر هم نمی‌شنیدیم، شاید باقی‌اش را در خواب می‌دیدیم! گاهی قصه‌های مادر بزرگ یا مادر ما تکراری بود، ما هم می‌دانستیم آخرش چیست، اما از شنیدنش لذت می‌بردیم. مربی کانون هم ممکن بود یک قصه را بارها و بارها برای ما می‌خواند، اما جالب است که هر بار که می‌شنیدیم، لذت می‌بردیم. نمی‌دانم چه حکمتی در قصه هست که تکراری بودنش هم لذت‌بخش است... "بازم بگو! بازم بگو!" مثل این که می‌خواهیم باز هم پیروزی قصه و حلاوت قصه را تکرار کنند و لذت ببریم. بخش دیگر کار کانون، فیلم‌سازی است. همان قصه، ممکن است تبدیل به فیلم یا انیمیشن شود. گاهی همین

زمینه، استعداد داشته باشند. در کانون به کثرت اهمیت داده نمی‌شود بلکه تمرکز ما روی کیفیت است. اگر کثرتی هم هست، کثرت افکار و اندیشه‌هاست، نه کثرت عدد و ارقام. در کانون باید دنبال این نگاه باشیم.

یک فرد، می‌تواند با تنوع ایده و افکارش جامعه‌ای را تغییر دهد، با تفکراتش اثری را خلق کند که دنیا را تکان بدهد. ما شاهد بودیم در دوره‌های مختلف چه فیلم‌سازی و چه فیلم‌هایی ساخته و دنیا را تکان داده‌اند، بعد که می‌رویم و برررسی می‌کنیم، می‌بینیم که این‌ها در کانون پرورش یافته‌اند.

خیلی وقت‌ها در مسابقات نقاشی یا برنامه‌های دیگر، کودکان و نوجوانان عضو کانون شرکت می‌کنند و خودشان را نشان می‌دهند؛ و همین، مجرای می‌شود برای توسعه و تعالی. من فکر می‌کنم کانون با این دیدگاه باید ادامه یابد. کانون سرعت و باعجله کار کردن را دوست ندارد. از نامش معلوم است: کانون یعنی فضا، امکان و یک بستر، برای این که در این فضا با پشتیبانی‌هایی که انجام می‌شود، فرد خودش با اراده‌ی خودش توسعه پیدا کند.

همیشه این مثال را می‌زنم: خودم وقتی بچه بودم و به کانون می‌رفتم، به فضای کانون که وارد می‌شدم، احساس می‌کردم که وارد یک دنیای صمیمانه‌ای شده‌ام که با آن طرف دیوار خیلی متفاوت است، مربی من با معلم کلاس درس من خیلی متفاوت بود، فضای کارگاه با کلاس درس خیلی متفاوت بود؛ در محیط کانون، خیلی راحت دستم را روی میز می‌گذاشتم و سرم را روی دستم، و با آرامش به اطرافم نگاه می‌کردم، احساس می‌کردم با این زاویه‌ی دید که به کتاب‌ها نگاه می‌کنم، یک پنجره‌ی دیگری را تماشا می‌کنم. و این برایم متفاوت و خاص بود. با چرخیدن فیزیکی سر و چشم، منظره‌ی دیگری برایم تداعی می‌شد: بوی کتاب، صدای مربی‌ای که قصه می‌گفت، دست‌های گلی، قصه‌ها... این‌ها شرایط متفاوتی برای ما ایجاد می‌کرد. کسی نمی‌گفت دست نزن! به راحتی می‌توانستیم کتاب را ببریم، به پدر و مادر بگوییم آن کتاب را برای ما بخوانند. این آزادی عمل، شیرینی خاص خودش را داشت، این شکل از تعلیم و تربیت، برای بچه‌ها بسیار آشناست و برایشان دوست‌داشتنی، تا این که به اجبار و در چهارچوب مطرح کنیم.

سطح کارش را بالا ببرد»؛ سوالم این است با چه امکان و توانی قرار است به آن جایگاه برسیم؟ کانون الآن مشکلاتی دارد، شرایط و زمانه هم نسبت به سال‌های گذشته فرق کرده، از بودجه تا نیروهای هنرمند و مربیان، همه چیز تغییر کرده. تعداد مراکز زیاد شده، مراکز مشابه کانون هم در بخش خصوصی و دولتی هم زیاد شده، در بحث بودجه هم، دیگر رقاباتی وجود دارد که برای جذب هنرمندان، بودجه‌های بیشتری هزینه می‌کنند.

منظورم برگشتن به جایی نیست، منظورم روی ریل قرار گرفتن و در مسیر قرار گرفتن است؛ خیلی وقت‌ها کانون در مسیری قرار گرفته که از مسیر خودش منحرف نشده، اما روش‌ها، روش‌های جدیدی بوده و فرق داشته. من نمی‌گویم خط کش دست بگیریم و بگوییم که ما از مسیر خارج شده‌ایم و باید برگردانیم سر جایش! نه! حرف من این است که به خودم هم یادآوری کنم که کانون این است، و باید در همین مسیر قرار بگیرد. حالا اگر دیگران هم زمانی متوجه بوده یا نبوده‌اند و مقداری فاصله ایجاد شده، هویت کانون باز هم آن را به مسیر اصلی خودش برگردانده است. باید خیلی مراقب باشیم که از آفت‌های جانبی دور باشیم. کانون مجموعه‌ای است که با فکر و زمینه‌های فکری بچه‌ها کار می‌کند، با آن چیزی که در ذهن بچه‌ها وجود دارد و ما تلاش می‌کنیم که آن زمینه‌ها خودنمایی کنند.

اگر آرمانی و خوب فکر کنیم، باید دید که پرورش فکر، چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ زمانی که کودک ما، به درستی و در مسیر درستی که تعالیم اسلامی و دینی ما توصیه کرده قدم بگذارد و در آن وادی فکر کند.

چه قدر بد است، وقتی که پرورش فکر صورت گرفته، اما این پرورش، پرورش عالمانه نبوده، پرورشی نبوده که منجر به سعادت انسان‌ها شود. هر گلی را می‌شود پرورش داد، گلی که خار دارد یا گلی که رنگ زیبایی دارد، همه‌ی این‌ها هست. گاهی ممکن است پرورش، مضر هم باشد. واژه‌ی پرورش، لزوماً مثبت نیست. ولی وقتی این امر با تعالیم دینی ما هم‌راستا می‌شود، آمیخته می‌شود با معجون تعالیم دینی ما، مسیر پیدا می‌کند. فیلم‌های ما به صورت غیرمستقیم، بیان‌کننده‌ی یک‌سری تعالیم



کتاب‌های کانون را تبدیل به فیلم و آثار نمایشی کرده‌اند. این هم همان لذت را دارد. مربیان ما حتی آن قدر ماهر هستند که متناسب با شرایط، قصه را می‌سازند، حتی با یک کمک ابزارهایی که در اطرافشان وجود دارد، قصه‌گویی و قصه‌سازی می‌کنند. مربی ما آن قدر قصه خوانده و آن قدر تواناست، که می‌تواند خودش قصه بسازد.

◀ این توقع از کانون، از مربی، چه طور باید عرضه شود؟ یعنی با چه برنامه‌ها و رویکردهای، مربیان و کارکنان را به این مسیر سوق می‌دهید؟

من به همکاران این پیشنهاد را دارم: همیشه به چشم‌هایی توجه کنید که به شما خیره شده و انتظاراتی از شما دارند؛ ما دوست نداریم که خود را درگیر فضاهای خاص اداری کنیم و از وظیفه‌ی خودمان دور شویم. گاهی در این فراز و نشیب‌ها، ناخواسته از اصل ماجرا دور می‌شویم. جالب است که این هویت کانونی، که به آن اشاره کردم، لاجرم ما را به مسیر اصلی برمی‌گرداند.

کانون مجموعه‌ای شناخته‌شده است، و این موضوع، در واقع انتظارات جامعه از ما، خودبه‌خود کانون را به مسیر اصلی برمی‌گرداند. فیلم‌هایی که می‌سازد، محصولاتی که تولید می‌کند، این‌ها ترسیم‌کننده‌ی برنامه‌های کانون هستند. و این‌جا، مدیریت اصلی با مربیان است. اصلی‌ترین کسانی که کانون را در مسیر خودش نگاه می‌دارد، مربیان هستند. کسانی که آموزش دیده‌اند، در جای خاص خود قرار گرفته‌اند، به‌روز شده‌اند و توانمند هستند، و فعالیت‌هاشان را درست ادامه می‌دهند.

◀ در صحبت‌هایتان چندین بار تاکید کردید که «کانون باید برگردد به آن چه بوده، کانون باید

یکی از وظایف ما، انس با کتاب است، پس باید روی کیفیت تولیدات خود بازنگری کنیم.

صریح بگوییم که منظورم این نبود که قرار است تغییرات بزرگی انجام دهیم! نه، تغییرات که نداریم، چراکه وقتی ریل و مسیر مشخص است، مثل قطاری که در حال حرکت باشد، می‌شود خود این قطار را عوض کرد، رنگ قطار را عوض کرد، تغییراتی در حرکت آن داد. مثلا در شرایط کرونا، کانون تبدیل شد به مرکز مجازی. این مسأله شاید مشکلی است که مربی ما رودررو با عضو کانون نباشد، این مجازی شدن یک اشکالاتی ایجاد کرده، اما ناچار بودیم برای حفظ جان بچه‌ها، به این روش عمل کنیم. کرونا خیلی از نهادها را مجبور کرد وارد فضای مجازی بشوند، و دیدیم که اتفاقا می‌شود برخی فعالیت‌ها را مجازی دنبال کرد. در شرایط پسا کرونا، هم‌زمان می‌شود هردو شکل را برنامه‌ریزی کرد و انجام داد، هم مجازی هم حضوری.

نظر من این است که به کانون باید آن‌گونه که شایسته است فکر کنیم، و آن‌گونه که شایسته‌ی اهداف و وظایف آن است وارد شویم. یکی از وظایف ما، انس با کتاب است، پس باید روی کیفیت تولیدات خود بازنگری کنیم. که دوستان ما در تولید شروع کرده‌اند. روی محتوا و کیفیت داریم کار می‌کنیم. چون برعکس کثرت، کیفیت برای ما خیلی مهم است. مطالعاتش شروع شده و دوستان دارند زحمت می‌کشند. در دسترس قرار گرفتن تولیدات کانون به نحو شایسته، و این که چه‌طور در ایام کرونا محصولات کانون سریع‌تر به دست مخاطب برسید، که یکی از دغدغه‌های ماست. اگر هم در سنوات گذشته به دلایلی فروشگاه‌های ما کم شده یا تعطیل شده‌اند، برنامه‌ریزی کرده‌ایم برای افزایش این مراکز، به جهت این که دسترسی به محصولات ما ساده‌تر شود.

اولین سالی است که مهدهای کودک زیر چتر آموزش و پرورش قرار گرفته؛ مگر همین مهدها مخاطب کانون

اصیل ما هستند، همان سبک زندگی ایرانی اسلامی. ما شعار نمی‌دهیم که باید سبک زندگی این باشد، بلکه وقتی فیلمی ساخته می‌شود، ماجرای را روایت می‌کند، شخصیت‌هایی دارد، موضوعش هم صرفاً دینی نیست، اما در یکی از سکانس‌های فیلم، قهرمانی که در دل بچه‌ها قرار گرفته و بچه‌ها دوستش دارند، در یک صحنه و در شرایط خاصی، این شخصیت می‌گوید " ... من نماز دارم قضا می‌شود، اجازه بدین من نماز رو بخونم و پیام.. " همین کافی است. موضوع ما نماز نبوده، اما در یک لحظه، با حرف همین قهرمان فیلم، در ذهن بیننده چیزهای خاصی شکل می‌دهد و این نشان‌دهنده‌ی شیوه‌ی کار ماست. آمیخته شدن آن چیزی که ما به عنوان پرورش فکری مطرح می‌کنیم با ویژگی‌های تعالیم دینی، نمی‌تواند لذت‌بخش نباشد. ما قبول داریم و می‌دانیم که دین ما چه دینی است؛ انسانیت، اخلاق و کردار خوب، کمک به دیگران، دوستی و نیکوکاری، محبت و نوع‌دوستی و ... این‌ها تعالیم دینی ما و به ما سفارش شده است. وقتی این‌ها در فضای پرورش فکری ما قرار می‌گیرد و در محصولات ما خودش را نشان می‌دهد، بچه‌ها بیشتر و عاشقانه‌تر وارد آن می‌شود و به فعالیت‌های کانون علاقه نشان می‌دهند. نکته‌ی من این است که مربی ما چه‌طور با ظرافت این کار را انجام می‌دهد، و بذریبای زندگی ایرانی اسلامی را در ذهن بچه‌ها می‌کارد. این مهم باید در کانون اتفاق بیفتد. پرورش فکری، یعنی همین؛ یعنی در یک چهارچوب خاصی که کاملا مشهود و جلوی چشم ما نیست، ولی در اهداف و ذهن مربی ما وجود دارد، به‌صورت ظریف و ماهرانه با بچه‌ها کار می‌شود و ذهن اعضا می‌رود به سمت داستان‌ها، داستان‌هایی توأم با این معجون تعالیم دینی. بچه‌ها به این صورت پرورش فکری پیدا می‌کنند، این‌جاست که اگر بچه‌ی من استعداد مثلا شاعری یا عکاسی دارد، این ارزش‌های ناب هم روی چهارچوب فکری او تاثیر خواهد گذاشت.

◀ **با این دیدگاه‌ها، در چند ماهی که در این سمت حضور دارید، چه برنامه‌ها و کارهای مقدماتی صورت گرفته؟ در واقع در این مسیری که ترسیم شد، چه تغییرات و کارهای عملیاتی انجام شده یا خواهد شد؟**

پی‌گیری هستیم. اسم کانون را در جرگه‌ی همکارانی که برای ساماندهی نیروهای انسانی آموزش و پرورش نیاز دارد تعریف کردیم که در واقع امتیاز محسوب می‌شود که اگر بخواهند استخدام شوند، این یک امتیاز است.

اما می‌دانیم که کانون برای مریبان پاره‌وقت، تعهد استخدام ندارد. چراکه هر استخدامی، نیازمند کسب مجوز از مراجع بالادستی است. اما در زمینه‌ی دستمزدها، دوستان ما کارهایی کرده و شیوه‌نامه‌هایی را آماده کرده‌اند. به نوعی همسان‌سازی است: حق‌الزحمه‌ی همکاران پاره‌وقت ما با دیگر همکارانی که ساعتی کار می‌کنند. این حق همکاران پاره‌وقت ماست. درست است که از لحاظ استخدامی، دست ما بسته است در شرایط کنونی، اما به فکر مشکلات آنان هستیم.

البته می‌دانید از ۲۵ سال قبل که فرایند جذب این نیروها این‌طور نبوده که این عزیزان استخدام شوند؛ قرار بود که برخی از هنرمندان توان، هفته‌ای چندساعت به کانون بیاید و آموزش‌هایی را انجام دهد و ما از تخصص این هنرمند استفاده کنیم، و مبنای استخدامی مد نظر نبوده. اما به هر حال، این موضوع ادامه یافته و به وضعیت امروز رسیده، و کار ما این است که پی‌گیری کنیم برای رفع مشکلات حق‌الزحمه‌ای.

نیروهای تمام‌وقت و یا شرکتی هم هستند که مدت‌هاست کار می‌کنند، مریبان رسمی هم هستند، و ... ما در کانون تنوع نیروهای متفاوت داریم، اما متناسب با شرایط کاری هر کدام از این عزیزان، به‌روزرسانی شده و کارهایی در حال پی‌گیری است.

◀ و درباره‌ی دوستانی که بازنشسته شده‌اند...

بازنشسته‌ها در واقع پیشکسوتان ما هستند؛ بسیاری از این عزیزان با ما در ارتباط هستند و از دیدگاه‌هاشان استفاده می‌کنیم، برخی هستند که حتی خودشان خواستند ارتباط قطع شود، حتی در استان‌ها. بسیاری از ایشان هنوز با ادارات کل ما ارتباط دارند. و چه خوب است این فضا در اختیار آن‌ها قرار گیرد که هرچند وقت یک‌بار سری بزنند، با بچه‌ها در ارتباط باشند، و از نظرات و تجربه‌هایشان استفاده شود.

در کانون به کثرت اهمیت داده نمی‌شود بلکه به کیفیت اهمیت داده می‌شود. اگر کثرتی هم هست، کثرت افکار و اندیشه‌هاست، نه کثرت عدد و ارقام. در کانون باید دنبال این نگاه باشیم.

پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیستند؟ به دوستان تاکید کرده‌ام که برنامه‌ریزی کنند که این مهدها هم بتوانند از تولیدات ما استفاده کنند، مریبان مهدهای کودک هم از قصه‌ها و داستان‌ها و کتاب‌های ما برای اعضایشان استفاده کنند. اگر این اتفاق‌ها بیفتد، انگار همه‌ی مهد کودک‌های ایران عضو کانون هستند و بچه‌ها با محصولات کانون انس پیدا می‌کنند و این چرخه ادامه پیدا می‌کند.

تولید فیلم، حضور فعال در جشنواره‌ها و برنامه‌ها یکی از اهداف و برنامه‌های ماست که بیشتر شود. استفاده از افکار و اندیشه‌ها صاحب‌نظران، تاکید دارم که از نظرات‌شان و نقشه‌ها و پیشنهادهاشان استفاده کنیم، کسانی که دست به قلم هستند، پیشکوست کانون هستند، ما باید از افکار آن‌ها استفاده کنیم. چراکه عقیده دارم: فضایی که پرورش فکر انجام می‌دهد، باید افکار را از جهات مختلف گردآوری کند.

◀ در حوزه‌ی داخلی، همکاران کانون مشکلاتی دارند در زمینه‌ی معیشت دارند؛ در این زمینه، چه برنامه‌ای دارید؟

کانون پرورش فکری یک شرکت دولتی است و تابع قوانین و مقررات دولت. هر تغییری که در این نهاد اتفاق می‌افتد، تابع شرایط و قوانین دولت است و مریبان ما هم در این شرایط قرار می‌گیرند. اما کانون نیروهای متنوعی دارد، انواع نیروهای اداری، فرهنگی، هنرمندان مختلف، که از لحاظ جایگاه متفاوت هستند. من خودم در زمینه‌ی وضعیت مریبان پاره‌وقت دغدغه دارم که تعدیل صورت نگیرد، در مورد افزایش حقوق‌شان اقداماتی را انجام داده و در حال

مروری بر فعالیت‌های مجازی مراکز فرهنگی-هنری کانون

برخط و برای همه

• آلمان توکل

«مرکز مجازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان راه‌اندازی خواهد شد»، این خبری است که مدتی پس از فراگیری ویروس کرونا منتشر می‌شود. مراکز فرهنگی کانون پرورش فکری کودک و نوجوانان در سرتاسر کشور دیگر همچون گذشته نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند و حالا فعالیت‌های فرهنگی و هنری باید در قالبی متفاوت به مخاطبان کانون ارائه داده شود. به نظر می‌رسد وظیفه خطیری بر گردن کانون پرورش فکری است، نه تنها بایستی نقش تربیتی خود را ادامه دهد، بلکه با ورود بیشتر کودکان و نوجوانان به فضای مجازی بایستی محتوایی جذاب در اختیار آن‌ها قرار بدهد. مدت زیادی از اعلام این خبر نمی‌گذرد که اعضای کانون می‌توانند مربیان خود را در فضای مجازی همراهی کنند. آن‌ها پس از ثبت‌نام در سامانه اعلام شده این امکان را دارند تا در «کارگاه‌ها برخط ملی»، «کارگاه‌های برخط استانی» و «کارگاه‌های بدون محدودیت زمان» شرکت کنند. حالا ساختار فعالیت‌های فرهنگی-هنری کانون تغییرات بزرگی داشته و رابطه مربیان و اعضا بازتعریف شده است. اما این تغییرات مقطعی بوده و هستند؟ آیا قرار است شیوه ارتباطی مربیان و اعضای کانون بازتعریف شود؟ این تغییرات را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

کانون ۲۳۰ هزار عضو مجازی دارد!

بیش از پنج دهه از فعالیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌گذرد و در تمام این سال‌ها اغلب فعالیت‌های کتابخانه‌ها که بعدتر به مراکز فرهنگی - هنری تغییر نام دادند منوط به حضور فیزیکی مربیان و اعضا بوده است. اما در یک سال و نیم اخیر دنیای مجازی حلقه ارتباطی آموزش هنر و ادبیات و البته مهارت‌های زندگی بوده است. محمود مروج معاون فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان معتقد است که مهم‌ترین آسیب این اتفاق حذف تعامل مربی و عضو بوده است. او می‌گوید که در عین حال نمی‌توان نکات مثبت این تغییرات را نادیده گرفت چرا که فضای مجازی امکان آموزشی وسیع‌تری را در اختیار کانون قرار داده است و در دسترس بسیاری از کودکانی است که حالا می‌توانند از برنامه‌های متنوع کانون استفاده کنند. با او درباره این تغییرات و تأثیرات آن بر سیاست‌گذاری‌های این بخش گفت‌وگو کرده‌ایم.



همین واسطه مربیان عزیز ما در سراسر کشور کودکان و نوجوانان را جذب و علاقه‌مند به مطالعه و کتاب کرده‌اند. کانون پیش از این و با بیش از نیم‌قرن فعالیت حضوری به توسعه‌ی تکنولوژی و زیرساخت‌های تکنولوژی فکر کرده است و از ده سال قبل به دنبال خدمات فرهنگی به صورت غیرحضوری بوده است. مرور بعضی از فعالیت‌های ما در بخش‌های هنری- ادبی گواه این امر است. با این حال می‌توانم بگویم این اقدام مربوط به فعالیت‌هایی خاصی بوده که همه‌گیر نبوده و قابل تعمیم به همه اعضا محسوب نمی‌شده‌اند. بیماری کرونا به‌رحال اتفاقی است که دنیا را به هم ریخت، در واقع تمام آن شرایط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و همه‌چیز را تحت تأثیر خود قرار داد، به‌طور طبیعی با همه‌گیر شدن بیماری در کشور، کانون هم مثل سازمان‌های دیگر به شدت تحت تأثیر این بیماری

◀ **کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم مانند تمام مجموعه‌های فرهنگی با فراگیری ویروس کرونا تغییرات آنی را در شیوه اجرایی، مخصوصاً در مراکز فرهنگی - هنری شاهد بود. دوست داریم مروری کلی بر این موضوع داشته باشیم.**

عمده فعالیت‌های کانون در بخش خدمات فرهنگی در مراکز فرهنگی-هنری سیار و ثابت در سراسر کشور اتفاق می‌افتد. به‌طور طبیعی جنس فعالیت‌ها بیشتر حضوری و تعاملی است و متکی بر ارتباط خانواده با مراکز و مربیان کانون و همچنین ارتباط مربی با کودکان و نوجوانان. در تمام این سال‌ها فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ادبی این مراکز کتاب محور بوده‌اند و امانت کتاب در واقع مهم‌ترین فعالیت فرهنگی-هنری محسوب می‌شده است و به

می‌شوند. با این توصیف حدود دویست و سی هزار نفر عضو مرکز مجازی داریم. گرچه این ظرفیت نسبت به تعداد دانش آموزان کشور نسبت کمی است، ولی در طرح‌ریزی برنامه‌های آینده تعیین‌کننده خواهد بود.

◀ و در تعریف فعالیت‌های فرهنگی_هنری تغییراتی داشتید؟

در مرکز مجازی بیش از شصت و دو کارگاه و فعالیت پیش‌بینی شد که هشت کارگاه رایگان بود که امکان حضور اعضای جدید را فراهم آورد. انواع کارگاه‌های هنری و فرهنگی و ادبی هم بازتعریف شد که استقبال خوبی از آن‌ها به عمل آمد. در عین حال ما هرگز به این استقبال قانع نیستیم و امیدواریم که شرایط کرونا اجازه دهد که ما از آن ظرفیت‌های حضوری مثل سابق بیش از اندازه استفاده کنیم و نشاطی که بچه‌ها و مربیان از برنامه‌های حضوری حس می‌کردند مجدد از سر گرفته شود.

از زمان شکل‌گیری کانون مجازی

دویست و سی هزار نفر در سرتاسر کشور عضو این مرکز مجازی شده‌اند. صدوسی هزار نفر از آن‌ها کودکان و نوجوان‌هایی بودند که خود اقدام به ثبت‌نام در این مرکز کرده‌اند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای نخستین بار این امکان فراهم آورد تا زبان‌آموزان این مجموعه نیز بتوانند از امکانات فرهنگی، هنری و ادبی بهره‌برند

◀ سوال دیگری را مطرح می‌کنم و بعد مجدد به سوال قبلی برمی‌گردم. گویا برای فعالیت‌های مجازی از همکاران برون سازمانی هم دعوت به کار شد، درست است؟

بله تعدادی از همکاران از بیرون جذب شدند. البته در بخش فناوری اطلاعات از کارشناسانی در سطح استان‌ها استفاده شد. بالطبع در آینده که فناوری‌ها روز به روز گسترش پیدا می‌کند، جنس سرمایه‌گذاری کانون در منابع انسانی تغییر خواهد داد.

قرار گرفت و ما مجبور به تعطیلی مراکز شدیم و این یک غافلگیری برای کانون بود، همان‌طور که این غافلگیری به حوزه‌ی فرهنگی خیلی آسیب زد.

◀ تصور می‌شد که این تعطیلی مقطعی باشد اما تدوام پیدا کرد. فکر می‌کنم شکل‌گیری مرکز مجازی کانون در همین مقطع بود؟

بله. بعد از مدتی که مراکز تعطیل شد بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای مجازی و فعالیت‌های غیرحضوری آغاز شد. در واقع تجربیات قبلی در خصوص فعالیت‌های غیرمستقیم و غیرحضوری برای ما کارآمد بود. همکاران کانون سعی کردند زیرساخت‌های قبلی را آماده کنند و می‌توانم بگویم که فعالیت بسیار خوبی در زیرساخت‌های استفاده از فضای مجازی در کانون به وجود آمد و فعالیت‌های مجازی و غیرحضوری کانون جان تازه‌ای گرفت.

◀ پس نگاه شما به این تغییر مثبت است؟

البته هیچ‌وقت ادعا نمی‌کنیم که فعالیت‌های غیرحضوری و مجازی جای فعالیت‌های اصلی ما را می‌گیرد، نه به‌هیچ‌وجه، فعالیت‌های حضوری و حس خوب تعامل مربی با عضو چیز دیگری است که هرگز فعالیت‌های مجازی جای آن را نمی‌گیرد. ولی به اقتضای این بیماری و با ابداع و خلاقیت فعالیت‌های ویژه‌ای در فضای مجازی این امکان فراهم آمد که هم در خارج از کشور و هم در هر نقطه از کشور فعالیت ما گسترش پیدا کند.

◀ داده آماری درباره فعالیت‌های تابستان دارید؟

بله. دوهزار و چهارصد و بیست و دو کارگاه برگزار شد و تعداد مخاطبان هم بیست و چهار هزار و هشتصد و شصت و دو نفر بود.

◀ در این مدت چند مخاطب از فعالیت‌های مجازی کانون استفاده کردند؟

بیش از صد و سی هزار نفر در مرکز مجازی ثبت نام کردند. سیاستی هم که اعمال شد این بود که کودکان و نوجوانان کانون زبان هم به صورت خودکار عضو مرکز مجازی

با شکل‌گیری کانون مجازی فعالیت‌های
چهل‌وچهارگانه‌ی کانون با تغییراتی روبرو شد.
افزودن دوره‌هایی با هدف آموزش مهارت‌های
زندگی و مهارت‌های اقتصادی بخشی از این
تغییرات بود.

وکارهای هماهنگی و... نیست ولی تبادل نظر و تجربه‌ها می‌تواند در فضای مجازی هم صورت بگیرد.
نکته دوم آنکه ما خیلی از کارگروه‌هایمان قبلاً به صورت حضوری بود و حتی لازم بود بعضی دوستان سفر طولانی مدت داشته باشند که حالا سیستم اجرایی آن متفاوت شده است. فضای مجازی هم در تولید محتوا و در سیستم برنامه‌ریزی، هم در خود برنامه‌ها و در شیوه‌های اجرای برنامه‌ها تاثیر گذاشته است و تاثیرش روز به روز بیشتر هم خواهد شد. این خود دستاورد بزرگی است. ضمن اینکه در حوزه‌ی تولیدات هم زمینه‌های خوبی وجود دارد که کانون بتواند در آن‌ها سرمایه‌گذاری کند و به وسیله‌ی ظرفیت‌های فضای مجازی در تعامل و حتی در خدمت مخاطبین باشیم که البته پاسخ به این بخش وقت دیگری می‌طلبد.

◀ فکر می‌کنید رویکرد استفاده از فضای مجازی بعد از پاندمی هم ادامه داشته باشد؟

ظرفیت فعالیت‌های مجازی را هرگز متوقف نمی‌کنیم، بلکه سعی می‌کنیم آن را توسعه دهیم، به‌طورقطع در کنار راه‌اندازی مجدد فعالیت‌های حضوری و راه‌اندازی مراکز فرهنگی-هنری در بخش مجازی هم به‌صورت خاص فعالیت‌ها بیش از گذشته پیدا خواهد کرد.

یکی از فعال‌ترین بخش‌های کانون در این مدت همین بخش مجازی است که مربیان، کارشناسان و متخصصین فناوری بر قوت آن افزودند.

اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که دو وجه داشته باشد مد نظر کارشناسان و مربیان خلاق کانون است تا بخشی از فعالیت‌ها حضوری و بخشی از آن مجازی تعریف شود و به جذابیت هر کدام از آن‌ها افزوده شود.

امیدوارم بعد از فروکش کردن بیماری ما بتوانیم حتی بیش از قبل در خدمت کودکان و نوجوانان باشیم.

◀ درمورد تغییر در فعالیت‌های فرهنگی هنری صحبت می‌کردیم. این فعالیت‌ها در فضای مجازی گسترش پیدا کردند و البته چند فعالیت هم حذف شدند. آیا این نوع نگاه گامی برای تغییر سیاست‌های کانون در سال‌های آتی است؟

این تغییرات بر اساس تشخیص مربیان و کارشناسان بوده که چه فعالیتی و با چه هدفی برای مخاطبین ما مفید است. با این همه همکاران کانون تلاش کردند آنچه که به شکل حضوری به کودکان و نوجوانان خدمات ارائه می‌شد به صورت مجازی هم ارائه شود، مگر بعضی از فعالیت‌ها که اصلاً این قابلیت را نداشت. از طرفی می‌دانیم خیلی از بچه‌ها خانه نشین شدند، مدرسه نرفتند و آن شرایطی که بتوانند در اجتماع ظاهر شوند برای آن‌ها فراهم نبود. سعی کردیم که در حد توانمان بعضی از آسیب‌ها را رصد کنیم و در واقع برای عبور از آسیب‌ها فعالیت‌هایی تعریف کنیم که از جمله می‌توان به کارگاه‌های مهارت‌های زندگی که تحت عنوان حال خوش زندگی در اختیار آن‌ها قرار گرفت اشاره کنم. در مورد تغییر سیاست‌ها باید گفت در حال حاضر در متن بیماری کرونا هستیم، دنیا هم با همین مشکل مواجه است و تنها ما نیستیم، بعد از آن تحلیل‌های بسیاری روی این اتفاقات، آسیب‌ها، ویا احیاناً ظرفیت‌های جدید در دنیا خواهد شد. این تحلیل‌ها اطلاعات خوبی هستند برای تصمیمات بعدی، به طور طبیعی می‌تواند در خیلی تصمیم‌ها و طراحی‌ها اثرگذار باشد و حتی باعث تغییر سیستم برنامه‌ریزی شود و این امکانش وجود دارد. در مورد کانون هم همین‌طور است. به طور طبیعی در آینده ممکن است تغییراتی هم در حوزه‌های تولید هم در حوزه‌های خدمات فرهنگی رخ بدهد.

◀ مجازی شدن فعالیت‌های کانون، خارج از تعامل با مخاطبان، دستاوردهای دیگری هم داشته است؟

بعضی از برنامه‌های مدیریتی از قبیل هماهنگی‌ها، سمینارها و... بیشتر حضوری برگزار می‌شد، در حالیکه الان به این نتیجه رسیدیم که بخشی از آن‌ها به‌صورت مجازی قابل اجرا هستند و این علاوه بر اینکه سهل الوصول است خیلی از هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. این به معنی حذف ساز

کلاس‌های مجازی کانون نیازمند حمایت بیشتر خانواده‌ها

● فاطمه ولادی ● مربی استان آذربایجان غربی

ساعت اوقات خود را در قالب‌های جذاب فعالیت با مربیان می‌گذرانند اما اکنون به سختی زمان یک ساعته را برای فعالیت‌هایی می‌پذیرند و گاهی یک فعالیت عمومی به تقاضا و اصرار اعضا و در صورت وجود بازه زمانی آزاد مربی از یک ساعت به دو ساعت یا بیشتر و در ترکیب با چندین فعالیت ارتقا پیدا می‌کند که این موضوع نیز باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. باید دانست که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با توجه به ذات رسالت خود و اهداف تعریف شده بخشی از خلاها را پر کرده است، اما خانواده‌ها هنوز نمی‌توانند کلاس‌های مجازی را جایگزین کامل و مناسبی برای آنچه به صورت حضوری در مراکز کانون می‌گذشت بدانند. بنابر تجربه به دست آمده آن‌ها معمولاً در مراجعه به مراکز یا در ارتباط با مربیان استقبال چندانی از کلاس‌های مجازی ندارند. لذا شاید باید گفت در کنار کودکان و نوجوانان بازمانده از آموزش، آمار کودکان و نوجوانان بازمانده از پرورش‌هایی که برعهده جامعه و سازمان‌های متولی است به شدت افزایش یافته است و همین ضرورت توجه هرچه بیشتر به رسالت کانون را مشخص می‌کند. امید داریم که با روند رو به بهبود و درمان و ریشه کنی این پاندمی، کودکان و نوجوانان بار دیگر در شرایطی مساعدتر آنچه را که از نظر فرهنگی و اجتماعی نیاز دارند، دریافت کنند.

شیوع فراگیر کرونا، فعالیت‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را نیز مانند بسیاری از سازمان‌های آموزشی و فرهنگی تحت‌تاثیر، و مسیر خاص و جدیدی را پیش روی این مجموعه فرهنگی تخصصی قرار داد. شاید بتوان گفت بخشی از این تغییر مسیر بایستی از سال‌ها قبل در کانون اتفاق می‌افتاد. نگرشی که باعث مقاومت و مخالفت شدید در خصوص حضور اعضا و مربیان در فضای مجازی و نگاه به فعالیت‌ها از منظر حرکت دنیا به سمت زندگی و آموزش الکترونیک بود. اکنون که کانون توانست در این برهه حساس و با حفظ تقریبی ضرورت‌ها، فعالیت‌های خود را در بستری هدایت کند که به میزان قابل توجهی بر آسیب‌های ناشی از کرونا در کودکان و نوجوانان تاثیر مثبت داشته باشد، باید از نگاه خانواده‌ها نیز به این مهم توجه داشت که آیا شاکله مجازی کانون توانسته جایگزین مناسبی برای شکل حضوری آن باشد؟ از دو منظر می‌توان به این موضوع پرداخت:

اول دوری از هم‌سالان است. قرار نگرفتن کودکان و نوجوانان در رویارویی با موقعیت‌هایی که در اجتماع رقم می‌خورد (گفتگو، نقد، شنیدن نظرات مخالف و موافق، خشم، شادی، توان مواجهه با مشکلات و تصمیم‌گیری مناسب در لحظه و...)، یکنواختی در سبک زندگی پیش آمده و مسایل روحی ناشی از آن و آسیب‌های جسمی ناشی از بی‌حرکی و کار با ابزار الکترونیکی مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌هاست. این موضوع در کنار سختی آموزش‌های رسمی به صورت مجازی، به شدت خودنمایی می‌کند.

دوم نبود اطلاعات فنی کافی برای رفع مشکلات مختلف در مسیر برگزاری کلاس‌ها، ضعف زیرساخت‌های اینترنتی برای مربیان و اعضا و مشکلات مالی ناشی از آن برای خانواده‌هاست. در بسیاری از خانواده‌ها با نبود شرایط مالی مناسب برای تهیه سخت‌افزار لازم جهت حضور فرزندان‌شان در کارگاه‌ها روبرو بوده و هستیم.

اگرچه دلایل فوق باعث شده که خانواده‌ها نسبت به قبل کمتر از حضور فرزندان‌شان در فعالیت‌های کانون استقبال کنند اما از طرفی اعضا و خانواده‌های خسته از شرایط موجود، برای جبران بخشی از این خلا به جد و با علاقه، پیگیر کارگاه‌های مجازی کانون هستند. فراموش نکنیم که پیش‌تر اعضا به صورت حضوری در زمانی سه یا چهار

دیدار دوباره با مربیان محبوب در فضای مجازی کانون

پاییزه طاهری از جمله مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که مجازی شدن فعالیت‌های این مجموعه فرهنگی را چالشی متفاوت عنوان می‌کند، چالشی که اگرچه در ابتدا شبیه به یک بحران بود اما حالا با گذشت نزدیک به دو سال از آغاز این فعالیت، دستاوردهای جدیدی برای مربیان کانون داشته است. او معتقد است تغییر تعاریف کلاسیک ارتباطات و پذیرش نیاز کودکان و نوجوانان به گوشی‌ها و فضاهای مجازی توسط بزرگسالان، از جمله تغییراتی است که مربیان کانون و خانواده‌های اعضا تجربه کرده‌اند.

آموزش مجازی محدودیت زمانی را از دوش اعضا برداشت

پاییزه طاهری می‌گوید: بعد از گذشت یک سال اوضاع کمی متفاوت شد و توانستیم در فضایی محدود با مخاطبانمان ارتباط برقرار کنیم. در این میان نظریه مارشال مک لوهان در مورد کم شدن فاصله مکانی و زمانی در این ارتباط کاملاً مشهود است. به‌طور مثال به اعضا و مربی‌هایی اشاره می‌کنم که به دلیل جابه‌جایی مربیان دیگر در کنار هم نبودند. حالا با مجازی شدن آموزش‌ها امکان استفاده مجدد این اعضا از حضور مربیان محبوبشان فراهم آمده بود. فضای مجازی امکانات خوبی در اختیار ما قرار داد. در کلاس‌هایمان اعضای با لهجه‌ها و گویش‌های مختلف داریم که حضورشان برای توسعه دانش مربیان و اعضا آموزنده است. حضور هر دو جنسیت در یک کارگاه ممکن شده است و اعضا دیگر مجبور نیستند پایبند ساعت رفت و آمد باشند. گاهی در ساعات ظهر که زمان ناهار است در کلاس‌ها شرکت می‌کنند و مانعی برای آن‌ها وجود ندارد و همین امکان اندک آن‌ها را به وجد می‌آورد.

مجازی شدن فعالیت‌های کانون و آغاز چالش‌ها

«شیوع ویروس کرونا و مجازی شدن فعالیت‌های کانون تجربه جدیدی برای مربیان بود. در ابتدا همه‌مان شوکه بودیم و سوال بزرگ و مهم‌مان هدایت و بازتعریف رابطه با اعضا بود» طاهری صحبت‌هایش را این‌طور شروع می‌کند و بعد می‌گوید: البته عدم دسترسی برخی از اعضا به اینترنت و نبود برنامه‌های لازم در گوشی‌های همراهشان دغدغه‌ی دیگری برای ما بود. تصور اینکه دیگر نمی‌توانند از کلاس‌ها و فضای فرهنگی استفاده کنند سخت بود. در هر حال کلاس‌های مجازی آغاز شدند و ما با دعوت اعضا و آموزش به آن‌ها فعالیت‌هایمان را از سر گرفتیم.

او درباره‌ی چالش‌های این مسیر توضیح می‌دهد: اگرچه تلاش کردیم پیوستگی فعالیت‌ها را حفظ کنیم اما تعریف فضای جدید به اعضا سخت بود. تنظیمات گوشی همراه و ورود به سامانه برای خانواده‌هایی که با تکنولوژی فاصله داشتند یک چالش محسوب می‌شد. در نظر بگیرید که بحران‌های معیشتی هم برای خانواده‌ها پیش آمد و فعالیت فرهنگی-هنری در آخر فهرست ضرورت‌های آن‌ها قرار گرفت. به همین دلیل ضمن اینکه اعضا از هم فاصله فیزیکی داشتند حالا ما برخی از اعضای نوجوانان را هم در کنار خود نداشتیم.

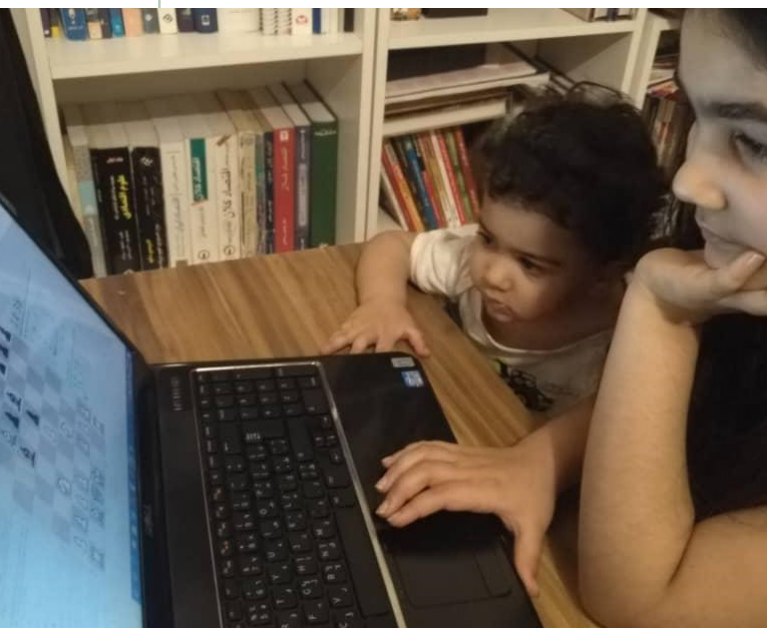
فضای مجازی و یادگیری مهارت‌های اجتماعی

او به تاثیرات مثبت این تغییر بر روی اعضای کانون اشاره دارد: برخی مهارت‌ها و رفتارهای اعضا در این بازه زمانی تغییر کرد. حالا اگر در کلاسی یک عکس برای کتابخوانی به اشتراک گذاشته می‌شود، دقت و زمان بندی اعضا باعث بهره‌وری کلاس می‌شود. چرا که اعضا مجبورند حتماً حرف کسی را بشنوند و منتظر نمایش عکس کتاب بمانند. آن‌ها حالا قدر زمان را می‌دانند. موجز و کامل صحبت می‌کنند و مهارت گوش دادن در آن‌ها تقویت شد. از طرفی مهارت‌های اقتصادی‌شان توسعه پیدا کرده، برای حضور در کلاس به اینترنت نیاز دارند و بودجه‌بندی می‌کنند تا پول تو جیبی‌شان هدر نرود پس در همین حین صرفه‌جویی را یاد گرفته‌اند. بد نیست به نکته مهمی اشاره کنم. اعضای که با ارتباط‌گیری حضوری مشکل دارند- به طور مثال خجالتی‌اند- در این مدت از کلاس‌ها استفاده کردند. البته عکس این مساله هم اتفاق افتاد مثلاً عضوی ارتباط حضوری را ترجیح می‌دهد و اصلاً آموزش غیر حضوری برایش آسان نیست و ترجیح می‌دهد در کلاس‌ها شرکت نکند)

آغاز یک همزیستی جدید با ورود به دنیای مجازی

او در انتها به تغییر رابطه میان مربی و اعضا می‌پردازد: در این مدت و با ایجاد فاصله کودکان و نوجوانان تعامل مربی و اعضا تعریف جدیدی پیدا کرد. گاهی اعضا با مرگ عزیزانشان روبرو می‌شدند و تنها راه ارتباطی‌شان فضای مجازی بود تا برای آن‌ها راهگشا باشد. آن‌ها غم‌هایشان را با ما به اشتراک می‌گذاشتند. از طرفی شیوه نگرش ما به گوشی همراه تغییر کرد. قبل‌تر تلاش می‌کردیم با فعالیت هنری و فرهنگی زمان استفاده از گوشی را کمتر کنیم اما حالا تعامل مخاطب و نیازهای او وابسته به گوشی بود و این ما بودیم که باید خودمان را در آن فضا تعریف می‌کردیم، علممان را بالا می‌بردیم و به فردی قابل اعتماد برای آن‌ها تبدیل می‌شدیم. البته در این راه از راهنمایی خود آن‌ها هم استفاده کردیم.

حالا می‌توانم بگویم یک همزیستی خوبی پیش آمد. دیگر تاکید بر حذف گوشی نیست، چون حالا کتابخوانی و درس با گوشی همراه ممکن است. حالا نوجوان است که دانش خود را به ما عرضه می‌کند، ضمن آنکه هر دو یاد گرفته‌ایم چطور احساساتمان را در فضای مجازی منتقل کنیم.



دسترسی به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کانون با یک کلیک

از اواسط سال ۹۹ که همه فهمیدند به این زودی‌ها بساط کرونا جمع نمی‌شود و برگزاری کلاس‌های حضوری امکان‌پذیر نیست، مراکز فرهنگی و هنری به فکر تغییر مدل اجرا و برگزاری کلاس‌هایشان افتادند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز از این قاعده مستثنی نبود و از همان زمان شروع به برگزاری کارگاه‌های مجازی در سنین و موضوعات مختلف کرد. فاطمه تاجیک مربی نقاشی و زیور آلات رزینی کانون از شروع این فعالیت‌ها چنین می‌گوید: «کلیت تمام کارگاه‌های کانون بر اساس فعالیت‌های مراکز کانون بود. با توجه به شرایطی که الان وجود دارد همان کلاس‌هایی که در کانون داشتیم حالا چه صورت عمومی یا چه به صورت فعالیت‌های شهریه‌ای را در سایت کانون به صورت دوره تعریف کردیم. هم دستمان باز تر بود هم تعداد کلاس‌ها بیشتر شد؛ چون در مراکز ما برای کلاس‌ها محدودیت داریم. بر اساس همان فعالیت‌های حضوری یا فعالیت‌هایی که به مرور زمان به آن اضافه شد کلاس‌ها را برنامه‌ریزی کردند. مثلاً تا چند سال پیش برنامه نویسی، اسکرچ جونیور، فوتوشاپ، عکاسی و... در مراکز مخصوصاً شهرستان‌ها مرسوم نبود. اما در کارگاه‌های مجازی این نوع کارگاه‌ها هم اضافه شد و طرح درس‌ها هم بر اساس طرح درس‌هایی است که در هر حوزه‌ای کارشناس مربوطه آن را تایید می‌کند.»

محدودیت نداریم!

تاجیک تاکید می‌کند که قبلاً چنین کارگاه‌هایی به این صورت در کانون برگزار نمی‌شد هرچند ایده‌ی آن در کانون مطرح شده بود ولی اجرای آن در زمان پاندمی محقق شد. او برگزاری کارگاه‌های مجازی را یکی از اتفاقات مهم کانون می‌داند و توضیح می‌دهد: «به نسبت قبل خیلی بهتر شده است. ما الان محدودیتی در شرکت کردن نداریم. قبلاً اینطور بود که فقط بچه‌ها به مراکز نزدیک محل سکونتشان رجوع می‌کردند اما حالا هیچ محدودیتی در شرکت در کارگاه‌ها نیست و بچه‌ها از کارگاه‌های استان‌های دیگر نیز استفاده می‌کنند مثلاً مادر کرمان هنر پته‌دوزی داریم، در سیستان سوزن‌دوزی و آینه‌دوزی داریم، هرمرزگان کارهای تزئینی با صدف دارد. گلابتون‌دوزی را برای استان‌های جنوبی کشور داریم و مازندران همین کلاس را با نام گلدوزی برگزار می‌کنند که هر کودک و نوجوانی

از هر شهر و استانی می‌تواند در آن شرکت کند. در شهرستان‌ها مخصوصاً استقبال خیلی بهتر است. حتی موردی داشتیم که در روستا زندگی می‌کرد و به خاطر کلاس آنلاین کانون یک مسیر طولانی را می‌رفت تا به اینترنت دسترسی پیدا کند و در کلاسش شرکت کند یا مثلاً استانی بچه‌های کشاورزها بودند که همگی در یک کلاس شرکت کرده بودند. تنوع کلاس‌هایمان هم از پارسال تا به حال با توجه به استقبال بچه‌ها افزایش پیدا کرده است. از طرفی بودن بچه‌ها در خانه هم از جنبه‌هایی به نفع خانواده‌ها شده است؛ اینکه الان به خاطر محدودیت‌ها بچه‌ها نمی‌توانند در کلاس‌های حضوری شرکت کنند حداقل باعث شده است وقتشان از بین نرود. هم خانواده‌ها بسیار راضی‌اند و هم بچه‌ها. خیلی از خانواده‌ها ترجیحشان به مجازی بودن است. ما در حضوری اجازه نداریم والدین را کنار بچه‌ها داشته باشیم ولی الان والدین هم همراه بچه‌ها هستند و روند بهتری طی می‌شود.»

حضور غایب مربی

این مربی کانون البته به تفاوت‌های کلاس‌های حضوری و مجازی نیز اشاره می‌کند: «در کارگاه‌های حضوری مربی به حرکات فرد مسلط است؛ مثلاً اگر مربی دارد صحبت می‌کند متوجه گوش دادن بچه‌ها به صحبت‌هایش می‌شود. اما در مجازی ما نمی‌توانیم تصویر همه را داشته باشیم، ما نمی‌دانیم بچه‌ای که در خانه است شش‌دانگ حواسش به ماست یا مثلاً دارد خوراکی می‌خورد یا... ولی بچه‌ها در فضای مجازی خودشان و خانواده‌شان به روز هستند. هر کدام یک سری مزایا دارد و یک سری معایب که نمی‌شود گفت کدام بهتر است.»

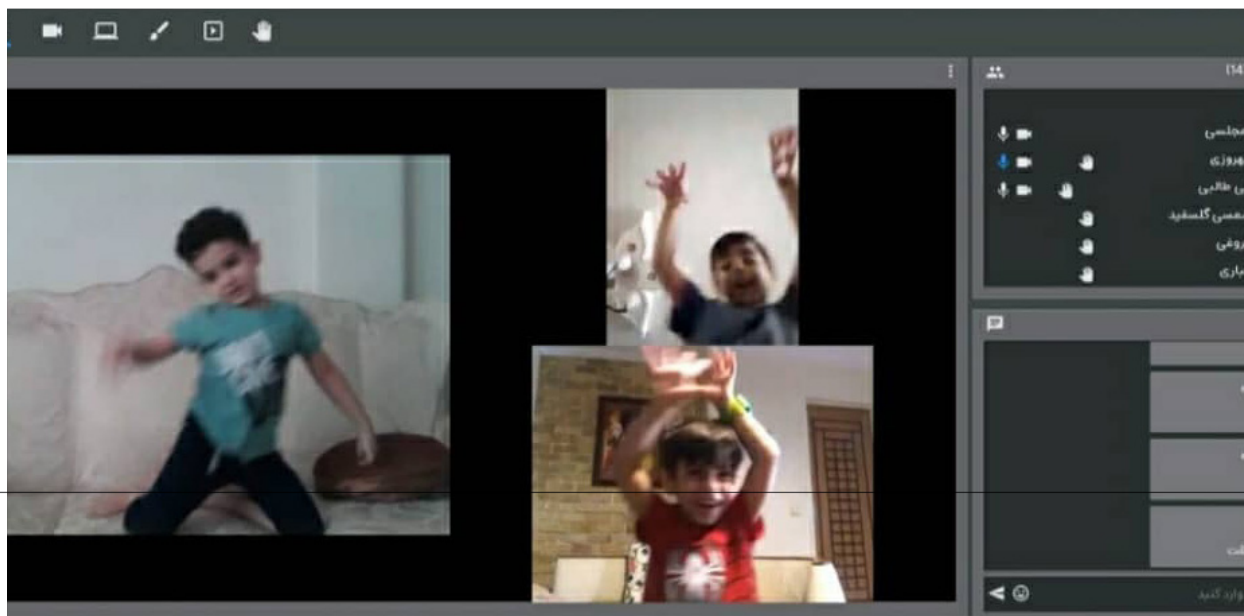
تاجیک از تفاوت نحوه اجرای کارگاه‌های مجازی با کارگاه‌های حضوری می‌گوید: «بعضی از کلاس‌هایمان که حتماً باید بچه‌ها بالا سر استاد باشند مثل نقاشی، کاردستی، کلاژ و... بر اساس خلاقیت پیش می‌بریم. ما در کانون نمی‌توانیم بگوییم بچه‌ها کی می‌کنند چون خلاقیت بچه‌ها از بین می‌رود و دیکته کردن کار است. ولی در کلاس‌هایمان کلیت را توضیح می‌دهیم و حین کار به

بچه‌ها نشان می‌دهیم که چطور باید کار را پیش ببرند. ولی سر طرح و رنگ و ... خود بچه‌ها انتخاب می‌کنند و خروجی کلاس‌هایمان واقعاً خیلی خوب بوده است، چون بچه‌ها نقاشی‌هایی را که می‌فرستند نشان می‌دهند که چقدر کارگاه تاثیرگذار بوده و آموزش به خوبی صورت گرفته است. ما مربی‌های کانون آرشینو کارهای بچه‌ها را از اول داریم و در انتهای دوره رشد و پیشرفت بچه‌ها، هم برای خودشان، هم برای ما و هم برای خانواده‌هایشان روشن است.»

این مربی کانون طرح‌درس‌های کانونی را هم به بررسی می‌گذارد و می‌گوید: «طرح درس‌ها بر اساس طرحی است که کارشناس همان حوزه ارائه داده است و در کل کشور یکسان است. یعنی مربی‌ای که طرح درس شعر را در تهران اجرا می‌کند، مربی هرمزگان هم همان را اجرا می‌کند. البته طرح درس‌ها تقریباً همان طرح درس‌های حضوری است فقط شکل ارتباط با بچه‌ها و نحوه اجرای آن تغییر کرده است.»

غیبت‌ها به صفر رسید

حسین دهلوی هم از شروع کارگاه‌های مجازی همراه این کارگاه‌ها بوده است. او که کارشناس ادبی کانون است درباره‌ی شروع کارگاه‌های مجازی کانون این‌طور می‌گوید: «این کارگاه‌ها در ترم اول و دوم خطاهای زیادی داشت، اما به مرور پخته‌تر شد و ما الان در آستانه ترم پنجم هستیم و خیلی از ایرادها برطرف شده و بچه‌ها و مربی‌ها توانستند به خوبی با آن ارتباط برقرار کنند و بازدهی آن خیلی فراتر از حد تصورمان بود. چون همیشه مربی و عضو، ارتباط رودرو و عاطفی داشتند اول فکر می‌کردیم با برگزاری کلاس‌های مجازی این رابطه شکل نمی‌گیرد؛ اما برعکس خیلی خوب بود و جواب داد. چون بچه‌ها و خانواده‌ها خیلی راحت‌تر وقت می‌گذاشتند و از هرجایی بچه‌ها می‌توانستند متصل بشوند. برخلاف کلاس‌های حضوری که بچه‌ها غیبت داشتند توی کارگاه‌های مجازی غیبتشان خیلی کم شد و در بعضی کارگاه‌ها به صفر رسید.»



جنب و جوش از یادرفته

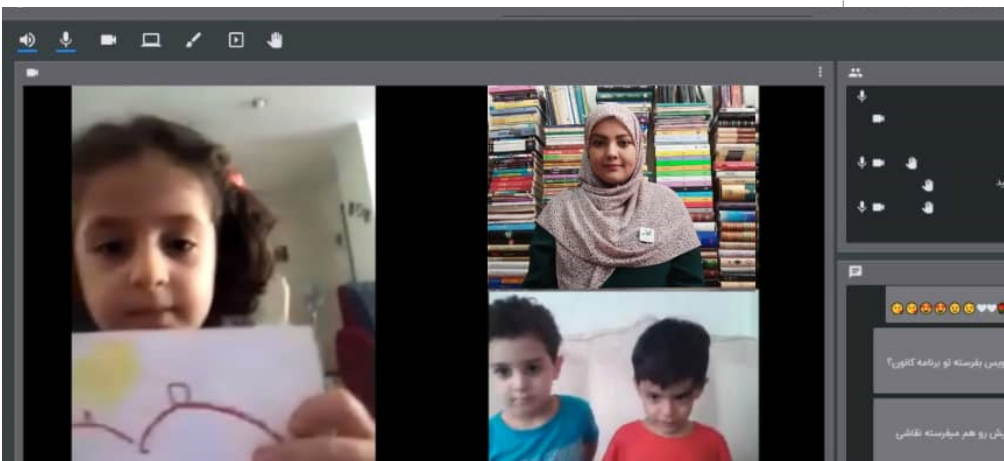
مانا مداح مربی عمومی کانون در شهر آبادان است. او تفاوت‌های کارگاه‌های مجازی و حضوری را زیاد می‌داند و معتقد است در کارگاه‌های مجازی مربی برای برنامه‌ریزی و طرح درس با محدودیت‌های زیادی مواجه است. «مربی باید کلاس را به شکلی طراحی کند که هم برای اعضا جذاب باشد، هم به موضوع و هدف کلاس مربوط باشد و هم به صورت آنلاین قابل اجرا باشد. بسیاری از ابزارهای جذاب در کارگاه‌های آنلاین قابل اجرا نیستند. مثلاً کارگاه‌های حضوری معمولاً با بازی‌های گروهی و پرتحرک همراه هستند که باعث جذابیت بیشتر و ارتباط گیری مؤثرتر می‌شود. بازی‌های گروهی و پرتحرک از جذاب‌ترین شیوه‌های برگزاری کارگاه هستند. یا مثلاً در کارگاه نوشتن خلاق، بخش مهمی به پرورش حواس پنجگانه اختصاص دارد. در کلاس‌های حضوری مربی با آوردن خوراکی‌های مختلف یا ادویه‌های گوناگون، اعضا را ترغیب به تجربه کردن حواس پنجگانه به شکل عملی می‌کند. اما در کلاس‌های آنلاین این فعالیت‌ها یا قابل اجرا نیستند یا با کیفیت و جذابیت پایین‌تری قابل اجرا هستند.»

مداح چهره‌به‌چهره نبودن کارگاه‌های مجازی را از نقاط ضعف اصلی آن می‌داند و می‌گوید: «به سبب این که مربی ارتباط چهره به چهره با اعضا ندارد و نمی‌تواند عکس‌العمل آنی بچه‌ها را ببیند، گاهی ارتباط گرفتن سخت می‌شود. همچنین محیط خانه (خانه بچه‌ها) با توجه به این که یک فضای آموزشی نیست، تمرکز بچه‌ها را پایین می‌آورد و حال و هوای کانون

برگزاری کارگاه‌ها با شرکت کنندگان خارجی

دهلوی می‌گوید طرح درس‌ها برای کارگاه‌های مجازی به صورت جداگانه نوشته شد و در حوزه‌های مختلف کارگروه‌هایی تشکیل شد تا طرح‌درس‌های مختص کارگاه‌های مجازی نوشته شود و همه امکاناتی را که در پلتفرم‌های مجازی جواب می‌دهد، بررسی شده است. او این تفاوت‌ها را با طرح درس شعر و قصه بیان می‌کند: «مثلاً طرح درس شعر و قصه خیلی وابسته به حضور بچه‌ها بود. مربی با خودش وسایل مختلف می‌برد سر کلاس تا بچه‌ها لمس کنند و ببینند که این لمس کردن‌ها در کارگاه‌های مجازی حذف شد، از طرفی دست مربی مثلاً در بخش ادبی بیشتر باز شد. دسترسی به عکس‌ها برای مربی‌ها و نشان دادن آن به بچه‌ها آسان‌تر شد یا مثلاً اگر مربی فلان نکته‌ای از کتاب یادش می‌آمد، با جستجو در پی‌دی‌اف آن نکته را به بچه‌ها می‌گفت.»

این کارشناس ادبی کانون ادامه این کارگاه‌ها را بعد از پاندمی هم ضروری می‌داند. «بچه‌ها از همه جای دنیا می‌توانستند وارد این کلاس‌ها شوند. مثلاً بچه‌های تهران در کارگاه‌های لرستان ثبت نام می‌کردند یا حتی ما از کشورهای دیگر مثل آلمان سه-چهار نفر هم شرکت کننده داشتیم.»



روز از نو روزی از نو

راضیه ساقی نیز که مربی نوشتن خلاق کانون در یزد است، تفاوت اصلی کارگاه‌های حضوری و مجازی را در شرکت‌کننده‌های آن می‌داند. «ما در کارگاه‌های حضوری شاگردان ثابت داشتیم؛ اما در کارگاه‌های مجازی ترمی است و هر ترمی هم هشت جلسه است. مثلاً بچه‌ای این ترم می‌آید ترم دیگر نه و بعد ما او را دوباره ترم بعدی‌اش در کلاس می‌بینیم. از طرفی رابطه رو در رو که نیست انرژی‌ای که در کلاس‌ها می‌گذاریم کمتر شده است. صدا و تصویر بچه‌ها را خیلی کمتر داریم. زمان نوشتنشان ما از آن‌ها آگاه نیستیم و کمی به قولی گلچین‌وار پیش می‌رویم. البته این کلاس به کلاس و کارگاه به کارگاه متفاوت است.»

هرچند ساقی معتقد است به خاطر ماهیت کارگاه‌های نوشتن خلاق کیفیت کارگاه‌ها تغییر نکرده است. او استقبال بچه‌ها را نسبت به کارگاه‌های حضوری بیشتر می‌داند و می‌گوید: «تابستان استقبال خیلی بهتر است و خوبی کارگاه‌های مجازی این است که از همه شهرها ما شاگرد داریم. مثلاً من از تهران، شهرستان‌های یزد، آبادان و... شرکت‌کننده داشتیم. خودم کلاس‌های حضوری را ترجیح می‌دهم اما به خاطر شرایط فکر می‌کنم کلاس‌های مجازی بهترین راه برای برگزاری کلاس‌ها هستند. در کلاس‌های مجازی دستمان در تبلیغات و رسانه بازتر بود و همه بچه‌ها بیشتر می‌توانند استفاده کنند و الان ارتباط نوشتاری ما با بچه‌ها بیشتر شده است، چرا که پیگیری از بچه‌ها نیز راحت‌تر شده است.»

را ندارد. حتی گاهی بچه‌ها میز و صندلی مناسب برای نقاشی یا نوشتن ندارند. و همان‌طور که گفته شد به خاطر محدودیت‌های کلاس آنلاین در شیوه اجرا، کیفیت آن شبیه کارگاه‌های حضوری نیست. کارگاه‌های کانون فرآیندمحور هستند و مربی با شیوه‌های غیرمستقیم و بازی‌گونه و با فعالیت‌های گروهی مفاهیم را انتقال می‌دهد. بنابراین در کلاس‌های آنلاین با پیچیدگی و دشواری‌هایی رو به رو می‌شود که کیفیت کلاس را پایین می‌آورد.»

محرومیت همچنان باقی است

برخلاف نظر تاجیک و دهلوی، مداح معتقد است که استقبال بچه‌ها به اندازه استقبال از کارگاه‌های حضوری نیست. «این مسأله علت‌های مختلفی دارد. یک علت آن نداشتن گوشی یا لپ‌تاپ شخصی است. بسیاری از اعضا از گوشی والدین یا خواهر و برادرشان استفاده می‌کنند و مسلماً بچه‌ها نمی‌توانند هر موقع که بخواهند از گوشی آنان استفاده کنند. در منطقه‌های محروم که حتی والدین هم گوشی مناسب برای کلاس مجازی ندارند. دلیل دیگر افت سرعت اینترنت و قطع شدن آن و مشکل‌های مربوط به سایت است. از طرفی دیگر نداشتن جنب و جوش‌های جسمانی باعث دافعه می‌شود.»

بچه‌ها کلاس‌های حضوری را به خاطر ارتباط رو در رو با مربی و دوستانشان، ترجیح می‌دهند.» هرچند او هم به دلیل شیوع گسترده ویروس کرونا موافق برگزاری کارگاه‌های حضوری نیست؛ اما به نظرش باید کارگاه‌های مجازی آسیب‌شناسی شود و مشکلات آن برطرف شود. مداح همچنین به بیشتر شدن فشار روی مربی در کارگاه‌های مجازی اشاره می‌کند و می‌گوید: «مربی برای جذاب‌تر شدن کارگاه‌های آنلاین و پر کردن خلایقی که در کارگاه آنلاین احساس می‌شود، ناچار است که بیشتر برای طرح درس و آماده‌سازی مواد آموزشی وقت و انرژی بگذارد. به عنوان مثال مربی برای کارگاه معرفی شخصیت، باید یک ویدئو بسازد که دارای جذابیت‌های کافی باشد. پروسه ساختن یک ویدئو (پیدا کردن عکس و فیلم‌های با کیفیت، موسیقی مناسب، تدوین و...) بسیار زمان‌بر است. به خصوص برای مربی‌هایی که تجربه این کار را ندارند. از طرفی دیگر، اعضا و والدین در طول شبانه‌روز با فرستادن نمونه کارهایشان و تماس‌های تلفنی زمان زیادی را از مربی می‌گیرند. اما در کارگاه‌های حضوری بچه‌ها همان موقع کارشان را تحویل می‌دادند و والدین نیز سوال‌هایشان را در کانون و در وقت اداری می‌پرسیدند. همچنین آموزش ثبت نام مجازی و آموزش وارد شدن به کلاس به اعضا (یا والدین) زمان زیادی می‌برد.»

ایمن کردن فضای مجازی برای بچه‌ها

متأسفانه کودکان و نوجوانان در دنیای مدرن امروز به جای تحرک، بازی و نشاط در فضاهای شهری، بیشتر سوار بر امواج پر سرعت اینترنت، بیشتر وقت خود را در کوچه پس کوچه‌ها و هزار توی فضای مجازی سپری می‌کنند.

نام فضای مجازی مترادف است با فرصت‌ها، تهدیدها و نگرانی خانواده‌ها برای حضور فرزندان‌شان در این فضا است و همواره پدر و مادرها به دنبال راهکاری هستند تا بتوانند مسیر درستی را در این فضا، فراروی فرزندان‌شان قرار دهند و به نوعی چگونگی و میزان حضور آن‌ها را در این فضا مدیریت و مهندسی کنند.

یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل) چندی پیش مقاله‌ای را درباره چگونگی ایمن نگه داشتن فرزندان در فضای مجازی به خصوص در زمان شیوع کرونا منتشر کرد که خواندن چندباره آن قطعاً خالی از لطف نیست.

پنج راهکار برای این که فرزندان در فضای مجازی ایمن باشد

۲. از تکنولوژی برای حفاظت از فرزندان خود استفاده کنید

مطمئن شوید که لوازم الکترونیکی فرزندان به آخرین نسخه نرم‌افزار و آنتی‌ویروس مجهز باشد و تنظیمات حریم خصوصی روشن باشد. دوربین (وب‌کم) را در صورت عدم استفاده ببوشانید. برای بچه‌های کوچک‌تر، از ابزارهایی نظیر برنامه‌های "کنترل والدین بر اینترنت" و "جستجوی امن" استفاده کنید، تا تجربیات آنلاین ایمنی داشته باشند. در مورد منابع آموزشی رایگان آنلاین محتاط باشید. فرزند شما هرگز نباید عکس یا اسم کامل خود را برای دسترسی به این منابع استفاده کند. به خاطر بسپارید که تنظیمات حریم خصوصی را کنترل کنید تا دریافت اطلاعات را به حداقل برسانید. به فرزند خود یاد دهید که اطلاعات شخصی خود را به خصوص در اختیار غریبه‌ها قرار ندهند.



۱. درباره فضای مجازی با فرزندان خود شفاف صحبت کنید

با فرزندان خود صادقانه راجع به کسانی که با آن‌ها در ارتباط هستند و چگونگی ارتباط‌شان صحبت کنید. اطمینان حاصل کنید که اهمیت و ارزش تعاملات دوستانه و حمایت‌گرانه را می‌فهمند و این که رفتارهای تبعیض‌آمیز و نامناسب هرگز قابل قبول نیستند. آن‌ها را تشویق کنید که اگر هر یک از این رفتارها را تجربه کرده‌اند فوراً موضوع را با شما یا شخص بالغ و معتمدی در میان بگذارند. نسبت به حالات فرزندان هنگام کار با اینترنت هشیار باشید که مثلاً آیا غمگین یا پنهان‌کار به نظر می‌رسد، یا اذیت و آزار اینترنتی را تجربه می‌کند.

به همراه فرزند خود قوانینی وضع کنید که چگونه و چه زمانی می‌توانند از این وسایل استفاده کنند.

۳. با فرزندان در فضای مجازی زمان بگذرانید

فرصتهایی برای فرزندان ایجاد کنید تا ارتباطات آنلاین مثبت و ایمن با دوستان، خانواده و شما داشته باشند. در حال حاضر، ارتباط با دیگران مهم‌تر از همیشه است و می‌تواند فرصتی عالی برای شما باشد تا در "ارتباطات مجازی" الگویی مناسب از لحاظ مهربانی و همدردی برای فرزندان باشید.

به کودکان خود آموزش دهید چطور می‌توانند از اطلاعات نادرست و محتواهای نامتناسب با سن آنها که می‌تواند موجب نگرانی بیشتر آنها در مورد ویروس کرونا گردد، اجتناب کنند. منابع دیجیتالی معتبر زیادی از سازمان‌هایی مانند یونیسف و سازمان جهانی بهداشت در دسترس می‌باشد که شما و فرزندان‌تان را قادر می‌سازد با هم‌درمورد ویروس اطلاعات بیشتری کسب کنید. برای فرزند خود زمان بگذارید و برنامه‌ها، اپلیکیشن‌ها، بازی‌ها و سایر سرگرمی‌های مناسب سنش را پیدا کنید.



۴. عادت‌های آنلاین سالم را تشویق کنید

رفتارهای خوب را در فضای مجازی و در تماس‌های تصویری تشویق کنید. فرزندان را تشویق کنید تا با هم‌کلاسی‌هایش مهربان باشد و به آن‌ها احترام بگذارد. مراقب پوشش فرزندان‌تان در جلوی دوربین باشید و اجازه ندهید از داخل اتاق خواب تماس تصویری بگیرند. سیاست‌ها و راه‌های تماس با مدرسه برای گزارش آزار و اذیت اینترنتی یا محتوای نامناسب آنلاین را بدانید.

وقتی کودکان زمان بیشتری را در فضای مجازی می‌گذارند، ممکن است در معرض تبلیغات بیشتری قرار بگیرند که غذاهای ناسالم، کلیشه‌های جنسیتی یا موضوعات نامتناسب با سن‌شان را ترویج می‌کنند. به فرزندان کمک کنید تا تبلیغات آنلاین را تشخیص دهد و از این فرصت استفاده کنید تا با هم برخی پیامهای منفی را شناسایی کنید.

۵. بگذارید اوقات خوشی داشته باشند و ابراز وجود کنند

گذراندن زمان در خانه می‌تواند فرصت خوبی برای فرزندان شما باشد تا از فضای مجازی برای انعکاس نظرات خود و حمایت از کسانی که در این بحران به کمک نیاز دارند، استفاده کنند.

فرزندان خود را تشویق کنید تا با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال فعالیت جسمانی داشته باشند، به عنوان مثال تشویق به استفاده از ویدیوهای ورزشی آنلاین برای بچه‌های کوچک و بازی‌های ویدیویی که تحرک آن‌ها را زیادتر می‌کند.

به یاد داشته باشید که بین سرگرمی‌های آنلاین و فعالیت‌های غیرآنلاین تعادل برقرار کنید، به عنوان مثال اگر امکان دارد بیرون و در فضای آزاد هم وقت بگذرانید.

گزارشی از انجمن‌های ادبی کانون پرورش فکری: شعر و داستان با طعم نوجوانانه

شکل‌گیری انجمن‌های ادبی کانون به سال‌های بسیار دور در تهران برمی‌گردد و ماحصل آن حضور فعالانه نویسندگان و شاعرانی است که این روزها در دهه چهارم زندگی‌شان به صورت حرفه‌ای در موضوعات مختلف قلم می‌زنند. کمی بعدتر انجمن‌ها در آذربایجان غربی و کرمان هم شکل گرفتند و گام‌های آهسته و پیوسته تا جایی ادامه پیدا کرد که ۱۳ انجمن در سراسر کشور مشغول فعالیت شدند. اما تغییرات اصلی این فعالیت فرهنگی در شهریور ۹۵ رخ داد. انجمن‌های ادبی ساماندهی و ثبت شدند و تا پایان همین سال شیوه‌نامه‌ای در اختیار استان‌ها قرار گرفت تا با اقداماتی هماهنگ جهت تاسیس انجمن‌های جدید اقدام کنند. حاصل این حرکت تشکیل ۳۹ انجمن تا پایان سال و شکل‌گیری مهرواره‌های شعر و داستان بود. در تابستان ۱۴۰۰ آفرینش‌های ادبی و هنری کانون خبر از تشکیل ۵۲ انجمن داستان و ۵۹ انجمن شعر در ۳۱ استان کشور داده است. این در حالی است که طی این چندسال شیوه‌نامه انجمن‌ها اصلاح شده است، کتابخانه‌های تخصصی آن‌ها تجهیز شده‌اند و ورود و پیوستن کانون به کشور مسیر جدیدی را پیش روی برنامه ریزان، مربیان و اعضای این انجمن‌ها قرار داده است.

با شیوع بیماری کرونا در اسفند ۹۸ و نیمه تعطیل شدن مراکز کانون در سرتاسر کشور انجمن‌های ادبی وارد مسیر جدیدی شدند. اولین اقدام می‌توانست تعلیق این انجمن‌ها باشد با این حال سردرگمی مربیان و کارشناسان کانون ادامه پیدا نکرد چرا که تعطیلی این انجمن‌ها آسیبی جدی را رقم می‌زد. پس نیاز به برنامه ریزی سریع و دقیقی وجود داشت. با این دیدگاه بود که تا اواخر فروردین ۹۹ شیوه‌نامه برگزاری انجمن‌های ادبی در فضای مجازی برای استان‌ها ارسال شد تا این فعالیت رنگ جدیدی به خود بگیرد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه در این دوره حذف سفرهای بین شهری و امکان حضور مهمانان و کارشناسان از سرتاسر ایران بود. استان‌ها این امکان را داشتند تا شاعران و نویسندگان مختلفی را به نشست‌های خود دعوت کنند. ضمن آنکه شناسایی اهالی قلم که در کانون مستقر بودند فرصت جدیدی را پیش روی انجمن‌ها و این هنرمندان قرار داد. این مهمانان از میان کارشناسان، مربیان یا مدیران کانون در سرتاسر کشور شناسایی شدند و در نهایت به عنوان مهمان در ۵۰۰ نشست حضور پیدا کردند تا سال کاری ۱۳۹۹ برای انجمن‌های ادبی کانون سالی پر بار قلمداد شود.

با ورود به سال ۱۴۰۰ برگزاری نشست‌ها ادامه پیدا کرد. در ابتدای این سال نیز فهرست جدیدی از اهالی قلم در اختیار انجمن‌ها قرار گرفت. امسال هم حدود ۶۰ نفر از مربیان کارشناس در حوزه فرهنگ و ادب شناسایی شد و فهرست آن‌ها به انجمن‌ها داده شد.



انجمن
شاعران نوجوان
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان



انجمن
نویسندگان نوجوان
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان

آموزش‌های پر بار، از بزرگان ادبیات معاصر طی دو سال اخیر در قریب به صد جلسه ی مجازی، اتفاق خجسته ای بود که با حسن تدبیر مسئولان و مربیان به خوبی رقم خورد، اعضا به خصوص در شهرستان های محروم و کم برخوردار، طی رویدادهایی کم سابقه فرصت بهرمندی از تجارب و دانش اساتیدی را به دست آوردند که قطعاً در روزگار حقیقی به ندرت پیش می‌آمد، دنیای مجازی از این جهت که گسترده است و سهولت دسترسی و سرعت ارتباط گیری بالایی دارد و توانایی ذخیره و بازنگری اطلاعات را در دسترس اعضا قرار می‌دهد بسیار مفید و کار آمد بود.

استان خوزستان با توجه به موقعیت جغرافیایی در نقشه، آب و هوا و وضعیت معیشت، همواره دچار تناقضاتی در سبک و سطح زندگی مردمان خویش بوده است، کما اینکه در مناطقی مثل خرمشهر یا آبادان تاثیرات جنگ و محرومیت به خوبی در روان پدرها و مادرها و طبیعتا نوجوانان هویداست، انجمن های ادبی با حضور در میان نوجوانانی که به دلیل اقلیم جغرافیایی و شرایط زندگی و اجبار مالی و حتی ترک تحصیل و اشتغال در سنین پایین، قادر به استفاده از علم روز و پرورش استعداد خود نبودند و حتی آن را به دلیل نبود امکانات سرکوب می کردند، این فرصت طلایی را برای این قشر ایجاد کرد که دغدغه های مشترک خود را با همسالانشان به اشتراک گذاشته، از شعر و داستان بگویند و لابه لای سخنان دل گرم کننده و ارزش گذاری ویژه ای که توسط اساتید نام آشنا در مورد آن ها و آثارشان، ارائه



مسیر روشن برای لبخندهای رویایی

● محدثه الماسی ● کارشناس ادبی خوزستان

خوزستان، سرزمین نخل و شرجی و دریاست، جایی برای لمس ذرات هوا و درک دستان گرم آفتاب، در این میان، شعر جریان خوشایند زندگی ست در رگ های مردمانی که نعاوی عربی می خوانند، شلیل خوانی بختیاری از برند و جانشان در توصیف ملایمات و ناملایمات آمیخته به زبان ادبیات است، حتی اگر این آیین را نه از مکتب و کتاب بلکه از زبان نیاکان و به صورت شفاهی آموخته و زمزمه گر باشند، از دل چنین مردمانی ادیبان بزرگی برخاسته و در آسمان ادبیات این مرز و بوم درخشان مانده اند، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان خوزستان از دیرباز مهد کشف و جذب استعدادهای ادبی این دیار هنرپرور بوده و در راستای ارتقاء آن در میان کودکان و نوجوانان کوشیده است، چرا که مسیر تربیت و پرورش جز با چراغ علم و ادب روشن نمی شود. واحد آفرینش های ادبی این استان با وجود نیرو و مربیان ادبی اندک، اما سرشار از تجربه و تبحر، در سال های اخیر میزبان استعدادهای ناب خوزستانی بوده و همواره در مسیر تعالی و رشد آن ها گام برداشته است.

بر همین اساس ایجاد فرصت بهره مندی از فضای انجمن های ادبی، در میان نوجوانان خوزستانی مورد توجه قرار گرفت و کم کم جایگاه ویژه ای در ذهن آنان پیدا کرد. در حال حاضر ۸ انجمن فعال ادبی در این استان به صورت مستمر و ماهانه جلسه برگزار می کنند، در فضایی صمیمانه جمع می شوند و در جان نوجوانان کلافه از گرما و محروم از امکانات آنچنانی، نهال های امید و عزت و احترام می کارند، قابل توجه است که نه تنها مربیان ادبی بلکه مربیان فرهنگی مشتاقانه در این انجمن ها فعالیت کرده و مسئولیت به عهده دارند.

جلسات مجازی تشکیل شده در دوران کرونا، کم کم مسیر خود را یافته و به هدف نزدیک شدند، لطف حضورهای حقیقی و پرسش و پاسخ ها و شعرخوانی های بی دغدغه بار دیگر توسط مربیان و اعضا لمس شد و فرصت کشف فضایی جدید و تجربه هایی متفاوت به وجود آمد، تعاملات ارزشمند و دریافت



دستگاه که با شوق در این فضا آرام می‌گیرند و می‌آموزند و می‌آموزند و رویا می‌سازند..

خواندن، تمرین، گفتگو و دریافت نقدهای به روز و کارشناسانه، نیمی بیشتر از آن چیزی است که نوجوان ادیب نیاز دارد و قطعاً انجمن‌های ادبی محیط مناسبی برای رسیدن به این اهداف است. ایجاد انگیزه و شوق در جلسات مجازی که در دسترس اعضا قرار می‌گیرند، به شکل ویژه‌ای تاثیرگذار بوده و اینگونه است که در میان نوجوانان عضو کانون خوزستان جلسات انجمن‌های ادبی هم پیش از کرونا و هم در دوران کرونا از جمله اتفاقات تاثیرگذار و مورد استقبال بوده و هست. امیدواریم این فرصت زیبا با افزایش ساعات مربیان ادبی و جذب نیروی بیشتر برای مراکزی که از این نعمت بی بهره هستند، روز به روز گسترش یابد و تقویت شود. در این میان آسیب‌های اجتناب‌ناپذیری مطرح است، از جمله برگزاری جلسات در محیط ناکارآمد واتساپ، عدم دسترسی اعضا به کتابخانه‌های آنلاین کانون و تعطیلی کتابخانه‌ها بدون ایجاد جایگزین، نبود بسته‌های تشویقی و حمایتی، در طول زمان کسالت به همراه آورده و تنوع بیشتری باید ایجاد شود، از طرفی به مرور شاهد تکرار اسامی در میان اعضای فعال هستیم که قطعاً باید در مورد جذب و ماندگاری اعضا در این فضا تمهیدی اندیشه شود. در نهایت آنچه اهمیت دارد ایجاد مسیری روشن برای آینده‌سازان این سرزمین است و امیدواریم دست در دست هم چراغ تجربه و خلاقیت را روشن نگاه داریم تا هدف اصلی را گم نکنیم.

می‌شد، اعتماد به نفس خویش را تقویت کنند. نوجوانان در این سن و سال با هر کلام و حتی کلمه‌ای می‌توانند تحت‌تأثیر قرار بگیرند و در مورد انتخاب مسیر و آینده، تصمیم گرفته یا تجدید نظر کنند. چه بسا که موقعیت و وضعیت کنونی بسیاری از ما، ماحصل تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها و کشف‌های دوره‌ی نوجوانی و جوانی است، وقتی کم‌کم زاویه دید خود نسبت به زندگی را یافتیم و به دریافت آنچه دوست داریم و آنچه می‌خواهیم رسیدیم در رویاهای شبانه قهرمان قصه شدیم و بیت بیت آینده را زمزمه کردیم و لبخندهای رویایی زدیم. وقتی این نوجوانان از استان‌ها و مناطق آسیب دیده و کم‌برخوردار باشند قطعاً این تاثیر دو چندان خواهد بود. نوجوانانی که گوشی همراه یکی از والدین را قرض می‌گیرند و مشتاقانه در جلسه حاضر می‌شوند تا ببینید و بخوانند نقد شاعر یا نویسنده‌ی نام‌آشنایی را، بر دغدغه‌ها و نتیجه‌ی تلاش این ماهشان.

در مناطق کم‌برخوردار و محروم که خانواده‌ها درگیر تامین معشیت هستند و تعداد فرزندان، سطح نازل امکانات رفاهی، کم‌سواد والدین و فضای قومی و قبیله‌ای سنتی، مانع از توجه ویژه به نوجوانان و درک دغدغه‌های آنان می‌شود، تشکیل انجمن‌های ادبی و ارائه فرصت ابراز وجود و شرح حال و هوا و تفکرات، بسیار تاثیرگذار است و چه بسا استعدادهای بی‌ظنیری از دل همین نوجوانان کمتر دیده شده برخاسته و جریان‌ساز و آینده‌ساز بوده اند. شاعرانی مانند قاسم آهینجان که از مرکز ۲ اهواز با قدمتی ۴۰ ساله، برآمد یا نوجوانان منطقه‌ی محروم صد

پلی برای ارتباط ادیبانه

• فرحناز چولکی • کارشناس ادبی ایلام

انجمن‌های ادبی ایلام پیش از شروع بیماری کرونا فعالیتشان را آغاز و در طول یک سال هجده جلسه حضوری را برگزار کردند. این جلسات به صورت حضوری در مراکز استان و یا شهرستان‌ها برگزار می‌شد و اعضا ضمن دیدار همسالانشان، گاهی شاعر و یا نویسندگان استانی و کشوری را به عنوان مهمان در کنار خود می‌دیدند که در نقد شعر و داستان به آن‌ها کمک می‌کردند. با آغاز دوره کرونا فعالیت مجازی انجمن‌ها در ایلام آغاز شد. و ۴ انجمن به ۵ انجمن تبدیل شد. این انجمن‌ها در هر ماه جلسه خود را منظم برگزار می‌کنند و اعضا به صورت خودجوش با آگاهی به قوانین انجمن، به خوبی از نشست‌ها استفاده کرده و می‌کنند. اما این فرصت زمانی اهمیت پیدا کرد که نوجوانان و اعضای ارشد شاعر و نویسنده در گروه‌های مجازی توانستند با بسیاری از شاعران و نویسندگان مطرح کشور که سال‌ها کتاب‌های آنان را در قفسه‌های کتابخانه‌ها دیده بودند گفتگو کنند. این دعوت فرصتی مناسب برای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و پل زدن و ارتباط و گفتگو بین اعضا و نویسندگان و شاعران مطرح و چهره‌های شاخص کشور بود که این فرصت در انجمن‌های حضوری به ندرت رخ می‌دهد.

اگر بخواهم به نکته مهمی اشاره کنم باید به حضور و حمایت موثر و مهربانانه مدیر کل، معاون فرهنگی و کارشناس مسئول استان بپردازم که بسیار مورد توجه اعضا قرار گرفت. اهمیت این فعالیت در بین اعضا و مربیان ادبی با این حرکت قوت گرفت و برای آن‌ها انگیزه بخش و امید بخش شد. برگزاری منظم و مداوم انجمن‌های ادبی در استان اعضا را مسئولیت پذیر کرد. آن‌ها هر ماه منتظر یک مهمان ویژه و استقبال از او هستند. تعاملاتی با موضوع فرهنگ و ادب اتفاق دیگری است که می‌توانم به آن اشاره کنم. دعوت از انجمن‌های دیگر استان در هر نشست و برگزاری کارگاه و گفتمان مشترک استفاده از دانش این مهمانان را برایمان به ارمغان آورد و حضور فعالانه در نقد آثار دو چندان شد. فکر می‌کنم این فرصت علاوه بر تقویت و رشد آثار اعضا، تجربه نقد و نقد پذیری را در آنان پرورش داد و هر کدام را به یک منتقد مورد قبول تبدیل کرد. منتقدی که با اعتماد به نفس هم نقد می‌شنود و هم نقد می‌کند.

همگی ما می‌دانیم که نشست‌های مجازی فرصت دیگری را هم برای نوجوانان رقم زده است. نبود محدودیت ظرفیت در نشست‌های ایلام مشخص کرد که علاقه‌مندان زیادی وجود دارند که می‌توانند به رشد کمی و کیفی انجمن‌ها کمک کنند. و رقابت مثبتی را بین اعضا شکل دهند.

مجازی شدن و برگزاری مداوم انجمن‌های شعر و داستان کانون در استان ایلام از دیدگاه روانشناختی و روانشناسی هم قابل توجه است هر چند که روابط اجتماعی و حضوری در این فضای پاندمی کرونا کمرنگ شده اما اعضا با ارتباط مجازی و گفتمان این خلأ را جبران کردند. در نهایت آن‌که تجربه برگزاری انجمن‌های مجازی استان ایلام در دو سال پاندمی در مقایسه با سال‌های گذشته نشان داده که اعضا مسیر رو به رشدی را طی کرده و در این دوران تا زمان نوشته شدن این یادداشت ۷۰ نشست مجازی داشته‌ایم. تنها نگرانی ما در ادامه انجمن‌های مجازی، روند تکرار و یکنواخت آن است که با آسیب‌شناسی می‌تواند تبدیل به برنامه‌های متنوع و پایدار شود. و نکته پایانی آن‌که استفاده از فضای مجازی بدون نظارت کافی ممکن است آسیب‌زا باشد که البته این مورد در انجمن‌های ادبی کانون با نظارت مرتفع شده و گروه‌های مجازی با نظارت و زمان بندی مشخص جهت حضور اعضا باز می‌شود. تعیین قوانین برای هر انجمن از نکات مثبتی بوده که در برخی انجمن‌ها اعضا را موظف به رعایت آن کرده و هر کدام در برابر گروه و برگزاری یک نشست موفق مسئولند.

وقتی رد طنز در هر مزگان پررنگ‌تر شد

● فاطمه غلام زاده ● کارشناس ادبی هر مزگان

دیدیم این انرژی کشف شده راه خودش را پیدا کرده، سه بار دیگر هم جشنواره استانی طنز را با حضور اساتید شعر و داستان برگزار کردیم. (راشدانصاری و احمد اکبرپور) بعد به سرمان زد حالا که ما از این شوخ طبعی از زندگی مردم شروع کردیم فقط در محدوده استان خودمان نباشیم و آنجایی که همه مردم ایران شاد و دل زنده هستند آمدیم و پیشنهاد برگزاری جشنواره منطقه‌ای طنز را به ستاد دادیم و آن‌ها هم بالا و پایین کردند و دیدند چیز بدی نیست پس گفتند بروید و دور هم خوش باشید. دو مرحله جشنواره منطقه‌ای با حضور استان‌های (هرمزگان، کرمان، خراسان جنوبی، یزد، سیستان و بلوچستان) برگزار کردیم. جایتان خالی اولین جشنواره منطقه‌ای سال ۹۸ بود و کلی خوش گذشت. داوران ارزشمند آمدند و آثار را داوری کردند و کارگاه تخصصی طنز نویسی برگزار کردند. (راشد انصاری، احمد اکبرپور، محمدرضا شمس، حسین تولایی). خلاصه خیلی خوش گذشت. وقتی کرونا از راه رسید دلمان نیامد اجازه دهیم او شادیمان را شکست دهد. فکر کردیم و فکر کردیم و به این نتیجه رسیدیم همه موارد را از اختتامیه، کارگاه‌های آموزشی طنز، یادکست، جایزه، تندیس و هر چیزی که لازمه‌ی این جشنواره هست را با همان کیفیت قبل از کرونا انجام دهیم تا کرونا دلش بسوزد و حداقل از جمع ما راهش را بکشد و برود. خبر خوب هم همین که اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ همه این کارها را به شیوه مجازی انجام دادیم و دومین جشنواره منطقه‌ای طنز برگزار شد و همه چیز به خیر و خوشی تمام شد. حواسم هست امسال هم داوران عزیزی در مرحله استانی و کشوری داشتیم، (راشد انصاری، احمد اکبرپور، طاهره ایبد، حسین تولایی و استان هم عبدالحمید انصاری نسب و طاهره مسافری). یک حرف در گوشتی هم برایتان دارم که امیدوارم برایمان آرزوی موفقیت کنید. سال آینده می‌خواهیم این جشنواره را کشوری برگزار کنیم. ما که بخیل نیستیم، یک انرژی را کشف کرده‌ایم حالا می‌خواهیم به سراسر کشور هدیه‌اش کنیم.

همیشه هر چیزی از یک جایی شروع می‌شود. از یک اتفاق ساده. مهم این است که این جرعه کمی سو سو کند و جان بگیرد. ایده انجمن طنز هم همین‌طور از راه رسید. جهاد دانشگاهی تحقیقاتی در مورد "شادکامی مردم ایران و عوامل موثر بر آن" انجام داده بود. با خودم به دلایل انتخاب هر مزگان در این فهرست فکر کردم انگار این مطلب دست من را گرفت و به گذشته‌ها برد. چقدر هر مزگانی‌ها در گفتگوی محاوره‌ای خود از اغراق، جابه‌جایی، بزرگنمایی، کنایه و سرتان را درد نیورم انگار زیر نظر طنزپردازان به نام، روش‌های طنزپردازی را آموزش دیده بودند. حالا من را می‌گویی انگار یک نیروی خفته و پنهان را کشف کرده باشم مثل نفت، زغال سنگ یا حتی نیروی هسته‌ای! با خودم گفتم همین است. با این ظرفیت می‌توانیم نوجوانان را به نوشتن بیشتر ترغیب کنیم و حالشان را نسبت به محیط پیرامون بهتر کنیم پس دست به کار شدم. گفتم: چه بهتر از خودشان بخواهم نظرشان را بگویند از خالو راشد (راشد انصاری، طنزپرداز و روزنامه نگار هر مزگانی) دعوت کردم تا برای نوجوانان از طنز و استفاده آن در نوشته‌ها صحبت کند و اولین نشست جدی طنز ما شکل گرفت! امروز دیگر پنج سال از آن روز به یاد ماندنی می‌گذرد. خیلی از نوجوانان آمدند و رفتند و یاد گرفتند دنیا جایی برای شاد زندگی کردن است. صبر کنید نمی‌خواهم شعار بدهم مشکلات همیشه هستند اما این که چطور با آن‌ها کنار بیاییم خیلی مهم هستند و ما دقیقاً در انجمن‌های طنز همین کار را تمرین می‌کنیم. یادم می‌آید وقتی نوجوانان دنبال سوژه برای نوشتن می‌گشتند به هیچ چیز رحم نمی‌کردند همان موقع به آن‌ها گوشزد کردیم حواستان باشد این طنز نویسی خیلی کار خوب و هنرمندانه‌ای است اما لبه تیغ هم هست. نباید برد هنرمندانه از روی آن راه برو تا خراشی هم بر نداری! وقتی که آن‌ها نوشتند و نوشتند و نوشتند در یک جشنواره که البته برای تقدیر از همه این عزیزان بود جمع شدیم. گل گفتیم و گل شنیدیم و از همه تقدیر شد. نوجوانان حسابی کیف کردند. خوششان آمد و مشتری پر و پا قرص انجمن طنز شدند.

در لابه‌لای قفسه‌های نارنجی کانون، شاعر شدم

● بهنام عبدالمهدی • خبرنگار / تبریز

شد. در کشور ما برخلاف آنچه به نظر می‌رسد، فضای قابل توجهی برای رشد و پرورش کودکان و نوجوانان نویسنده و شاعر وجود ندارد و مدرسه هم نمی‌تواند تربیت شاعر و نویسنده را بر عهده بگیرد. بر همین اساس کودکان و نوجوانان مجبورند صرفاً با خواندن و نوشتن این مسیر سخت را طی کنند که طی این سال‌ها، انجمن‌های شعر کانون مامنی بوده برای این گروه سنی با استعداد، تا بتوانند در کنار تجربه، نکاتی علمی از شیوه شاعری و نویسندگی بیاموزند. چیزی که در سال‌های اول، بسیار مهم به شمار می‌آید.

اما درباره تاثیر انجمن‌های شعر کانون در شکل‌گیری شخصیت ادبی خودم؛ باید بگویم امروز اگرچه در شهرمان من را بیش‌تر از شاعر به عنوان روزنامه نگار می‌شناسند؛ اما به جرات می‌توانم بگویم همین روحیه نگاه نقادانه و تیزبینانه را مدیون همین انجمن‌ها هستم.

انجمن‌های شعر کانون برای من این فضا را فراهم کرد تا روحیه تکروی خودم را که در کودکی بسیار قوی بود، شکست بدهم و به سوی گفتگو و تعامل گام بردارم. در انجمن شعر این جسارت را پیدا کردم که تراوشات ذهنی ام را با اساتید، مربیان، شاعران و کودکان و نوجوانان به اشتراک بگذارم شوم و در عین حال نقدهای مطرح شده را به آسانی بپذیرم و برای اصلاح شان تلاش کنم.

در حالت کلی، حضور در انجمن شعر، نعمتی است که در نوجوانی قسمت هر کسی نمی‌شود که بتواند دوشادوش هم سن و سالانش برای پخته شدن قدم بردارد. من از این که امروز می‌توانم خودم را به عنوان پرورش یافته انجمن‌های شعر کانون معرفی کنم به خود می‌بالم و برای همه مربیانم که در طول این سال‌ها دلسوزانه همراهی ام کرده اند، آرزوی تندرستی همواره می‌کنم.

چهارده ساله شده بود و با خودم فکر می‌کردم حالا می‌توانم در قسمت بیوگرافی اینستاگرام بنویسیم: «شاعر». همین تصور دستم را گرفت و برد نشاند در ردیف دوم یک انجمن شعر معروف بزرگسالان در تبریز. هر لحظه انتظار این را داشتم که شاعران حاضر در آن محفل من را بشناسند و بخواهند یکی از شعرهایم را برایشان بخوانم. نشناختند و نخواستند. آن روز یکی از روزهای مهم زندگی‌ام بود که با این حقیقت غیرقابل تغییر آشنا شدم: هیچ وقت هنوز بزرگ نشده‌ای.

برگشتم سر خانه اول؛ انجمن شعر کانون. من از بچگی با کانون بزرگ شده و تمام استرس‌ها و خجالت‌هایم را در لابه‌لای همان قفسه‌های نارنجی از بین برده بودم. اگرچه می‌گفتند مدرسه خانه دوم انسان است اما به نظر من به کار بردن این صفت برای کانون منطقی‌تر به نظر می‌رسید. انجمن شعر کانون را به شکلی ویژه دوست داشتم؛ هنوز هم دارم. بیست‌نوجوان شبیه به هم که فکر می‌کنند شاعر شده‌اند دور هم جمع می‌شوند و شعرهایی که یکی از یکی امیدوارتر است برای هم می‌خوانند.

اگر بخواهم کمی جدی‌تر در این باره بنویسم، باید اشاره‌ای داشته باشم به فضای سالمی که انجمن‌های شعر کانون برای کودکان و نوجوانان فراهم می‌سازد. ورود به دنیای شعر و شاعری برای رده سنی کودک و نوجوان بسیار امیدوارکننده است اما در عین حال می‌تواند در اثر نشست و برخاست با جریان‌های بزرگسال، روزنه‌هایی را برای انحراف قلم معصوم به وجود بیاورد.

انجمن‌های شعر کانون این بستر را فراهم می‌کند که کودکان و نوجوانان در فضایی کاملاً سالم، شعرهایی خوب بشنوند و برای نوشتن شعرهایی خوب تر قدم بردارند. در این میان نمی‌توان از جنبه علمی این کارگاه‌ها غافل

قصه آفرینش

● حمید واشقانی فراهانی • عضو سابق کانون

«آفرینش» واژه قشنگی است. چه از نظر معنایی، چه آوایی، از هر طرف نگاه کنی قشنگ است، هر جور بنگری فارسی درست و درمانی دارد. اما آفرینش، آن هم از نوع ادبی‌اش برای من علاوه بر این‌ها، قصه هم دارد. قصه من با شش رفیق نوجوان دیگر شروع شد. در سال‌های ابتدایی دهه هشتاد. در یک کتابخانه کوچک کانون، در حاشیه شرقی تهران، دور هم جمع می‌شدیم. هیچکداممان نمی‌دانیم چه حکمتی داشت و کجای زندگی کم سن و سالمان نانی قرض داده بودیم که این موهبت نصیبمان شده بود. ما عضو کانون بودیم. هر هفته جلسات منظم ادبی داشتیم. جلساتی که به لطف مربی‌اش بهترین دوساعت عمر ما در هر هفته بود. می‌نوشتیم. می‌خواندیم. تجربه‌های زیست جدید را رقم می‌زدیم. از همه مهم تر یاد می‌گرفتیم درست تر فکر کنیم. حالا بعد از نزدیک به بیست سال وقتی دور هم جمع می‌شویم. همه موافقیم که اگر آن سال‌ها عضو کانون نبودیم یا فرصت حضور در دوره‌های آفرینش‌های ادبی را نداشتیم قطعاً کارمان به جاهای باریک می‌کشید. مدرسه‌هایمان دوشیفت و پراز دانش‌آموز بود و شیوه تربیتی از شلنگ دست ناظم و چشم‌های همیشه خون گرفته‌اش مشخص بود. محله‌هایمان جای امنی نبود و خانواده‌ها همین که از پس هزینه‌های زندگی بر می‌آمدند خودش موفقیت بزرگی بود. کانون اما پناه امن ما بود. حلقه گمشده تربیتی که نه خانواده‌ها راه و چاه‌اش را بلد بودند نه مدارس ما در محقق کردنش توانمند.

جلسات ما با مربی ادبی هفتگی بود و هر ماه یکبار در یک مرکز (عمدتاً مرکز شماره ۲۱ کانون در پارک فدک) دور هم جمع می‌شدیم. داستان‌ها و شعرهای برگزیده‌ای که طی آن یک‌ماه نوشته بودیم. تحویل مربی می‌دادیم. کارها که از تمام مراکز جمع می‌شد، بهترین‌هایش انتخاب و در جلسه ماه آفرینش‌ها با حضور یک کارشناس شعر یا داستان خوانده می‌شد. چهار انجمن شعر و داستان دختران و شعر و داستان پسرها هر ماه برگزار می‌شد. من در عمده جلسات داستان شرکت می‌کردم، اما دو یا سه نوبت هم در جلسات شعر شرکت کردم. هر جلسه حدود پانزده تا بیست شرکت‌کننده داشت. مربیان ادبی مهم‌ترین نقش را در تشویق و برگزاری جلسه‌ها داشتند. برای ما که در سنین نوجوانی و الگو پذیری بودیم یک جورهایی الگوی رفتاری هم بودند. تا حدی که می‌شد نمود رفتارها و حتی حرکات مربیان را در بچه‌ها دید. بعد از هر فصل یک جلسه تلفیقی با حضور همه بچه‌ها برگزار می‌شد که به «جلسه فصل» معروف بود. هر سه ماه یکبار بچه‌های انجمن داستان و شعر جلسات جداگانه داشتند. کارشناس ادبی این جلسات معمولاً میهمان معروف تری بود و با آن کارشناس همیشگی متفاوت بود. یک جور خوش آب‌رنگ‌تر که به شدت دوست داشتیم کارمان تحسین‌اش را برانگیزد.

ماحصل جلسات ماهانه و فصل در یک جلسه سالانه خلاصه می‌شد. آثار برگزیده سال بعد از داوری در یک مجلد چاپ می‌شد. اولین تجربه‌های چاپ اثر برای ما بود. جلسه سالانه معمولاً اواخر بهمن ماه یا اوایل اسفند ماه برگزار می‌شد. در سالن خیابان حجاب مرکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. سال‌های اول خاطریم هست که بچه‌های استان قم هم با ما بودند. دوستان تازه از هم جدا شده بود و اعضا هنوز با آفرینش‌های تهران در ارتباط بودند و کارهایشان را می‌فرستادند. من هنوز آن مجلد‌ها را نگه داشته‌ام و هر چند وقت یکبار ورق می‌زنم. با بعضی رفقای آن دوره هنوز در ارتباطم بعضی‌ها هم خیلی معروف شده‌اند و همه می‌شناسنشان. ماکان اشکواری، علی مشهدی رفیع، پیمان حقیقت طلب، صادق رحیم پور، فرنوش زنگویی، مینو عبدالله پور، امیر معینی، فاضل ترکمن، موسی خسروی مقدم، لیلا جوانمردی و مریم عرفانیان و یک عالمه نوجوان دیگر که هنوز اسمشان را یادم هست کارهایشان توی آن مجلد‌ها چاپ شده است. کارشناسان مدعو هم آدم‌های بنام و تراز اولی بودند. توی انجمن داستان: هوشنگ مرادی کرمانی، فرهاد حسن زاده، محمدرضا کاتب، حسن بنی عامری، زنده یاد امیرحسین فردی، جواد جزینی و خسرو باباخانی و موسی بیدج را خاطریم هست. توی انجمن شعر به واسطه اینکه یک دو جلسه بیشتر نرفتم خیلی اسامی خاطریم نیست ولی قطعاً کارشناسان خوبی برای شعر هم دعوت می‌شدند. همه بهترین‌های عرصه خود بودند. حالا شما فرض کنید یک نوجوان

کتابهای آفرینش

انتشار آثار نوجوانان برتر مهرواره‌های شعر و داستان یکی از اقدامات معاونت فرهنگی کانون طی سال‌های اخیر بوده است. گردآوری و انتشار این آثار نه تنها بازتاب فعالیت انجمن‌ها و تلاش مربیان است، بلکه بهانه‌ای مناسب برای تشویق استعدادها و جوانان در سراسر کشور محسوب می‌شود. در عین حال باید گفت وجود این کتاب‌ها به منزله حفظ تاریخ و جریانی است که مسیر رو به رشدی را در این بخش رقم خواهد زد. تاکنون سه عنوان کتاب «شعر آفرینش»، «صبح آفرینش» و «داستان آفرینش» به معرفی آثار نوجوانان شاعر و نویسنده پرداخته است.



دوازده - سیزده ساله در اولین تجربه های نوشتن خود، یک داستان یا شعر کوتاه می‌برد پیش این کارشناسان و دوستانش می‌خواند و نقد می‌شنود. جدی هم نقد می‌شود. در مورد کارش حرف می‌زنند. چقدر به کارش کمک می‌شود؟ چقدر بهش سرعت داده می‌شود؟ مهم تر از آن در آن سال‌های برزخ نوجوانی چقدر احساس مهم بودن و اعتماد به نفس بهش داده می‌شود؟ جلسات کانون در آن سال‌ها بی‌تردید حاصل تلاش بی‌وقفه مربیان و کارشناسان ادبی بود. کارشناسانی که هر روز هفته با سختی خود را یک طرف شهر می‌رساندند. مراکزی در نقاط جنوب یا اطراف شهر به امید اینکه حداقل یک نوجوان که خرده استعدادی دارد را دریابند. راهنمایی‌اش کنند و خدا

می‌داند همان یک تلنگر، همان تشویق‌های کوچک به نوشته‌های بی‌سرو ته مان، و حتی یک جلسه توی این دوره‌های نشستن چه تغییر بزرگی در آینده آن بچه‌ها داشته است. مربیان ادبی آن سال‌ها که همیشه از شان با افتخار یاد کرده‌ام زیادند اما مربیانی که اسم و یادشان هیچوقت از ذهنم نخواهد رفت چندتایی هستند:

عباس قدیر محسنی، مهنوش قربانعلی، کبری بابابی، محبوبه عطااللهی،

خانم کلهر، خانم رویا محبی و چند نفری که حافظه‌ام خیلی یاری نمی‌کند، اما امیدوارم هر کجا که هستم در سلامت باشند. تردید ندارم که یاد و انرژی خوب تمام اعضایشان بدرقه راهشان خواهد بود.

جای خالی رئالیسم در جلسات ادبی کانون!

«شهرزاد لعل بدری» از اعضای کانون استان خراسان رضوی است. او را بیشتر به خاطر داستان‌هایش می‌شناسند و به واسطه حضور فعال در جلسات ادبی و حالا حضورش در فضای مجازی به سراغش رفته ایم تا درباره جلسات مجازی شعر و داستان با او گپی بزنیم.

زیادی از ارتباط را حذف می‌کند. دور هم جمع شدن و صحبت کردن اساتید و بچه‌ها باعث جدی‌تر شدن جلسات می‌شد و به نوعی، این زمان دو ساعته برایشان به قدری حائز اهمیت بوده که زمانی را اختصاص داده باشند و مسیری را طی کرده باشند و در جلسه حضور پیدا کرده باشند. ولی در شرایط حاضر، برای خیلی از بچه‌ها، جلسات فقط به اندازه چند جمله، یا فرستادن و خواندن اثر خودشان طول می‌کشد. نمی‌شود در این مورد کسی را سرزنش کرد. به هر حال جلسات مجازی هر کارشان هم که بکنی «مجازی» هستند. هر چقدر هم که مفید باشند، هنوز از «واقعیت» خیلی دورند.

«به قول تو نمی‌شود در مورد کیفیت آثار نظر قطعی داد. با این حال فکر می‌کنی این تغییرات باعث تغییر محتوایی در آثار شده است یا نه؟»

بله البته. تاجایی که من احساس می‌کنم تاثیرات خیلی محسوس و مهمی وجود داشته است.

به هر حال قضیه‌ی مجازی شدن و غیرحضوری شدن فقط مختص به جلسات ادبی نیست و در این مدت تقریباً هر نوع ارتباطی مجازی شده و حضور در اجتماع کم‌رنگ‌تر شده. بنابراین آثار از حالت اتفاقات جمعی و رئال خارج می‌شوند و بیشتر به سمت افکار شخصی گرایش پیدا می‌کنند. چیزی که در این زمان، بهمان فرصت بیشتر فکر کردن، بیشتر تخیل کردن و ساختن بیشتر داستان‌ها و اشعار شخصی را داده است. البته در آثار شعر این قضیه تقریباً همیشه بیشتر وجود داشته. ولی داستان‌ها خیلی

«به نظرت مجازی شدن انجمن‌ها چه تأثیر کمی و کیفی بر جلسات داشته است؟»

در طی این مدت، می‌شود گفت جلسات نظم بیشتری گرفته‌اند و تعدادشان هم تا حدودی بیشتر شده. به صورت کلی، در زمان حضوری بودن جلسات، هرازگاهی جلسات به دلایل مختلف کنسل می‌شدند و امکان برگزاری آن‌ها وجود نداشت. ولی به واسطه ارتباط مجازی، حالا جلسات به صورت منظم، هر دو هفته برگزار می‌شوند و شرکت در آن‌ها هم نسبت به قبل آسان‌تر شده. اگر قرار باشد به طور مثال بگویم، پیش‌تر ممکن بود من رفتن به کانون و شرکت در انجمن را به خاطر یک امتحان کوتاه کنسل کنم. ولی حالا مسیر رفت و آمد، هم از امتحان و هم جلسه انجمن حذف شده. بنابراین راحت‌تر می‌شود حجم کارهای این چنینی را کنترل کرد.

از طرف دیگر، مجازی شدن انجمن‌ها حضور اعضا و نوجوان‌های دیگر را هم آسان‌تر کرده و اعضای انجمن‌های آفتاب و مهتاب می‌توانند در کنار هم جلسات کامل‌تری را داشته باشند که پیش‌از این به خاطر سختی رفت و آمد مقدور نبود. علاوه بر این، در طی این مدت نوجوان‌های زیادی به کانون و انجمن ادبی اضافه شدند که می‌شود گفت همه این‌ها به لطف ارتباطات آسان‌تر مجازی امکان‌پذیر شده است.

ولی از لحاظ کیفی نمی‌توانم با این اطمینان صحبت کنم. از طرفی در طی این مدت برای ما مقدور بوده که میزبان و میهمان اساتید بزرگی از سراسر کشور باشیم که شاید در جلسات حضوری این امکان به راحتی فراهم نمی‌شد، و از طرف دیگر، مجازی بودن جلسات به طبع بخش‌های



مجازی شدن انجمن‌های ادبی باعث شد این جلسات به صورت منظم برگزار شوند و حضور در آن‌ها به دلیل حذف مسیر رفت و آمد آسان‌تر شود.

بیشتر پیش می‌آمده که حول محور اتفاقی اجتماعی شکل گرفته باشند. برای شخص من، خانه‌نشینی باعث شد که از رئالیسم و واقعیات جمعی دور شوم و بیشتر به دنیای خودم وارد شوم. و در پی همین، برای خودم واقعیات شخصی‌تری بسازم. فکر می‌کنم این برای خیلی از افراد، علی‌الخصوص نوجوانان‌ها اتفاق افتاده باشد.

◀ قاعدتا برگزاری این جلسات چه پیش از پاندمی و چه حالا تأثیرات روانی-اجتماعی‌ای روی اعضا داشته و دارد. دیدگاهی در این زمینه داری؟

ادبی کانون باعث شد با افراد بیشتری آشنا شویم که شاید افکارشان شبیه ما نباشد، ولی در همان راستا فکر و فعالیت می‌کنند. به همین علت ارتباط گرفتن و مراودت بچه‌ها با همدیگر خیلی آسان‌تر و مفیدتر بود. این که بعد از نوشتن یک شعر یا داستان، بچه‌ها دور هم جمع می‌شدند و با هم درموردش صحبت می‌کردند، علاوه بر این که مشوق خیلی خوبی بود، باعث پیشرفت و آگاهی بیشتر هم می‌شد. به هر حال نظرات و مفاهیم بچه‌ها بین‌شان رد و بدل می‌شد و در نهایت همگی به یک آگاهی نسبی جمعی می‌رسیدند. همین‌طور، این معاشرت‌ها، ارتباط اجتماعی را هم به مرور برای بچه‌ها راحت‌تر می‌کرد و باعث می‌شد خیلی‌ها با حضور در اجتماع راحت‌تر کنار بیایند. که البته در این مورد رفتار و واکنش‌های خوب مربی‌ها، اساتید و خود بچه‌ها با همدیگر تأثیر خیلی مهمی داشته.

فکر می‌کنم جلسات ادبی و در کل خود کانون پرورش فکری، بخش مهمی از کودکی و نوجوانی ما را شکل داده و می‌دهد. بخش بزرگی از ارتباطات و دایره دوستان و فعالیت‌هایمان مربوط به جلسات ادبی کانون هستند. به طور کل، همه‌ی ما از دوران کودکی ارتباط اجتماعی داشته‌ایم. توی مدرسه و حالا پیش‌تر، توی مهدکودک. ولی چیزی که این ارتباط را متفاوت کرده وجه شباهت‌های اعضا به همدیگر است. شاید ما توی مدرسه در نهایت دو یا سه دوست پیدا کنیم که خط فکری و علایق شبیه به هم داشته باشیم. ولی ورود به جلسات



وجود انجمن ادبی به اندازه وجود زمین‌های کشاورزی مهم است!

«یاسمن سادات شریفی» از اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مرکزی است. یاسمن هجده‌ساله در نخستین مهرواره شعر و داستان حضور داشته و از اعضای فعال استان محسوب می‌شود. او با نشریه دوچرخه هم همکاری می‌کند. با این شاعر جوان درباره تجربه‌اش از حضور در مهرواره‌ها و تاثیرات آن بر زندگی اجتماعی و حرفه‌ای‌اش صحبت کرده‌ایم.

◀ و مهرواره داستان چه؟! ▶

مهرواره داستان هم خیلی خوب بود. در کارگاه نویسندگانی نشستیم که از کودکی کتاب‌هایشان را در کانون خوانده بودیم. هم در تبریز، هم در تهران خیلی خوش گذشت که با یادآوری خاطرات خویش هم خوشحال می‌شویم، هم به خاطر شیوع بیماری، بیشتر افسوس می‌خوریم. می‌دانید؛ در مهرواره‌ها چون رتبه‌بندی وجود نداشت و همه برگزیده بودند، فرصت بیشتری برای دوستی و یادگیری بود و باعث افزایش احساس خودباوری همگی ما شد نه فقط سه نفر.

◀ تجربه حضور در مهرواره‌ها چطور بود؟ ▶

راستش مهرواره شعر، خاطره فوق‌العاده من از نوجوانی است. انگار اسفندماه، بین درس‌های مدرسه، یک لحظه چشمانت روی هم برود و اندازه سه‌روز رویا ببینی. از شگفت‌انگیزترین اتفاقات آن، فرصت دیدار درخشان‌ترین اهالی ادبیات کشور بود. مهرواره شعر نقطه‌ای بود که من وارد مرحله جدیدی از سرودن شدم؛ یک تحول. جالب بود؛ یک بار یکی از دوستان به شوخی به آقای تولایی گفت: آقا! انقدر داره به ما خوش می‌گذره نکنه می‌خواید بکشیدمون.

البته مدت زمان مهرواره، مدت زمان زیادی نیست. در این حد مجال است که با دوستان قدیمی‌ات یک خاطره خوب بسازی و با دوستان جدید، آشنا شوی. اگر همچنان در فضای شعر و داستان، برنامه‌ای باشد که این ارتباط بعد از مهرواره هم باقی بماند، بیشتر کمک می‌کند که دوستی‌هایی که در مهرواره شکل می‌گیرند بتوانند مداوم شوند و حتماً عالی‌تر می‌شود.

◀ به‌طور کلی فکر می‌کنی وجود انجمن‌های ادبی چقدر لازم است؟

می‌شود گفت به اندازه وجود زمین‌های کشاورزی! انجمن‌های ادبی کانون، زمین‌هایی حاصل‌خیزند برای کاشتن بذره‌ای استعداد، که بعداً حاصلش را که شاعران و نویسندگان کشورمان هستند، خواهیم دید.

بعد از مهرواره، چه در شعر، چه در داستان اشتیاقم برای نوشتن بیشتر شد و آثارم تغییرات محسوس کرد و این‌ها بیش از این‌که تصمیم من باشد، تاثیری بود که آن فضا روی من گذاشت

◀ حضور تو در مهرواره‌ها تغییری در تصمیماتت در زمینه شعر و داستان داشت؟

بعد از مهرواره، چه در شعر، چه در داستان اشتیاقم برای نوشتن بیشتر شد و آثارم تغییرات محسوس کرد. بعد از مهرواره شعر بود که بیشتر غزل سرودم و این‌ها بیش از این‌که تصمیم من باشد، تاثیری بود که آن فضا روی من گذاشت.

◀ از تجربه دوستی‌های جدید بگو.

اتفاقاً این یکی از بهترین قسمت‌هایش بود: بخت پیدا کردن دوستان خوب کانونی از نقاط مختلف کشور. البته در مهرواره داستان، چون تنها بودم، دوستان بیشتری از کل کشور نصیبم شد؛ مثلاً از استان‌های فارس، زنجان، کرمانشاه و لرستان که دورادور به آن‌ها سلام می‌کنم و دوستشان دارم.

◀ به نظرت چقدر این فضا کمک می‌کند که دوستانی شبیه به‌هم داشته باشیم؟ اصلاً مهم است ارتباط‌هایی از این شکل داشته باشیم؟

ارتباط‌های جدید و شکل دادن دوستی‌های جدید همیشه برای من جذاب است؛ حالا اگر با بچه‌های کانون باشد که چه بهتر.



دنیای پشت کارت‌ها

● فاطمه ترجمان

بازی‌های کارتی در دنیا و ایران

باستان‌شناسان می‌گویند از وقتی تمدن شکل گرفته، انسان‌ها با هم بازی می‌کرده‌اند. و از آن جایی که اولین تمدن‌ها در کنار آب‌های شرقی کشف شده، قدمت اسباب بازی‌ها هم در زیر خاک‌های این حوالی بیشتر به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین ابزارهای بازی در جایی جنوب ترکیه‌ی امروزی پیدا شده است.

مهره‌های کوچک، استوانه‌های چوبی باریک یک‌اندازه و تکه سنگ‌هایی که به صورت چندوجهی منتظم تراش خورده و شبیه تاس‌های امروز خال‌هایی رویشان کنده‌کاری شده، باستان‌شناس‌ها را مطمئن کرده‌است که گذشتگان هم مثل ما دور هم می‌نشستند و بازی‌هایی شبیه همین بازی‌های رومیزی امروز را انجام می‌دادند. گاهی حتی برای یک تمدن بازی معنای فراتری از سرگرم‌کنندگی پیدا می‌کرد. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد در کنار مومیایی‌های مصر باستان، ابزار بازی به عنوان بخشی از توشه‌ی سفر پس از مرگ قرار داشته است. در سرزمین هندوستان نیز اولین نسخه از بازی «مار و پله» با عنوان «لی‌لا» برای تمرین و آموزش‌های عرفانی میان



در سالی که پشت سر گذاشتیم، تلاش برای مقابله با شیوع ویروس کرونا فعالیت‌های مختلفی را محدود و حتی تعطیل کرد. سالن‌ها و زمین‌های ورزش، باشگاه‌های بازی‌های گروهی و فکری مانند اتاق‌های فرار از اولین مراکزی بودند که تعطیلی و محدودیت‌هایشان تا امروز ادامه داشته است. اما برای روح جستجوگر و نیازمند پویایی و هیجان، تعطیلی راهی برای پذیرفته شدن ندارد. همین می‌شود که با محدود شدن عادت‌های جمعی دوستانه از این دست، افراد به دنبال سرگرمی جایگزین می‌گردند. و یک بازی رومیزی شاید بهترین انتخاب باشد. با اینکه همان قدر هیجان، چالش فکری و نیاز به استراتژی دارد؛ می‌شود با رعایت فاصله‌ی فیزیکی و کمترین جابه‌جایی ویروس در فضا ساعت‌ها بازی را ادامه داد. شاید به همین خاطر است که فروش بازی‌های رومیزی در این سال فزایش قابل توجهی داشته است!



می‌گوید: کلیت این بازی‌های رومیزی تولید شده اعم از کارت‌های و صفحه‌ای که در سال‌های اخیر در کانون توسط طراحان ایرانی تهیه و عرضه شده است به صورت پایه‌ای تفاوت عمده‌ای با بازی‌های خارجی ندارند و بیشتر روی زیرساخت همان بازی‌ها استوار است. اما از نظر محتوا کاملاً ایرانی بوده و کاملاً قابل رقابت با انواع خارجی خود هستند. این بازی‌ها از مکانیک و روش بازی خوبی برخوردار هستند که کاملاً نوآورانه هستند و برای مخاطبان تازگی دارند. حالا چند سالی است شاهد برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات گوناگون برای معرفی کارهای تازه هستیم. هم‌زمان با روز جهانی بازی‌های رومیزی که توسط موسسه‌ی Geek and Saundry که یکی از رسانه‌های فعال در حوزه بازی است، تعیین شده ما هم خبرهایی از گردهمایی علاقه‌مندان این حوزه در شهرهای مختلف کشورمان می‌شنویم... که نشان از جدی گرفته شدن بازی‌های رومیزی در ایران دارد.

مردم رواج داشته است. پیش از این که در نسخه‌ی ساده‌تر آن، پرتاب تاس به صورت تصادفی برخورد با نیش مار یا رسیدن به نردبان صعود را پیش پای بازیکن‌ها قرار دهد، لی‌لا نردبان‌ها را پاداش کارهای خوب و برخورد با مارهای صفحه‌ی بازی را عقوبت کارهای خطا معرفی می‌کرد. بسیاری دیگر از بازی‌های رومیزی، تغییر شکل یافته از گذشتگان بسیار دور هستند. که در هر فرهنگ و سرزمین به دلیل خاصی کامل‌تر یا ساده‌تر شده‌اند.

شاید بازی‌هایی که امروز از طراحان خارجی به دورهمی‌های ما راه پیدا می‌کنند روزگاری در همین سرزمین متولد شده باشند! کسی چه می‌داند. با این حال از این سیر تاریخی می‌شود نتیجه گرفت که انسان در هر شرایط و سن و سالی به بازی‌های رومیزی تمایل دارد.

در سرزمین ما قهوه‌خانه‌ها، کافه‌ها، مهمانی‌ها و هر محل تجمعی، میعادگاه بازی رومیزی بوده است. در هر دوره افرادی پس از بازی‌های فراوان ایده بازی خودشان را پیدا کرده‌اند و دست به تولید زده‌اند. اما این صنعت از دهه‌ی هشتاد تا امروز کم‌کم به رسمیت شناخته شد و هر روز بیشتر مورد توجه قرار گرفت. برخی گروه‌ها بازی‌های محبوب طراحان خارجی را با ادبیات و فرهنگ ما بازآفرینی کردند و گروه‌های بسیاری هم با هدف‌های روان‌شناختی، ایجاد جذابیت، و بوم‌آوری ایده‌های خودشان را عملی کردند. آیدین مهدی‌زاده، دبیر رویداد ایده آزاد اسباب بازی

کدام از دستاوردهای آن، سرگرمی‌های شناختی و تاثیرگذاری یافت که همسو با هدف‌های تربیتی به رشد کودکان و نوجوانان کمک کند. به گفته محسن حموله مدیرکل سرگرمی‌های سازنده و بازی‌های رایانه‌ای کانون، در حال حاضر صنعت بازی و سرگرمی در کانون مسیر رو به توسعه‌ای را طی می‌کند. هر ساله علاقه‌مندان به حوزه طراحی بازی و سرگرمی طرح‌های خود را به کانون عرضه می‌کنند و این طرح‌ها پس از بررسی‌های کارشناسی و کسب شرایط لازم و اخذ مجوز از شورای مدیران تولید؛ در چرخه تولید قرار می‌گیرند. مسیر دیگر دریافت طرح‌های طراحان رویداد ملی ایده آزاد اسباب‌بازی است. طراحان و علاقه‌مندان با شرکت در این رویداد می‌توانند طرح‌های خود را تکمیل و به مرحله‌ی تولید نزدیک کنند. در سه سال گذشته کانون پرورش فکری پژوهشی روی موضوع ادبیات متون کهن فارسی داشته است که در نهایت به کمک تعدادی از کارشناسان این حوزه بیش از بیست نمونه سرگرمی ماکت سازی و آماده تولید کرده‌است. از این تعداد، بازی‌های کارت‌سیمرغ، طوطی و بقال، و هفت گنبد تولید شده و به بازار رسیده است.

بازی در کانون

امسال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، خود را برای هفتمین دوره‌ی جشنواره‌ی ملی بازی و اسباب بازی آماده می‌کند. این جشنواره در شش سال گذشته تلاش کرده فضایی برای معرفی و جلب بازار به سمت اسباب‌بازی‌های ایرانی فراهم کند و در همه‌ی دوره‌های خود هرچه جلوتر آمده با ایده‌های بیشتر و طرح‌های متنوع برای رشد صنعت بازی و اسباب بازی متناسب با فرهنگ بومی تلاش کرده است. چراکه می‌شود در دل هر

جشنواره اسباب بازی و ورود بازی های کارت

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۹۷ و از دوره چهارم جشنواره ملی بازی و اسباب بازی، تخصصی تر شده و به طور ویژه روی طراحی و تولید سرگرمی های ایرانی که شامل بازی های فکری و رومیزی نیز می شود تمرکز کرده است. در دوره چهارم جشنواره برای اولین بار نمایشگاه تخصصی دستاوردهای اسباب بازی ایرانی کلید خورد و در آن بازی های رومیزی ایرانی فرصتی برای دیده شدن پیدا کردند. همچنین در جریان رویداد ملی ایده آزاد اسباب بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طرح های بسیاری به مرحله داور و سپس اجرا در مقیاس گسترده رسید.

میزبازی ایرانی

از برآیند تمام این پژوهش ها و رویدادها در کانون بازی های رومیزی متنوعی با عنوان کلی **میزبازی ایرانی** با نگاه به جنبه های مختلف فرهنگی تولید و عرضه شده است. بعضی از این بازی ها به صورت مهره و صفحه تعریف شده اند و بعضی هم با کارت انجام می شود. یک گروه از این بازی ها براساس آثار ادبی ماندگار همچون اشعار شاعران کهن و معاصر طراحی شد. بازی های دیگری هم مثل بازی سفالگر که این روزها با استقبال زیاد مخاطبان مواجه شده است به شکلی مستقل به گوشه ای از تصویر زندگی ایرانی می پردازد. تعدادی از بازی های کارتی این گروه شامل محصولات زیر است:

طوطی و بقال برگرفته از مثنوی معنوی مولوی

سیمرغ و ایاز و یاران برگرفته از داستان های از

منطق الطیر عطار نیشابوری

گنجشک اشی مشی برگرفته از داستانی

فولکلور با همین نام

زاغ و روباه برگرفته از دیوان حبیب یغمایی

آهو و پرنده ها برگرفته از شعری از نیما یوشیج

مخاطبان می توانند از طریق مدیریت بازرگانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، یا با مراجعه به فروشگاه های کانون در سراسر کشور و همچنین از طریق سایت www.shop.kpf.ir در مورد کلیه محصولات فرهنگی و سرگرمی های کانون و بازی های رومیزی اطلاعات لازم را کسب کنند.





معرفی بازی سفالگر

و هر کس تا پله بیستم برسد تمام کننده بازی و برنده خواهد بود. اگرچه قرار نیست، کسی در این بازی هنر سفالگری را تمام و کمال یاد بگیرد. اما می‌تواند با بخش‌هایی از جزئیات این میراث کهن و شیوه‌ی استادان آن آشنا شود.

در این بازی هر استاد سفالگر باید قبل از رقابت با سفالگرهای دیگر، روی درست انجام دادن کارش تمرکز کند. او باید بتواند همزمان برای تهیه‌ی همه‌ی مواد لازم سفارش خود برنامه‌ریزی کند و حواسش به صحت و دقت رفتار خود و سفالگران دیگر باشد.

سفالگران بازی در هر مرحله از تهیه گل گرفته تا انتخاب جای مناسب کارت خرابکار و تصمیم بین تولید سفارش ساده یا شکل ممتاز سفارش که نیاز به فوت کوزه‌گری دارد به صورت مستقل تصمیم می‌گیرند. در نتیجه ذهن سفالگرها درگیر اولویت‌بندی کارها، برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلند مدت، ساماندهی و تلاش برای خلق محصول مورد نظر مشتری می‌شود. آن‌ها در جریان این چالش‌ها کم‌کم ارزش‌های پنهان هر فرایند کاری و حس مسئولیت آن را هم درک می‌کنند.

این بازی رومیزی که امیر اردشیری لردجانی، وحید اسماعیلی و فاطمه علاءالدین آن را طراحی کرده‌اند، یکی از طرح‌ها ملی ایده آزاد اسباب بازی در سال ۱۳۹۸ بوده است.

یکی از بازی‌های پر مخاطب کانون بازی رومیزی «سفالگر» است که با همکاری شرکت هوپا تولید و وارد بازار شده است. بازی ساده اما پراز هیجان که لازم است به صورت گروهی بین دو نفر تا پنج نفر شرکت کننده به صورت رقابتی انجام شود. این بازی که حدود یک ساعت بازیکن‌ها را درگیر خود می‌کند به هر کس نقش یک سفالگر می‌دهد که باید با حرکت در صفحه‌ی بازی وسایل مورد نیاز پختن یک ظرف سفالی را پیش از رسیدن به بخش کوره مهیا کند. به این ترتیب سفالگر در کنار سرگرم‌کنندگی، مراحل تولید این صنعت دستی کهن را که در ایران سابقه‌ی چند هزار ساله دارد یادآوری می‌کند. بازیکنان، مهره‌های خود را که گویی شاگردان استاد سفالگر هستند به جاهای مختلف می‌فرستند تا نشان طرح و نقش را از نگارخانه، نشان رنگ‌های مورد نیاز را از بازار رنگ، نشان ظرف را از کارگاه سفالگری و در ابتدا هم ماده‌ی اولیه‌ی کار یعنی گل تهیه کنند. اما انتخاب شاگردان سفالگر برای خرید در هر مرحله باید حساب شده باشد. چرا که وقتی به کوره می‌رسند تنها با داشته‌هایشان می‌توانند سفارش مشتری خود را آماده کنند. و گرنه در پله‌های امتیاز از بازیکن‌های دیگر عقب می‌مانند و نمی‌توانند از جایشان تکان بخورند.

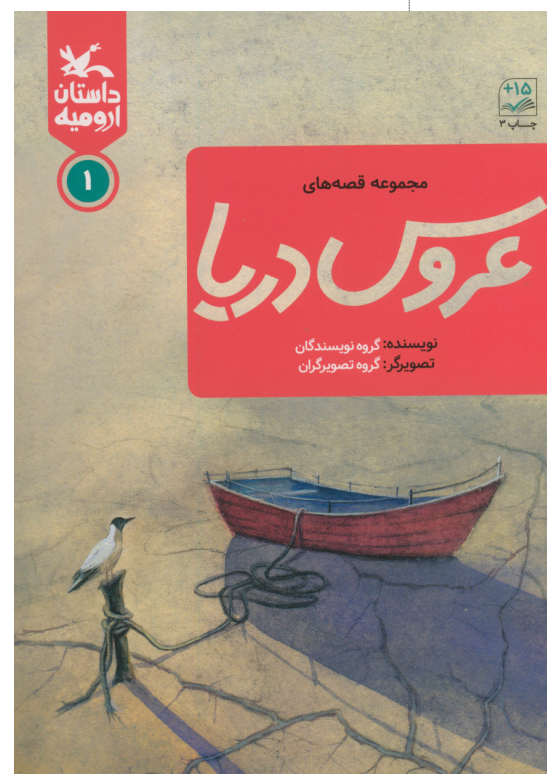
و نخواهیم پلنگ از

• حسن سالار

در خلقت برود بیرون

نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
در انتشار کتاب‌های محیط زیستی

مدت‌هاست که حال محیط زیست خوب نیست و مردم در سراسر جهان در حال بررسی این موضوع هستند که چرا و چگونه هر روز اختلالاتی در رفتار همیشگی طبیعت ایجاد می‌شود. ساده‌ترین و آشکارترین جوابی که پیدا می‌کنند به انسان‌ها ختم می‌شود که برای تولید بیشتر، منابع طبیعی را به صورت بی‌رویه مصرف می‌کنند و زمین برای جایگزینی این منابع نمی‌تواند شتاب خود را به انسان نزدیک کند. حالا زمینی داریم که هر روز گرم‌تر می‌شود، گونه‌های ارزشمندی را از دست می‌دهد و یا گیاه و جانوری به دلیل این اختلالات سر از زیستگاه‌های ناهماهنگی درمی‌آورند که با زیست بوم اصلی‌شان تفاوت بسیار دارد. حامیان محیط زیست و تمام آن‌هایی که نتایج اختلالات زیست محیطی را درک می‌کنند علاوه بر مطالعات و بررسی‌های آماری، به دنبال راهی هستند تا انسان‌ها جوری زندگی کنند که کمترین آسیب را به محیط زیست وارد کنند. این روزها به هر سو که نگاه می‌کنیم محیط زیست، سوژه‌ی فعالیت‌های مختلف شده است. از موضوع مسابقات و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی گرفته و در مقیاس وسیع‌تر به قرارگیری در برنامه‌ی کاری مسئولین دولتی می‌رسد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از همان ابتدا با دغدغه‌های فرهنگی و اخلاقی فعالیت کرده و در حوزه‌های گوناگون کاری‌اش به حفظ محیط زیست که موضوع جدایی‌ناپذیر از اخلاق و فرهنگ است پرداخته است. کانون پرورش فکری علاوه بر نگاه محیط زیستی در تولیدات تصویری، بازی و اسباب بازی و...، سالانه از میان دویست عنوان کتابی که به طور میانگین تولید می‌کند بخش عمده‌ای از آثارش نگاه محیط زیستی دارند. این انتشارات در دو دوره تقدیر نامه و رتبه‌ی سوم جایزه‌ی ملی محیط زیست را از سوی سازمان حفاظت محیط زیست دریافت کرده است. و با تولید کتاب‌هایی با موضوع در برگزاری رویدادهای مختلف محیط زیستی مثل جایزه‌ی سپیدار تلاش می‌کند عضو تاثیرگذاری در جامعه‌ی دغدغه‌مندان محیط زیست باشد.



و خرس‌ها) و دو جلد از دانش‌نامه محیط‌زیست (شامل مدخل‌هایی از حرف الف و ب)؛ به عنوان دانش‌نامه‌های شاخص کانون شناخته می‌شود و روند تولید و انتشار آن‌ها همچنان ادامه دارد.

اما ادبیات داستانی و شعر که همواره مخاطب را به لحاظ احساسی برای ادراک وقایع زیست محیطی آماده می‌کند، از نظر کمی بیشترین فراوانی را در میان آثار این انتشارات داشته و هرکدام در خلال موضوعات علمی، علوم انسانی، اجتماعی، طنز و... به محیط زیست هم توجه کرده‌است. «آوازی برای وطن» که از سال ۹۲ تاکنون ۱۵۰۰۰ نسخه از آن برای مخاطب نونهال وارد بازار شده‌است، یا مجموعه‌های تازه‌تری از جمله عروس دریا که روایت‌هایی از دریاچه ارومیه برای نوجوانان است همچنین رمان‌های بسیاری از گروه رمان نوجوان امروز از این دسته‌اند.

برای نمونه رمان «سایه‌ی هیولا» که حال و هوای جنگل‌های استان گلستان را به نمایش می‌گذارد یا رمان «سایبانی برای زمین» که از تخریب باغات سرسبز شهر تهران ماجراهایی برای گفتن دارد. اما کتابخوان‌ها در نهایت به این حقیقت می‌رسند که دوستی با محیط‌زیست یک شیوه نگاه و یک سبک زندگی است که می‌تواند به صورت غیر مستقیم هم در آثار یک مولف احساس شود. بنابراین خط پررنگی که کتاب محیط زیستی را از کتابی بدون رویکرد محیط زیست جدا کند وجود ندارد. چرا که توجه به محیط زیست یک شیوه‌ی زیست است و شاید در یک تماشای ساده‌ی ابرهای آسمان هم منعکس شود.

قدیمی‌ترین و تازه‌ترین کتاب محیط زیستی کانون

دوست دارم بدانم اولین کتابی که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان با نگاه به موضوع محیط زیست چاپ کرده چه کتابی است. به سایت خانه‌ی کتاب سر می‌زنم و فهرست کتاب‌های چاپی کانون از سال ۱۳۵۷ به بعد را مرور می‌کنم. در این بازه چهل و سه ساله کتاب‌های بسیاری با نگاه به محیط طبیعی و نگهداری از آن در ژانرهای مختلف منتشر شده‌اند که گروهی از آن‌ها چند جلدی یا مجموعه بوده‌اند، گروهی به‌طور مستقیم به سراغ

الزام پرداختن به محیط زیست

ضرب المثلی هست که ریشه در یک حقیقت علمی دارد و می‌گوید وقتی پروانه‌ای در شرق کره زمین بال بزند آن سوی کره زمین تو می‌شود. در واقع از هر کنش به ظاهر ساده و کوچک، آثار عظیمی روی دهد.

اگر کودکان و بزرگسالان یک سرزمین از اقلیم خود و شرایط محیط زیست آن اطلاعات کاملی داشته باشند، با تغییراتش آشنا خواهند بود و به خطراتی که ممکن است محیط زیستشان را تهدید کند حساس می‌شوند. در نهایت می‌توانند نسلی با شهروندان حساس و کنش‌گر تربیت کنند. نسلی که می‌تواند به صورت غیر مستقیم و با هزینه‌ی پایین‌تر با آسیب‌های گوناگون در آینده مبارزه کند. در مقابل، اگر کودکان و نوجوانانی آگاهی چندانی در مورد گیاهان و نوجوانان یا نزدیک از آن‌ها زیست می‌کنند، نداشته باشند طبیعتاً احساس تعلق خاطر و حساسیتی هم وجود نخواهد داشت که باعث توجه و مراقبت از محیط زیست در متن زندگی روزمره باشد. این موضوع همان چیزی است که ناشران دغدغه‌مند را ترغیب کرده تا در این حوزه به تولیدکنندگان آثار کمک کنند.

محیط زیست در خلال ژانرهای دیگر

«محیط‌زیست» یک ژانر نیست بلکه سوژه‌ای است که می‌توان در خلال شیوه‌های مختلف ادبی به سراغ آن رفت. عمومی‌ترین موضوعاتی که با رویکرد حفظ محیط زیست به آن‌ها پرداخته می‌شود حیات وحش و آلودگی‌ها و خطرات تهدید کننده‌ی موجودات زنده است.

در این زمینه، اعتبار مطالب، جذابیت و کیفیت تصاویر، به روز بودن محتوا و ذکر منابع، ارزش هر کتاب علمی را تعیین می‌کند.

در گروه کتاب‌های علمی، انتشارات کانون کتاب‌هایی مانند حیوانات ردیاب در حیات وحش، با شمارگان ۷۰۰۰ نسخه و خانه‌ی جانوران با مجموع شمارگان ۳۵۰۰۰ را روانه‌ی بازار کرده است.

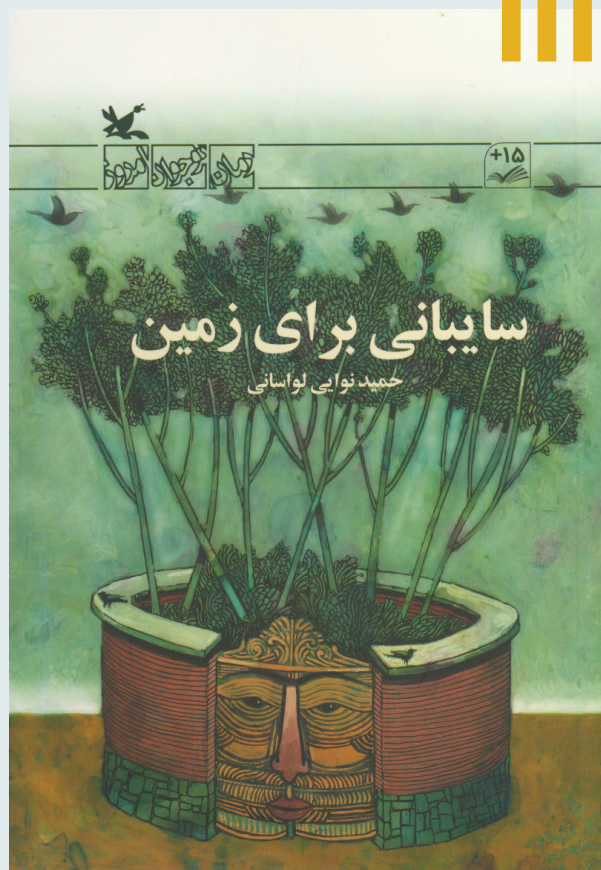
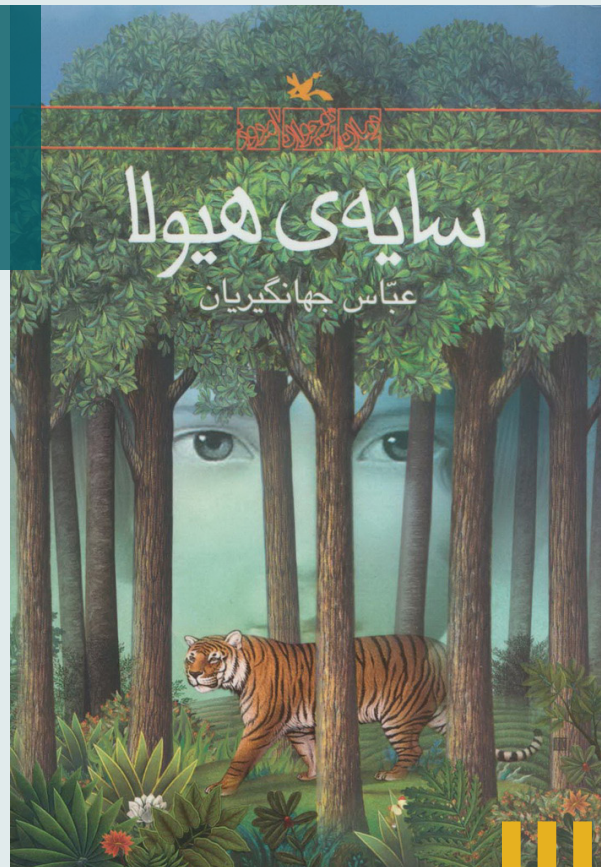
در زمینه‌ی دایره‌المعارف و دانش‌نامه در طول ده سال گذشته چندین عنوان دانش‌نامه به شیوه‌های گوناگون از سوی کانون منتشر شده است که از میان آن‌ها سه جلد از مجموعه‌ی تصویری پستانداران ایران (گره‌سانان، سگ‌سانان

محیط زیست یک ژانر نیست بلکه
سوژه‌ای است که می‌توان در خلال
شیوه‌های مختلف ادبی به سراغ آن رفت.

موضوع رفته‌اند و کتاب‌هایی هم با پرداخت غیرمستقیم رنگی از توجه به محیط زیست در فضای خود دارند. قدیمی‌ترین کتابی که در سایت خانه کتاب پیدا می‌کنم اسمش هست «قصه پروانه و درخت و جویبار». این کتاب که برای اولین بار در سال ۱۳۵۸ با شمارگان ۳۳۰۰۰ نسخه منتشر شده است، در فروردین ۱۳۵۹ به چاپ دوم رسیده و برای مخاطبان نوجوان و نونهال یعنی دبستانی‌ها است. قصه‌ی پروانه و درخت و جویبار درباره رابطه‌ای عاطفی است که بین یک درخت توت و پيله‌ی سفید ناشناخته روی شاخه‌اش شکل می‌گیرد. درخت توت و جویبار راجع به این موجود سفید ناشناخته گفتگو می‌کنند تا اینکه پروانه‌ای از درون آن متولد می‌شود. به این ترتیب مخاطب کتاب با روند رشد و دگرگونی کرم ابریشم در خلال یک داستان شیرین آشنا می‌شود.

با این حال شاید اولین کتاب محیط زیستی کانون همان اولین کتاب منتشر شده توسط انتشارات در سال ۱۳۴۵ باشد. «مهمان‌های ناخوانده» نوشته‌ی فریده فرجام! داستان پیرزن مهربانی که در یک شب بارانی حیوانات مختلفی را در خانه‌اش پناه می‌دهد و روز بعد حیوانات او راقع می‌کنند که تا همیشه در خانه‌ی پیرزن بمانند و با هم زندگی کنند؛ و مخاطب نوباوه و نوجوان هم در خلال داستانی سرگرم‌کننده با حیوانات اهلی و آورده‌هایشان برای انسان آشنا می‌شود.

اما برای اطلاع از تازه‌ترین کتاب محیط زیستی کانون از سایت خبری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کمک می‌گیرم. خبرها می‌گوید تازه‌ترین کتابی که به صورت مستقیم به محیط زیست کشورمان پرداخته مجموعه‌ای داستانی است به نام «آهای مواظب ما باشید!» کتاب‌های این مجموعه که در تابستان ۱۴۰۰ منتشر شده‌اند توسط نویسندگان مطرح ادبیات کودک ایران و به دبیری زهره پریخ از گونه‌های جانوری در معرض خطر می‌گوید.



بازهره پریخ دبیر مجموعه کتاب‌های آهای مواظب ما باشید درباره روند تولید این مجموعه گفتگو می‌کنم

◀ جرقه‌ی شروع کار از کجا زده شد؟

از زمان تولید این کتاب‌ها چند سالی گذشته است اما دست روزگار این طور بوده که الان منتشر شود. مدتی بود که موجی درباره‌ی مراقبت از یوز ایرانی در جامعه به وجود آمد. وقتی با مهندس چیدری در موزه‌ی دارآباد در این خصوص گفتگو کردیم، متوجه شدم چهل گونه جانوری ایران، نه هر کدام به یک نسبت، اما همگی به شکلی در معرض خطر هستند. این شد که آن‌جا تصمیم گرفتیم دوازده مورد از این چهل گونه را در قالب داستان کار کنیم. و از این دوازده تا یازده مورد به ثمر نشست و فعلاً ۹ جلد آن چاپ شده است. در ابتدا من به کانون پیشنهاد این طرح را دادم. مدیر انتشارات کانون در آن زمان طرح را پذیرفتند و من تحقیق را شروع کردم و بعد از تحقیق، نویسنده‌ها را انتخاب کردیم. جمع شدیم و روی کارها صحبت کردیم. نقد و بررسی، ویراستاری و تمام این مسیرها طی شد. بعد هم که آقای خدایی مدیر هنری این کار شدند و با تصویرگران کار کردند. به نظر من کار جمعی خوبی بود که به ثمر رسید.

◀ پریخ درباره‌ی انگیزه‌ی نویسندگان این مجموعه و میزان موفقیت‌شان می‌گوید:

همه‌ی داستان‌ها براساس مستندات نوشته شده، مثلاً در ماجرای شکار گورخرها، در واقعیت هم شکارچی‌ها با موتورسیکلت به دنبالشان می‌افتند و باعث می‌شوند ضربان قلب گورخرها بالا رود. مثل همه جانداران این گورخرها هم می‌ایستند تا بتوانند نفس بکشند. و این شکارچیان شکارشان می‌کنند.

سعی کردیم این مجموعه انگیزه‌ای باشد تا مخاطبان به دور و برشان بهتر نگاه کنند. بدانند همان قدر که ما به عنوان انسان در کره زمین سهمی داریم بقیه‌ی جانداران هم سهم دارند و باید این سهم رعایت شود.

◀ از زهره پریخ می‌پرسم پرداخت به یک ایده‌ی محیط زیستی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چه تفاوتی با کار برای ناشران دیگر دارد. و او از ثروت بزرگ کانون پرده برمی‌دارد!

خدا را شکر الان هر ناشری به یک گوشه از جریان محیط زیست اشاره دارد. بعضی ناشرها هم به صورت تخصصی به یک جنبه از این موضوع توجه می‌کنند.



کودک و نوجوان در این کشور است. تمام کسانی که مایلند در حوزه ادبیات کودک و نوجوان کار کنند، (چه ادبیات داستانی چه علمی و چه ژانرهای دیگر) به کانون مراجعه می کنند و فکرها و ایده هایشان را با کانون در میان می گذارند که این ثروت بسیار بزرگی برای کانون است. کانون می تواند به این ثروت بسیار بزرگ توجه کند. و این ایده ها را پرورش دهد، رویشان کار کند و آن ها را به نتیجه برساند.

اما کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ناشر بسیار بزرگی است که امکانات و مسئولیت بسیار زیادی دارد. و می تواند به هر دو جنبه بپردازد. هم کتاب های داستانی را داشته باشد و هم به صورت تخصصی روی تولید دانش نامه های حرفه ای برای کودک و نوجوان سرمایه گذاری کند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یک قطب ادبیات

احتمالاً شمارگان کتابها و تعداد دفعات چاپ مجدد آنها به ما تصویری از استقبال یک کتاب می دهد. اما در واقع موفقیت یک کتاب محیط زیستی زمانی است که در دل مخاطبین هر چند محدود خود شوق بیاندازد و برای کنش های سازنده الهام بخش باشد. داورانی هم در جشنواره ها و رویدادهای گوناگون به دنبال نشانه های این شوق انگیزی و تاثیر گذاری، کتاب هایی را به جامعه معرفی می کنند. از میان کتاب هایی از این دست که با اقبال مواجه بوده اند، برای نمونه می شود چند جایزه را یادآوری کرد:

پستانداران ایران: سگ سانان و گفتارها، برنده ی جایزه سی و سومین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران.
پستانداران ایران: گربه سانان، برنده ی جایزه بیست و نهمین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران.
پستانداران ایران: خرس ها، برنده ی نشان طلای لاک پشت پرنده در سال ۹۹
دانش نامه ی محیط زیست نامزد سی و هفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، شایسته ی تقدیر از سوی شورای کتاب کودک.

مریم محمدخانی دبیر اجرایی و داور لاک پشت پرنده درباره ی عملکرد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این حوزه می گوید:

. با توجه به این که ناشران مختلف در سال های اخیر چه در بخش تالیف و چه در بخش ترجمه به محیط زیست بیشتر از قبل اهمیت می دهند از نظر کمیت کتاب های این حوزه رشد محسوسی داشته است. کمابیش در خاطر من هست که کتاب های محیط زیستی چه داستان و چه غیر داستان از سوی کانون به دست ما رسیده است. اگر قرار باشد به نمایندگی از لاک پشت پرنده صحبت کنم باید نظر تمام داوران را بپرسم و انتقال بدهم اما نظر شخصی خودم در مورد سهم کانون از این حوزه این است که فکر می کنم ناشران دولتی مانند کانون به هر حال ردیف بودجه های متفاوتی دارند و لازم است کارهای بنیادی تری در این زمینه انجام دهند مثل همین فراهم کردن دایره المعارف. جا دارد که به کتاب درخشان پستانداران ایران از علی گلشن اشاره کنم که در لاک پشت پرنده مدال طلا گرفت. این جور پروژه های عظیمی که کیفیت خوبی دارند همان کاری است که کانون باید انجام دهد. نه داستان های سفارشی که کیفیتی متمایز از ناشران دیگر هم نداشته باشد و فکر می کنم پستانداران ایران یکی از پروژه های قابل توجه بوده است همان کاری است که کانون باید انجام دهد.



دانشنامه‌ی محیط زیست | جلد اول آ

آب - آهوی کوهی
دره شوری

هنریک مجنونیان، بهرام حسن‌زاده کیایی، شکوه حاجی نصرالله



زهرة پریرخ: داستان‌های محیط زیستی مخاطب را از لحاظ احساسی در محیط زندگی جانور قرار می‌دهد که شاید دانش‌نامه نتواند خیلی زیاد این کار را کند. یعنی نتواند رابطه‌ی جانور با محیط، با انسان، و با احساس‌های موجود در این رابطه را منتقل کند. از طرفی دانش‌نامه می‌تواند میزان بسیار بیشتری آگاهی و اطلاعات در اختیار مخاطب قرار دهد. داستان‌های محیط زیستی یک حس گرم و لطیف در کودک به وجود می‌آورند که ذهن او را وسعت می‌دهد؛ تا بعد به دانش‌نامه مراجعه کند. مثل پله‌ی اول یک نردبان که او را به پله‌های بعدی هدایت می‌کند.

به سراغ علی گلشن مولف مجموعه پستانداران ایران می‌روم و از او می‌خواهم کمی درباره تفاوت‌ها و الزامات تولید یک دانش‌نامه بگویم:

علی گلشن درباره انگیزه ناشرانی که سراغ موضوع محیط‌زیست می‌روند گفت:

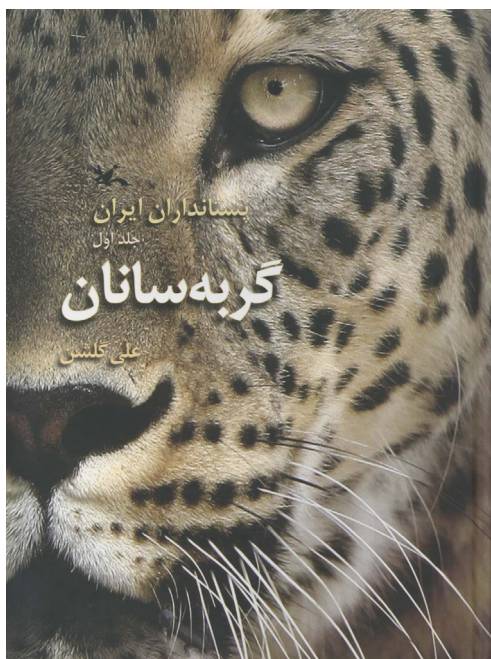
ما مشکلات زیست‌محیطی بسیاری داریم که خیلی از آن‌ها از عدم آگاهی می‌آید. اگر در خیابان از مردم ما درباره‌ی گورخر سوال کنید احتمالاً عکس گورخر راه راه آفریقایی را نشان می‌دهند. در واقع گور ایرانی را نمی‌شناسند. چطور وقتی از موضوعی آگاهی نداریم از آن مراقبت کنیم؟ موضوع محیط‌زیست و حیات وحش یک دغدغه‌ی جهانی است. علاوه بر این کودکان و نوجوانان به حیوانات و طبیعت علاقه دارند. از کتاب‌هایی که حیوانات در آن هستند لذت می‌برند و از کسب اطلاعات درباره‌ی زندگی‌شان شگفت‌زده می‌شوند. خب ناشر هم به سراغ موضوعاتی می‌رود که برای مخاطب کودک خود جذاب باشد. این دیدگاه و استراتژی یک ناشر است که نیاز و ارزش یک کتاب را حس کرده است و برای این‌ها به سراغ نویسندگانی خاص می‌رود تا محصول ویژه‌ای تولید کند.

این یک پروژه ملی است که شامل عکس‌های مستند از عکاسان حرفه‌ای ایرانی، عکس‌های تاریخی و اطلاعات از گونه‌های جانوری کمتر دیده شده است.

این کتاب‌ها باید تصویری باشد. و گرافیک خوبی داشته باشد در گفتگو با بچه‌ها از بسیاری شنیده‌ام که می‌گویند ما اول یک کتاب را ورق می‌زنیم و عکس‌هایش را تماشا می‌کنیم بعد جذب آن می‌شویم و متن را می‌خوانیم.

این یعنی جاذبه ظاهری و گرافیک کار موضوع خیلی مهمی است. اگر هیچ تحرک و گردش در صفحه نباشد این کتاب چه جاذبه‌ای برای کودک می‌تواند ایجاد کند؟ متن و تقطیع اطلاعات هم در این جا بسیار مهم است که شما با چه زبانی صحبت کنید و چه سطحی از علم را در کتاب بیاورید که در حوصله و فهم مخاطبتان باشد. ما یک اطلاعات کامل اما ساده را برای بچه‌ها در این مجموعه گذاشتیم از طرفی این کار، یک کار تیمی هزینه‌بر است که نیاز به گروه حرفه‌ای دارد... برای تولید این کتاب‌ها نیاز به مطالعه و سفرهای بسیار بود. کار هر کتاب نزدیک به سه سال زمان می‌برد و در این سه سال هزینه‌های عکاسی، سفر، اقامت و ... تغییر می‌کرد. بسیاری از ناشران یک دایره‌المعارف خارجی را فقط با پرداخت هزینه‌ی ترجمه و چاپ، تولید می‌کنند. به این ترتیب می‌توانند آمار کتاب‌های منتشر شده از نشر خود را با هزینه‌ای کم بالا ببرند. اما این یک پروژه ملی است که شامل عکس‌های مستند از عکاسان حرفه‌ای ایرانی، عکس‌های تاریخی و اطلاعات از گونه‌های جانوری کمتر دیده شده است. مثل گربه‌ی شنی و روباه ترکمنی که برای اولین بار یک عکس درست و واضح و خوب از آن‌ها منتشر می‌شود. من برای این کتاب نیازمند مراجعه به نسخه‌های خطی و چاپ سنگی و کتاب‌های مرجع بودم. گاهی لازم بود برای عکاسی به مناطق حفاظت شده بروم و هر بار من نیازی داشتم، حمیدرضا شاه‌آبادی که در آن زمان مدیر انتشارات کانون بودند بلافاصله نامه می‌زدند و همکاری بسیار خوبی در حمایت از تولید جلد اول این کار داشتند.

من پیش از این، این طرح را به ناشر دیگری هم داده بودم و آن‌ها تغییر یافته‌ای از طرح من را خودشان و بدون هماهنگی با شخص دیگری منتشر کردند... برای همین این استقبال و همراهی آقای شاه‌آبادی از همان اولین دیدار در کانون مورد توجهم بود.



سه جلد کتاب و سه جان‌باخته!

در جریان عکاسی جلد اول این مجموعه عباس جعفری که عکاس یوزپلنگ در این کتاب بودند در رودخانه غرق شدند، جلد دوم امیرطالبی را که از روباه شنی برای این کتاب عکاسی کردند در جریان سفر به بیرجند از دست دادیم. عکاس جوانی که به تازگی هم ازدواج کرده بودند. جلد سوم هم هادی فهیمی که عکس خرس سیاه را از ایشان در مجموعه‌ی پستانداران داریم در سانحه‌ی هوایی یاسوج جان خود را از دست دادند.



خود من بارها در این سفرها با زورگیرها و اشرار مناطق مواجه شدم. یک بار هم در کرمان به عضله‌ی چهارسر رانم چاقو زدند. مگر شوخی است؟ در این شرایط جانمان را وسط می‌گذاریم و سفر می‌کنیم تا این کتاب‌ها به ثمر بنشینند حالا اگر حمایتی از کتاب نشود دیگر انگیزه‌ای برای ادامه دادن باقی نمی‌ماند. این مدت من تماس‌های بسیاری از سوی محیط‌بانان و دانشجویان محیط زیست سراسر ایران داشتم که نیاز به تهیه این کتاب دارند اما مدتی است این کتاب تجدید چاپ نمی‌شود. در موقعیتی که جلد سوم پستانداران یعنی خرس‌ها برگزیده‌ی کتاب رشد می‌شود می‌شنوم که داوران کانون در انتخاب کتاب ماه و کتاب سال، کتاب علمی را کنار می‌گذارند! در حالی که کتاب در کل مقدس است. و همه‌ی کتاب‌ها در هر حوزه‌ای باید بررسی شود. این موضوعات آن قدر در اشتیاق من برای ادامه دادن تاثیر گذار است که دو سال و نیم است به جلد چهارم کتاب دست نزدم. سفر در سرما و گرما. رانندگی‌های خطرناک در جاده‌های خراب و احتمال رو به رو شدن با اشرار، عدم هماهنگی سازمان‌های محیط زیستی با همدیگر... تمام این برخوردهای بد و خستگی‌ها را تحمل می‌کنم. و فقط حمایت و توجه است که به ما توان حرکت می‌دهد.

مروری بر کتاب‌های کانون از نگاه مروجان کتاب

شناخت جغرافیای سرزمین از طریق قصه‌ها

● زهرا ماهری

از زمان شروع کرونا فعالیت‌ها در هر جنبه‌ای شکل دیگری به خود گرفته است. فعالیت‌های ترویج کتاب هم از این قاعده مستثنا نبوده‌اند؛ دیگر مروج نمی‌تواند فرد به فرد یا فرهنگسرا به فرهنگسرا یا مدرسه به مدرسه درباره‌ی کتاب‌ها صحبت کند، برای کودک و نوجوان بلندخوانی کند و بچه‌ها را به خواندن و کتاب علاقمند کند. این روزها به خاطر وضعیت ویژه‌ای که وجود دارد، روش‌ها متفاوت شده است و مهم‌تر از همه اینکه با توجه به محدودیت‌ها ترویج کتاب از کارها حذف نشده است. اتفاقاً خواندن کتاب تبدیل شده است به راهی برای در کنار هم بودن و طی کردن راحت‌تر خانه‌مانی برای کودک و نوجوان. بسیاری از کتاب‌ها هم کمک به تاب‌آوری بیشتر کودک و نوجوان کرده است و مهارت‌هایی را به آن‌ها یاد می‌دهد که شاید اگر در دوران پاندمی نبودیم کمتر به آن توجه می‌شد. در گزارش پیش رو با چهار نفر از مروجان کتاب در تهران، چابهار، اصفهان و رشت درباره کتاب‌های کاربردی کانون که به وضعیت این روزها رنگ دیگری داده‌اند و آن دسته از کتاب‌هایی که کودک و نوجوان با آن بهتر ارتباط برقرار کردند و باز خورد بهتری دادند، صحبت کردیم.

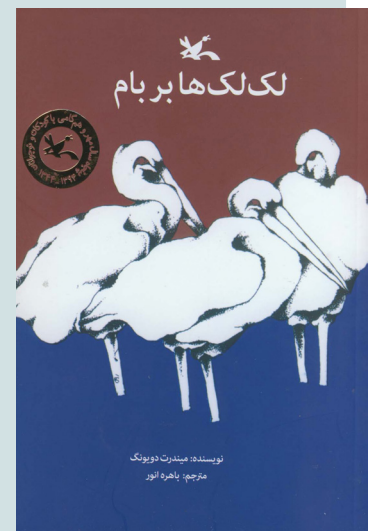
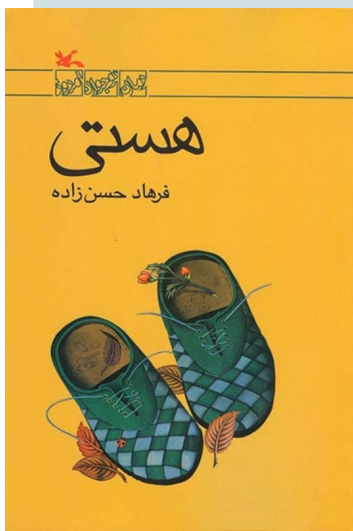


هزارپای پرترفدار

«دلارام جباری» مروج کتاب کودک و تسهیلگر ادبیات و نگارش خلاق کودک و نوجوان در رشت است. او بین کتاب‌های کانون مجموعه کوتی کوتی را محبوب‌ترین می‌داند. «من قبل از کرونا برای بچه‌هایی که سرطان خون دارند کتاب می‌خواندم، بچه‌ها طرفدار مجموعه کوتی کوتی بودند. فکر کنم به خاطر شخصیت اصلی کوتی کوتی که یک هزارپاست و کارهای بامزه انجام می‌دهد بچه‌ها طرفدار این کتاب هستند. داستان‌هایش کوتاه کوتاه است، سریع می‌خوانند و سریع به نتیجه می‌رسند.»

این مروج کتاب کودک کتاب‌های جدید کانون را هم جزو کتاب‌های موثر می‌داند. «کتابی که اخیراً کانون منتشر کرده کتاب **بجو بجو هیولای کتاب‌خوار** است که خیلی با بچه‌ها ارتباط خوبی برقرار کرد. این کتاب جلد سخت است. گرافیک آن خیلی مرتبط است و این حس جویدن در تک تک صفحات آن نمایان است. همه چیز در این کتاب این قدر عالی است که کتاب خواندن را خیلی لذت بخش می‌کند. کتاب‌هایی مثل **بجو بجو** خیلی روی بچه‌ها اثر می‌گذارد. کتاب‌هایی که زبان طنز دارد در تاب‌آوری بچه‌ها کمک می‌کند. بچه‌ها نیاز به شادی دارند و در دوران کرونا هر کتابی

که مضمون شادی داشت و شخصیت‌ها کارهای بامزه انجام می‌دادند و موجب خنده می‌شدند بچه‌ها به آن اقبال بیشتر نشان می‌دادند. کتاب بجوبجو چون سبک جدیدی هم داشت بچه‌ها خیلی با آن ارتباط برقرار کردند. کتاب «بچه همه» و «می خواهی دوست من باشی» هم از کتاب‌هایی هستند که بچه‌ها خیلی دوستش داشتند. متن و تصاویر در این کتاب‌ها ساده است و بچه‌ها با پایان‌بندی آن به خوبی ارتباط می‌گیرند و حس خوبی داشتند. کار حیوان‌ها در کتاب «بچه همه» برای بچه‌ها جالب بود و در کنارش یاد گرفتن درباره مهاجرت پرندگان این کتاب را جزو کتاب‌های محبوب بچه‌ها قرار داد. این تسهیلگر ادبیات کتاب «هستی» را بین نوجوان‌ها بسیار محبوب می‌داند، اما نکته‌ای را از زبان بچه‌ها عنوان می‌کند که از تجربه‌اش در کار با نوجوانان نشئت می‌گیرد. «کتاب هستی بین کتاب‌های نوجوان بسیار محبوب است. من معمولاً خودم به بچه‌ها پیشنهاد می‌دهم این کتاب را بخوانند، چون بچه‌ها می‌گفتند به خاطر طراحی جلدش در کتابفروشی جذب آن نشدند. اما بعد از معرفی و خواندنش به شدت مجذوب آن شدند و جزو کتاب‌های محبوبشان قرار گرفته است. بچه‌ها با شخصیت هستی خیلی خوب ارتباط گرفتند و به نظرم جزو کتاب‌هایی است که در دوران سختی با توجه به مضمونش که در دوران جنگ می‌گذرد به تاب آوری نوجوانان کمک می‌کند.»



به کودک و نوجوان معرفی کنند و هم کودک و نوجوان باید جزو

کتاب‌های خواندنی‌شان بگذارند. او می‌گوید:

«یکی از کتاب‌هایی که به کودکانی که خیلی هم علاقمند به خواندن کتاب نیستند، کمک می‌کند کتاب «جزیره هزار داستان» است. متأسفانه این کتاب تجدید چاپ نشده است، اما از کتاب‌هایی است که برای هر سنی مناسب است. اینکه کودکان می‌توانند انتخاب کنند ادامه داستان به چه شکلی باشد برایشان بسیار جذاب است و باعث می‌شود بارها و بارها این کتاب را بخوانند و به آن مراجعه کنند. در مجموعه کتاب‌های کانون یکی از کتاب‌های با کیفیت «کتاب قورباغه چاه‌نشین» است. این کتاب مفهوم زندگی را به ما نشان می‌دهد و جزو کتاب‌های فلسفی محسوب می‌شود. مثل کتاب «دنیا چقدر بزرگ» است می‌ماند. نشان می‌دهد که چقدر دنیای آدم‌ها می‌تواند متفاوت باشد و از دریچه نگاه

از چاهت بیرون بیا

«شکوفه صمدی» نویسنده و

مروج کتاب کودک و نوجوان است. او درباره کتاب‌هایی که در این سال‌ها ترویج کتاب می‌کند از مربیان، والدین، مروجان و کودک و نوجوانان بازخورد مثبت گرفته است. صمدی از کتاب «لک‌لک‌ها بر بام» شروع می‌کند که جزو کتاب‌هایی است که خواهرش در کودکی هر شب یک فصل از آن را برایش می‌خوانده. او می‌گوید: «به نظرم مفهوم پروژه، به دنبال پرسش رفتن، کارگروهی کردن، مشارکت و مفهوم زندگی را که از کوچک تا بزرگ در این داستان درگیری می‌کند، می‌توان در لک‌لک‌ها بر بام دید.» کتاب بعدی صمدی «کودک سرباز» دریا است. «در این کتاب به خوبی مفهوم ضد جنگ بودن را در یک کتاب جنگی می‌بینیم.» در ادامه این مروج کتاب، کتاب‌هایی را از کانون معرفی می‌کند که به نظرش هم تسهیلگران باید آن‌ها را

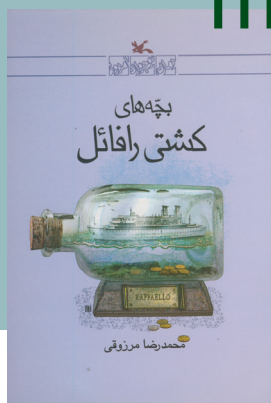
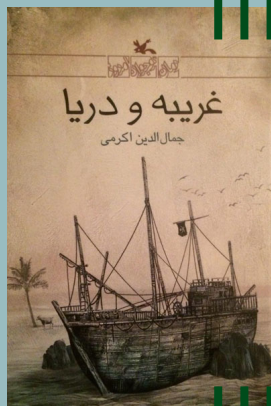
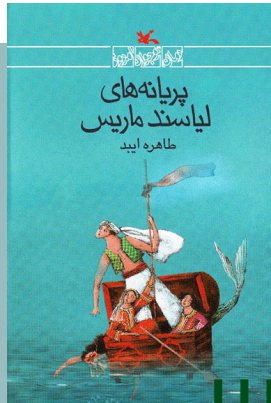
جز انتخاب‌های من بوده است. مثلاً «همین و همان» خیلی بر پایه تصویر است و کمک می‌کند افراد به شکل دیگری با کتاب مانوس شوند و کتاب-فعالیت به حساب می‌آیند و ساعت‌ها می‌شود با هر کدامش بچه‌ها را سرگرم کرد و لذت برد. مثلاً کتاب «تولک لکی یا دارکوب» هم همینطور است. می‌شود برای این کتاب‌ها قصه ساخت و هر بچه‌ای همانطور که خودش دوست دارد با آن ارتباط بگیرد.»

هرکسی دنیا چه شکلی است و اگر در چاه بنشینید دنیا همان قدری می‌ماند. کتاب دیگری که به نظرم برای بچه‌ها مناسب است «آهوی گردن دراز» است که به مجموعه تفاوت‌ها اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که تفاوت تو می‌تواند ویژگی تو باشد و این ویژگی تو می‌تواند جز نقاط قوت تو به حساب بیاید و دلیل ندارد دیگران به خاطر ویژگی‌های تو، تو را مسخره کنند. کتاب‌های علی خدایی هم همیشه

سوار بر کشتی کتاب‌های جدید

کتاب‌های جدید کانون مثل «غریبه و دریا» یا کتاب «ماجرای پروفسور زالزالک» و همچنین «بچه‌های کشتی رافائل» و «پریانه‌ای لیا سندی ماریس»، «هستی» و «زیبا صدایم کن» را هم جز توصیه‌های صمدی است که آن‌ها را از کتاب‌های خوب و باکیفیت کانون می‌داند و جزو کتاب‌های جدید و خوب کانون است.

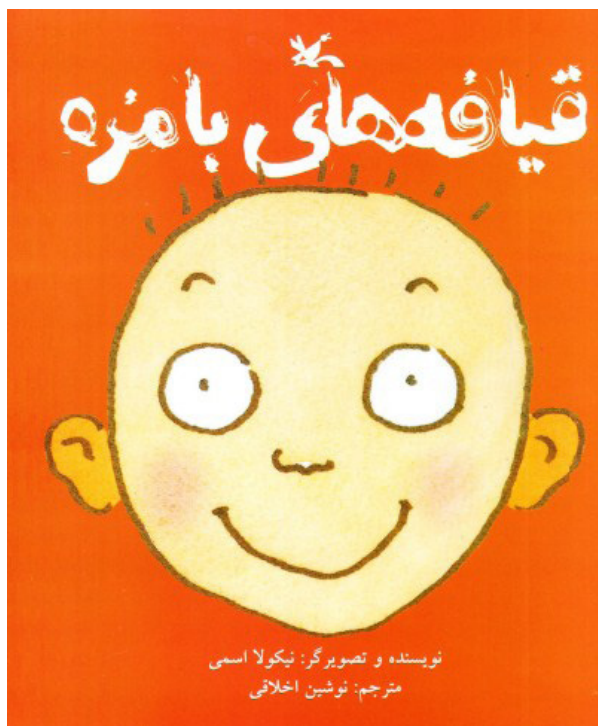
او در ادامه کتاب‌هایی را معرفی می‌کند که به نظرش بازخوردهای خوبی هم از طرف کودک و نوجوان و هم از طرف بزرگسال داشته است: «هدیه خوبان هم یکی از کتاب‌های بسیار خوب با تصویرگری ارزشمند است. به نظرم «گروفالو» و «بچه گروفالو» هم بسیار مناسب است و به بچه‌ها در مواجهه با ترس‌هایشان بسیار کمک می‌کند و از طرفی چون نمایشش هم ساخته شده معمولاً کودکان با آن ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. کتاب‌های «پولیناروشنایی کوهستان»، «خواهران غریب»، «پیروزی بر شب» جزو کتاب‌های خوبی است که می‌توان از آن لذت برد هرچند جلدشان خیلی مناسب احوال امروز نیست. «آ مثل آهو» و «ف مثل فیل» هم از آن کتاب‌هایی است که می‌توان کتاب فعالیت دانست. مجموعه «فسقلی و نقلی» از کتاب‌های تصویری بسیار خوبی است که دیدن و خواندنش حتی برای بزرگسالان هم مناسب است. «ای میهن ایران» از بابت تصویرگری و تقویت عرق ملی بسیار توصیه می‌شود کتاب ابر اومد باد اومد و سیب جان سلام و آفتاب و مهتاب هم جز کتاب‌های شعر خوب کانون است.»



جشن کوتی کوتی

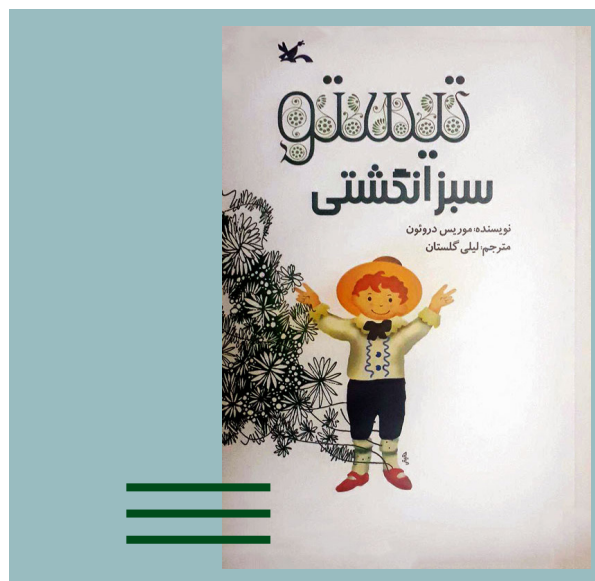
کتاب‌های کوتی کوتی جز کتاب‌هایی است که تقریباً همه مروجان کتاب آن را معرفی می‌کنند. صمدی درباره کوتی کوتی اینطور توضیح می‌دهد: «می‌گویم که حتما در مهدکودک‌ها جشن کوتی کوتی راه بیندازند و فعالیت‌های مرتبط به آن را انجام دهند، مثل کاردستی، سفال، نقاشی، حجم‌سازی و... حتی نمایشگاه‌های بازیافتی که بچه‌ها کوتی کوتی را بسازند و جشن کوتی کوتی بگیرند و قصه‌های کوتی کوتی را مزمره کنند.» او مجموعه «به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند» را نیز در آموزش نه گفتن و در حوزه تربیت جنسی توصیه می‌کند و کتاب «خوشحال باش مرغک من» را که به نوعی مفهوم بخشش و فراوانی را یاد می‌دهد جزو کتاب‌هایی می‌گذارد که جریان زندگی و بخشش را به کودک آموزش می‌دهد. صمدی در بخش نوجوان داستان‌های «امیل»، «هوگو و ژوزفین» را بسیار می‌داند و «تیسستو سبزآنگشتی» را یکی از بهترین کتاب‌ها برای هر گروه سنی‌ای می‌داند. «به نظرم در هر فهرستی می‌توان تیسستو را جا داد: فهرست صلح، تغییر، رشد، باغبانی، ویژگی‌های خاص، مدرسه، پذیرش و عدم پذیرش، اخراج از مدرسه، معلم‌های خاص، آموزش در بستر زندگی و...»

به نظر می‌رسد خیلی خوب با کتاب‌ها ارتباط گرفته‌اند. مثلاً یکی از کتاب‌های مورد علاقه بچه‌ها «خفاش دیوانه» است. مفهوم کتاب مفهوم عام است و خیلی بچه‌ها با آن ارتباط برقرار کردند؛ اینکه با دیگران تفاوت دارند و دیگران آن‌ها را مسخره می‌کنند برای بچه‌ها چالش است. آهوی گردن دراز هم از کتاب‌هایی است که خیلی بچه‌ها با آن به خصوص در مناطق محروم ارتباط برقرار کردند. من با کتاب‌های کانون خیلی توانستم مفاهیم زیادی را به بچه‌ها منتقل کنم. کتاب «قیافه‌های بامزه» یکی دیگر از کتاب‌های بسیار عالی کانون است. هرچقدر ما این کتاب را با بچه‌ها کار می‌کنیم بچه‌ها خسته نمی‌شوند. بیان احساسات و اینکه بچه‌ها احساساتشان را به درستی بشناسند در این کتاب به خوبی مطرح شده است. کتاب تصاویر جذابی هم دارد. «جمشیدی در موضوع کمک و اهمیت به اطرافمان کتاب «چگونه می‌توان بال شکسته‌ای را درمان کرد؟» را معرفی می‌کند و با یادآوری خاطره‌ای نشان می‌دهد که چقدر این کتاب در مناطق کم‌برخوردار اثر گذار بوده است. «این کتاب خیلی توانست توجه بچه‌ها را به اطرافشان جلب کند. یادم است که بچه‌ها در ناصر خسرو اصفهان وقتی این کتاب را خواندم، بعد از مدتی رفتارهایشان تغییر کرد. مثلاً اگر یکی از بچه‌ها پایش مشکلی پیدا کرده بود یا هر اتفاقی برایش افتاده بود بچه‌ها نسبت به قبل خیلی به او توجه می‌کردند و همه درصدد کمک به او بودند.»



برداشتن محکم قدم یازدهم

در انتها صمدی به کتاب‌هایی اشاره می‌کند که به نظرش در دوران سخت کرونا یارای کودک و نوجوان بوده است. «تیسستوی سبز انگشتی، آهوی گردن دراز، کودک سرباز دریا همان اوایل کرونا که دشمنی با چین هم داشت اوج می‌گرفت، باید به بچه‌ها معرفی می‌شد. کتاب لک‌لک‌ها بر بام هم جزو کتاب‌هایی است که در دوران همه‌گیری برای اینکه کودک و نوجوان برای خودشان پروژه تعریف کنند و پرسش داشته باشند خواندنش موثر است و «پولینا» و «پیروزی بر شب» و «سختون» هم کتاب‌هایی هستند که به نظرم کیفیت زندگی بچه‌ها را ارتقا می‌دهد. کتاب «قدم یازدهم» سوسن طاق‌دیس جز بهترین کتاب‌های تالیفی کانون است و به نظرم در دوران کرونا به خصوص به خاطر تغییراتی که در جهان اتفاق افتاد نیاز است ما قدم یازدهم‌مان را برداریم. خواندن این کتاب در این دوران ضروری است.»



عمیق در عین سادگی

«مونا جمشیدی» معلم است و سال‌ها کار ترویج کتاب را در مناطق کم‌برخوردار اصفهان انجام می‌دهد. او یک مشخصه اصلی برای کتاب‌های کانون در نظر می‌گیرد و آن ارائه مفاهیم عمیق و دقیق در عین سادگی برای کودکان است. «هر وقت که کتاب‌های کانون را می‌خوانم بچه‌ها به شدت به آن علاقه نشان می‌دهند و بعد از گفت‌وگو درباره کتاب‌ها کودکان طوری پاسخ می‌دهند که

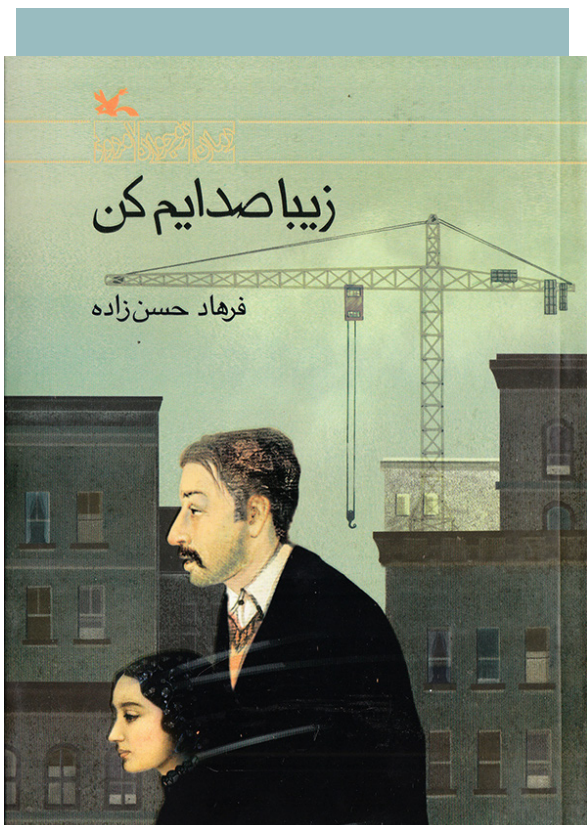
حضور کانون در روستاها و شهرها از قدیم‌الایام

عبدالحمید بهار مروج برگزیده حوزه کتاب و کتابخوانی کشور از روستای «رمین» در توابع چابهار یکی از وظایف و کارهای اصلی مروجان را معرفی کتاب‌های خوب و با کیفیت به کودکان و نوجوانان می‌داند. او معتقد است بیشتر کتاب‌های کانون جزو کتاب‌های باکیفیت هستند و کانون حق بزرگی گردن ادبیات کودک دارد. «کانون از قدیمی‌ترین نشرهای خوب کودک و نوجوان است و در آن روزهایی که ما کتاب‌های باکیفیت زیادی برای کودک و نوجوان نداشتیم کانون برای کودک و نوجوان کتاب منتشر می‌کرد. اتفاق مهم این بود که آن زمان کتاب‌های کانون به شهرها و روستاها هم می‌رسید و همه می‌توانستند از کتاب‌های کانون استفاده کنند. به نظرم آن ارتباطی که ما در زمان کودکی و نوجوانی با کتاب‌های کانون برقرار می‌کردیم الان نیز پابرجاست.»

بهار که نامزد جایزه آستریدلیندگرن هم بوده است، درباره کیفیت کتاب‌های کانون می‌گوید: «بیشتر کتاب‌های کانون در حوزه شعر، قصه، اطلاعات عمومی، سرگرمی، کاردستی کتاب‌های خوب و باکیفیتی هستند. مثلاً مجموعه «دوباره

وقتی کرونا شکل ترویج را تغییر داد

این معلم و مروج از تغییر شکل ترویج در زمان کرونا می‌گوید که مجبور بوده‌اند بعضی از داستان‌ها را برای بلندخوانی به صورت صوتی برای بچه‌ها بفرستند. یک سری از کتاب‌ها در این زمان اثرگذاری متفاوتی داشتند و چند کتاب کانون هم جزئی از این کتاب‌ها بوده است. «کتاب بچه گروفالو خیلی روی بچه‌ها در این دوران تاثیر گذاشت. هدیه خوبان هم یکی از کتاب‌هایی بود که بچه‌ها خیلی به آن توجه مثبت نشان دادند. ما در سه قسمت این کتاب را برای بچه‌ها بلندخوانی کردیم. بعد از خواندن این کتاب بچه‌ها کلی نقاشی برای ما فرستادند، ویس پر کردند و فرستادند و هر کدام به نوعی احساساتشان را با ما درباره کتاب «هدیه خوبان» به اشتراک گذاشتند. کتاب «اینجامال من است» هم از کتاب‌هایی است که چه در مناطق محروم و چه در مناطق برخوردار با استقبال خوبی مواجه شد و بچه‌ها به خاطر سادگی و تصاویر گویا با آن ارتباط خوبی گرفتند. موضوع این کتاب مالکیت است در سن مناسبش هم بچه‌ها و هم والدین درباره‌اش بازخورد خوبی داده‌اند.»



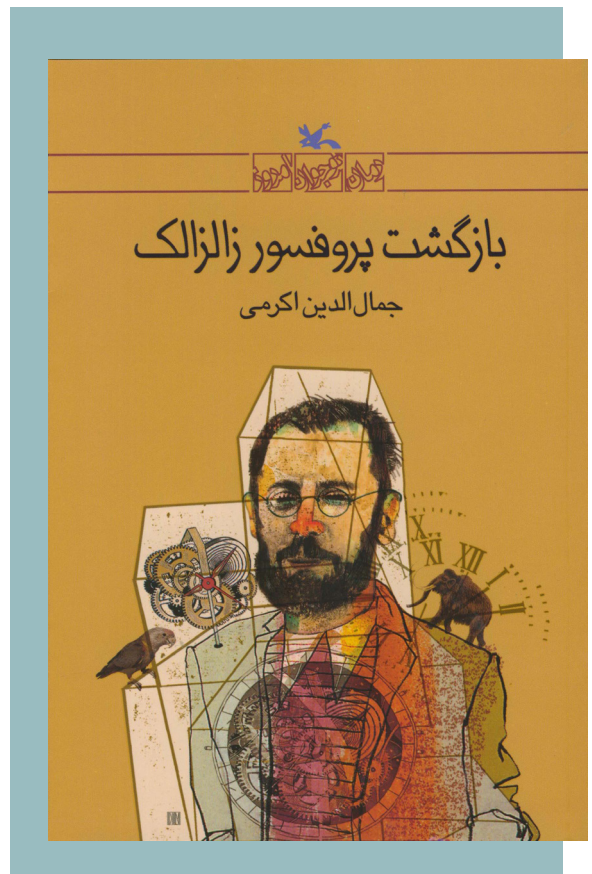
پیش می‌رویم و بچه‌ها بسیار به این کتاب‌ها علاقمند هستند. قصه «تبر» از شکوفه تقی که کتابی قدیمی است و من خودم در دهه ۶۰ آن را خواندم الان در کتابخانه ما موجود است و بچه‌ها بر اساس آن نقاشی‌های زیادی کشیدند و داستان آن را بازسازی کردند. کانون در همه زمان‌ها برای بچه‌ها کار کرده است و خوبی‌اش این است که مقطعی نبوده و در هر زمانی با گروه‌های سنی مختلف ارتباط برقرار کرده است.»

بهار در آخر پراستقبال‌ترین کتاب‌های کانون در کتابخانه‌شان را مجموعه رمان نوجوان امروز کانون معرفی می‌کند. «فکر می‌کنم نکته‌ای که قابل ذکر است و ما در کتابخانه‌مان بسیار زیاد دیده‌ایم استقبال بچه‌ها از مجموعه رمان نوجوان امروز کانون است که آقای شاه‌آبادی آن را مدیریت کرده‌اند. خوبی این کتاب‌ها این است که در جای جای ایران اتفاق می‌افتد. مثل «غریبه و دریا» که ماجرایش در چابهار می‌گذرد و «لالو» که یوسف قوجق نوشته و در ترکمن اتفاق می‌افتد. کتاب‌های «زیبا صدایم کن» و «بازگشت پرفسور زالزالک» از این مجموعه هم با استقبال زیادی مواجه شده است. کانون کمک کرده است که کودکان و نوجوانان جغرافی سرزمین خودشان را از طریق قصه‌ها بشناسند و به نظرم این کار بزرگی است.»

نگاه کن» که کارهای دستی با انواع اجسام در آن یاد داده می‌شود و بچه‌ها با دوریختنی‌ها دوباره‌سازی می‌کردند و از آن‌ها وسایل جدیدی برای خودشان می‌ساختند.» او کتاب‌های کانون را جزو کتاب‌هایی می‌داند که هم کودک و نوجوان با آن ارتباط برقرار می‌کنند و هم برای بزرگسالان خاطره‌سازی دارد. «کتاب‌هایی که در کتابخانه ما طرفدار دارد مخصوصاً برای بزرگسال‌ها که می‌آیند و تجدید خاطره می‌کنند کتاب «لک لک‌ها بر بام»، «بچه‌های راه‌آهن»، «سیاه دل» و ... است و جالب این است که بچه‌ها به سمت کتاب‌هایی جدید کانون می‌روند مثل «هستی»، «زیبا صدایم کن»، «کوتی کوتی»، «غریبه و دریا.»

پرطرفدارترین رمان نوجوان امروز

این مروج کتاب کارهای تصویری کانون را هم جزو بهترین‌ها می‌داند. «بچه‌ها طرفدار کتاب‌های تصویری هستند؛ کارهای علی خدایی و کریم نصر، آقای بنی اسدی و نیکان پور و... از پرطرفدارترین کتاب‌های کانون کتابخانه ماست. کتاب‌های «دوباره بساز» و «دوباره نگاه کن» کتاب‌های کار و فعالیتند و ما با بچه‌ها مثلاً برگ جمع می‌کنیم و بر اساس کتاب‌ها



مروری بر جدیدترین آثار تولیدی کانون پویانمایی‌هایی در راه!

● نیکو کریمی

تماشای پویانمایی کوتاه، تجربه‌ای دلنشین و لذت‌بخش است که با وجود زمان کم، اثری طولانی مدت بر ذهن مخاطب می‌گذارد. آن هم آثاری که انتخاب کرده‌اند تا پیامی بزرگ را در خلاصه‌ترین شکل به مخاطب منتقل کنند. پاییز امسال پویانمایی‌های متفاوتی توسط کانون عرضه می‌شود که آشنایی با آن‌ها خالی از لطف نیست.



سمپاش؛ دغدغه زیست محیطی و تکنیک نوآورانه

کار اضافه کند. این اثر با تکنیک سه‌بعدی و کامپیوتری ساخته شده، اما جذابیت‌های بصری آن شبیه به استاپ‌موشن است. تلفیقی نوآورانه که سمپاش را از نظر فرم با سایر آثار متمایز می‌کند. فرنوش عابدی سازنده‌ی این اثر، یکی از موفق‌ترین کارگردانان پویانمایی است که آثار پیشینش در جشنواره‌های بین‌المللی مورد توجه زیادی واقع شده‌اند. با توجه به موضوع بشردوستانه، سبک خلاقانه و کارنامه‌ی درخشان سازنده‌ی آن، می‌توان با اطمینان گفت سمپاش اثری است که می‌تواند در جشنواره‌های مهم و بین‌المللی به خوبی دیده شود.

ساختمان‌هایی خالی از سکنه، آسمانی تیره و ارتشی با پوشش ماسک. این جا را سیاهی فراگرفته. فضای پویانمایی تازه فرنوش عابدی، کارگردان جوان و موفق ایرانی، فضایی آشناست. فضایی که شاید در بازی‌ها و پویانمایی‌های آخرالزمانی دیده باشیم، وقتی که تاریکی بر زندگی چیره شده باشد و یک فاجعه در حال رخ دادن باشد. ارتشی از سربازان سمپاش ماموریت دارند تا هرگونه گیاه و رستنی و هر نشانی از زندگی را از بین ببرند. اما در این میان، یکی از سربازها اتفاقی گیاهی پیدا می‌کند که هنوز سبز است. او که نمی‌خواهد این گیاه را از بین ببرد، تلاش می‌کند تا آن را حفظ کند و در این راه حاضر است هر خطری را به جان بخرد. پویانمایی ۹ دقیقه‌ای سمپاش که به تازگی مراحل ساختش را پشت سر گذاشته و اولین تیزر رسمی آن نیز منتشر شده است، حاکی از دغدغه زیست محیطی سازندگان آن است. تغییرات اقلیمی کره زمین و آینده‌ی ناامیدکننده‌ی آن، موضوعی بود که باعث شد این تیم، کاری با موضوع دشمنی بشر با محیط زیست بسازند. سمپاش استعاره‌ای از زندگی انسان امروز است در مواجهه با زندگی در کره خاکی. فرنوش عابدی در ساخت این اثر دست به کار جسورانه‌ای زده است تا علاوه بر بهره‌مندی از جدیدترین تکنیک‌ها، جذابیت‌های هنری و خلاقانه‌ای به



ده سالگی، طبیعت و کودکی

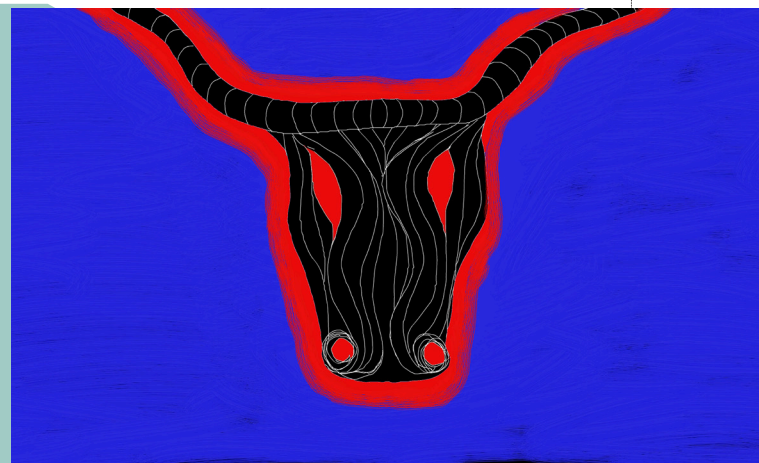
موضوع هم‌زیستی انسان و دیگر موجودات زنده، موضوعی بسیار مورد توجه و البته مهم است. پویانمایی ده سالگی به خوبی به این موضوع پرداخته شده است. داستان «ده‌سالگی» درباره پسری است که با پدرش در جنگلی دورافتاده زندگی می‌کند تا روزی که پدر برای پسرک، مرغابی وحشی را به دام می‌اندازد تا بلکه او را از تنهایی در بیاورد. حضور مرغابی در بند در کنار پسر و زندگی روزمره‌شان کنار یکدیگر رفته‌رفته موجب آشنایی بیشترشان می‌شود. تا جایی که اتفاقاتی ناخواسته در روند زندگی مرغابی و پسر منجر به دگرگونی نگاه پسر به جهان پیرامونش می‌شود.

فضای جنگل به خوبی حس ارتباط با طبیعت را به مخاطب منتقل می‌کند. فاطمه جعفری، کارشناس ارشد انیمیشن، کارگردانی این اثر را بر عهده دارد و فیلمنامه آن به طور مشترک توسط فاطمه جعفری و مانی کاشیان نوشته شده است. این پویانمایی ۲۰ دقیقه‌ای در پاییز ۱۴۰۰ اکران خواهد شد.

متناسب با موضوع اثر، تکنیک به کار گرفته شده نیز یادآور طبیعت است و هم‌نشینی فرم و محتوا ترکیب جالبی به وجود آورده است. ده‌سالگی که با تکنیک استاپ‌موشن ساخته شده است، در دکور و عروسک‌هایش عناصری از دل طبیعت را در خود جای داده است. عناصری مانند پشم یا نمد برای ساخت شخصیت‌ها و استفاده از درختان گوناگون اقلیم تهران و شمال ایران، سنگ، خاک و برگ‌های طبیعی برای ساخت خانه و

و سفری طولانی را در این راه شروع می‌کند. سرانجام به گیاهی دست می‌یابد که او را جاودانه خواهد کرد، هرچند ماری از او پیشی می‌گیرد و گیلگمش هیچ‌گاه به گیاه دست پیدا نمی‌کند.

مدت این پویانمایی ۱۰ دقیقه است و با تکنیک نقاشی رنگ و روغن و استفاده از دیگر مدیاها ساخته شده است. استفاده از نقوش باستانی و نقش‌های استفاده شده در آثار میان رودان، به خوبی فضای اسطوره‌ای این کار را منعکس می‌کند. حسین مرادی‌زاده، کارگردان این اثر، دانش‌آموخته دانشکده صداوسیما در رشته کارگردانی انیمیشن است و سابقه عضویت در انجمن نقاشان ایران، انجمن بین‌المللی فیلم‌سازان انیمیشن جهان، انجمن فیلم‌سازان انیمیشن ایران، و همچنین داوری در جشنواره‌های مختلف را در کارنامه‌اش دارد. او پیش از این، آثار متعددی را ساخته و عرضه کرده که «افسانه‌ی ماردوش» مجموعه‌ی پویانمایی سه‌قسمتی بر اساس داستان‌های شاهنامه از جمله این آثارند. آشنایی نوجوانان با شخصیت‌های حماسی و اسطوره‌ای امر مهمی است و تولید آثاری با این درون‌مایه از این جهت بسیار ارزشمند است.



گیلگمش، در جستجوی جاودانگی

گیلگمش قدیمی‌ترین و اولین اثر حماسی بشر است که در منطقه بین‌النهرین شکل گرفته و تاثیر زیادی بر سایر آثار ادبی پس از خود گذاشته است. داستان این اثر پرآوازه در مورد سفر نیمه‌خدایی به نام گیلگمش است که برای یافتن جاودانگی راهی را آغاز می‌کند اما در این راه اتفاقاتی می‌افتد که پی می‌برد زندگی با مرگ معنا پیدا می‌کند. گیلگمش پادشاه شهر اوروک است. شهری در منطقه سومر بین‌النهرین. او انسانی است در جستجوی جاودانگی



بیماری دلسوزی، موسیقی دلنشین

بیماری دلسوزی، یک پویانمایی هفت دقیقه‌ای بدون دیالوگ است که در طرح کتاب-فیلم طراحی و تولید شده است. این پویانمایی که برگرفته از یکی از آثار طاهره ایبد، نویسنده‌ی کودک و نوجوان است در هفت دقیقه تولید شده است. مارال علیزاده، کارگردان اثر، کارشناس ارشد رشته‌ی پژوهش هنر است، از سال ۸۹ فعالیت حرفه‌ای خود را در حوزه انیمیشن آغاز کرده و از سال ۹۱ وارد کانون پرورش فکری شده است.

با وجود این که طرح اولیه فیلم اقتباسی است اما در مراحل تولید شکلی شخصی به خود گرفته و با اثری کاملاً متفاوت از داستان روبه‌رو هستیم. هم‌چنین در این کار از ظرفیت‌های بصری کار به خوبی استفاده شده و فیلمنامه‌ی آن هیچ‌گونه دیالوگی ندارد. تکنیک به کار گرفته شده در این اثر دوبعدی دیجیتال است که متناسب با فضای بدون دیالوگ آن می‌باشد.

با توجه به نبود دیالوگ، موسیقی در این کار نقش مهمی ایفا می‌کند. موسیقی این کار ساخته‌ی صبا علیزاده، آهنگساز و نوازنده‌ی کمانچه‌ی جوان است و طراحی صدا بر عهده‌ی حسین قورچیان بوده است. هم‌چنین امیر هوشنگ معین به عنوان مشاور در این پروژه که ساخت آن یک سال و نیم زمان برده، حضور داشته است.



فصل گرم پویانمایی‌های کانون!

در دو سال اخیر، پویانمایی‌های کانون موفقیت‌های زیادی کسب کرده‌اند. در اینجا به چند پویانمایی موفق می‌پردازیم که در جشنواره‌های مطرح بین‌المللی درخشیده‌اند و جوایز مهمی را از آن خود کرده‌اند.

خرچنگ

بدون شک خرچنگ مهم‌ترین اثر پویانمایی کانون در سال ۱۴۰۰ کانون است و شاید نام بردن از تمام جوایزی که کسب کرده در این یادداشت کوتاه ننگند. شیوا صادق اسدی خرچنگ را در ۱۱ دقیقه ساخته و در این اثر کوتاه فضایی تاریک و کابوس‌وار خلق کرده که در ورای آن به انتقاد از نظام آموزشی می‌پردازد. خرچنگ داستان پسر کوچکی است که رویای حضور در گروه تئاتر را در سر می‌پروراند اما همیشه تحقیر می‌شود و مجبور است نقش خرچنگ را بازی کند. هم‌نشینی رنگ‌ها و موسیقی فضایی کابوس‌وار به وجود آورده اما سکانس پایانی، مخاطب را به یاد چهارصد ضربه‌ی تروفو می‌اندازد، که شخصیت‌های هر دو اثر پس از اخراج از مدرسه به سمت دریا می‌دوند تا حسی از لذت آزادی در ذهن القا کنند.

پویانمایی خرچنگ علاوه بر حضور پررنگ در جشنواره‌ها، جایزه ویژه هیأت داوران به همراه تندیس هجدهمین جشنواره انیمیشن هیروشیما ژاپن، جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه «لاگو» در ایتالیا و جایزه طلایی بهترین فیلم از نگاه مخاطبان و دیپلم افتخار داوران کودک سی‌وسومین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های کوتاه درسدن آلمان را کسب کرده است.

گرگم و گله می‌برم

جدیدترین اثر امیرهوشنگ معین در سال ۱۳۹۹ جوایز بسیار زیادی در جشنواره‌های بین‌المللی کسب کرده و در بسیاری از جشنواره‌ها نیز اکران شده و مورد توجه منتقدان و مخاطبان قرار گرفته است. این اثر برگرفته از داستانی با همین نام نوشته افسانه شعبان‌نژاد از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که تاکنون بیش از ۱۵ جایزه را از آن خود کرده است.

دریافت جایزه بهترین فیلم بخش رویاهای کودکانی جشنواره بین‌المللی انیمیشن اینسومنیای روسیه، جایزه بهترین انیمیشن بخش مسابقه بین‌المللی سیزدهمین جشنواره فیلم کوتاه کورتی پونته ایتالیا، جایزه ویژه جشنواره بین‌المللی انیمیشن مونسترا پرتغال، جایزه هیروشیما به همراه تندیس و جایزه نقدی یک میلیون ینی از هجدهمین جشنواره انیمیشن هیروشیما ژاپن و جایزه بهترین فیلم هشتمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن جان لاندیران لار ترکیه از دست آورده‌های این پویانمایی است. هم‌چنین این اثر در فهرست نهایی فیلم‌های کوتاه انیمیشن اسکار ۲۰۲۱ قرار گرفته است.



بادهای پاییزی،

بادهای بهاری و دو کبوتر

بادهای پاییزی، بادهای بهاری و دو کبوتر ساخته صادق جوادى، یکی از جدیدترین تولیدات کانون است که روایتی شاعرانه دارد. دختر منتظر رسیدن مرد است. کبوتر نامه مرد را به او می‌رساند. مرد سوار کشتی می‌شود. توفان پاییزی همه چیز را به لرزه در می‌آورد. همه افسرده و ناامید هستند.

کبوتر اما منتظر نمی‌ماند تا بهار فرا رسد و جستجو را آغاز می‌کند. این اثر که بر اساس کتابی با همین نام نوشته احمد رضا احمدی ساخته شده است، در شهریور ۱۴۰۰ موفق به دریافت جایزه «بهترین موسیقی» از پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کمیک و انیمیشن چانیارتون یونان شده است. موسیقی دلنشین این اثر ساخته بهنام معیریان است. انتخاب صحیح ملودی و تکنوازی گوش‌نواز بریط که گویا عهده‌دار اصلی روایت داستان است، با فضای کار هماهنگی خوبی به وجود آورده ریتم موسیقی وزش آهسته باد بهاری را تداعی می‌کند.

این پویانمایی تا به حال در جشنواره‌های زیادی اکران شده و نامزد جایزه‌ی کارتون کلاب ایتالیا نیز شده است و تندیس سیمین پنجاهمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد را نیز به دست آورده است.



قدم یازدهم

این اثر برگرفته از کتاب معروف **قدم یازدهم** به قلم زنده‌یاد سوسن طاق‌دیس است که با تکنیک خاصش فضایی دلنشین ایجاد کرده. **قدم یازدهم** ساخته مریم کشکولی‌نیا در بسیاری از جشنواره‌های جهانی حضور داشته و جوایز معتبری را نیز دریافت کرده است. **قدم یازدهم** که یکی از موفق‌ترین آثار منتشر شده در کانون پرورش فکری در سال ۱۳۸۳ بوده است، یکی از آثار درخشان ادبیات کودک ایران به شمار می‌آید. مفاهیمی چون آزادی، رهایی و اهمیت تجربه کردن درون‌مایه‌ی این اثر را شکل داده‌اند. جایزه‌ی لومینور به همراه جایزه نقدی ۵۰۰ یورویی را در جشنواره فیلم سدیسی فورلی کشور ایتالیا، جایزه بهترین فیلم بخش کودک جشنواره لوبلین، پروانه زرین جشنواره‌ی کودک و نوجوان اصفهان و تندیس زرین و جایزه‌ی نقدی پنجاهمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم رشد از جمله دستاوردهای بین‌المللی **قدم یازدهم** هستند.



باچی

مهین جواهریان، کارشناس گرافیک و کارشناسی ارشد کارگردانی انیمیشن از دانشکده هنرهای زیبای تهران است، او که به مدت ۲۱ سال عضو هیئت مؤسس و دبیر انجمن آسیفا (انجمن انیمیشن سازان ایران) بوده است، سال‌ها به عنوان کارگردان، تهیه‌کننده، مدرس و نویسنده آثار پویانمایی فعالیت کرده است. جواهریان در طول سال‌های فعالیت خود توانسته جوایز گوناگون بین‌المللی و ایرانی را از جشنواره‌هایی مانند هایدای ژاپن، ABU ۲۰۰۲ یونیسف، جشنواره پویانمایی تهران، رشد و... دریافت کند. پویانمایی «بعله!» (باچی) تازه‌ترین اثر اوست. مهین جواهریان این پویانمایی ۶ دقیقه‌ای را که با تکنیک کات‌اوت کامپیوتری ساخته شده است در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کارگردانی کرد؛ و توانست در سی‌وسومین جشنواره فیلم اصفهان، جایزه ویژه هیأت داوران را به خود اختصاص دهد. دلیل این انتخاب، توجه ویژه به اهمیت شادابی و طراوت کودکان در رشد و پرورش انسان‌ها بود. پیش از این مهین جواهریان، در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پویانمایی‌های «زری زری کاکل زری»، «بارون میاد جر جر» و مجموعه «عروسیه عروسی» را کارگردانی کرده است.



گفتگو با کریم سربخش، کارشناس پویانمایی به سوی روزهای طلایی

● فاطمه ترجمان



پویانمایی به عنوان یک اثر نمایشی مستقل و دارای هویت همیشه سعی داشته است به شیوه‌ای منحصر به فرد و جذاب در تقابل با اشکال دیگر فیلم‌سازی پیام خود را به مخاطب انتقال دهد. قراردادن آثار این حوزه در بوته داوری و گردونه رقابت تلاشی است تا تولیدکنندگان این حوزه با انگیزه بالاتری فعالیت کنند. به سراغ کریم سربخش، نویسنده و کارگردان رفتیم، او که کارشناس ارشد انیمیشن و عضو هیئت انتخاب بخش پویانمایی مسابقه‌ی فیلمنامه و نمایشنامه‌ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است از روند رشد تولیدات کانون و برخی چالش‌های این حوزه می‌گوید.

◀ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چه ظرفیت‌هایی برای حمایت از تولیدکنندگان پویانمایی دارد؟

من فکر می‌کنم کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌تواند مسیری را که برای حمایت از حوزه‌های دیگر مثل مرکز گسترش سینمای مستند تجربی پیش گرفته، برای تولید فاخر آثار انیمیشن به کار گیرد. این حمایت‌ها شامل تامین بودجه و حتی هدایت تولیدکنندگان با کمک کارشناسان متخصص در مراحل مختلف کار، برای تولید یک اثر بهتر است. نکته قابل تامل این که کانون به خوبی می‌تواند با برگزاری کلاس‌های مختلف آموزشی (مثل همین برگزاری کلاس‌های پویانمایی) مسیر روشنی را برای هنرمندان جوان تعریف کند و از آن‌ها به عنوان نیروهای کمکی در تولیدات فاخر زیر نظر کارشناسان حرفه‌ای استفاده نماید.

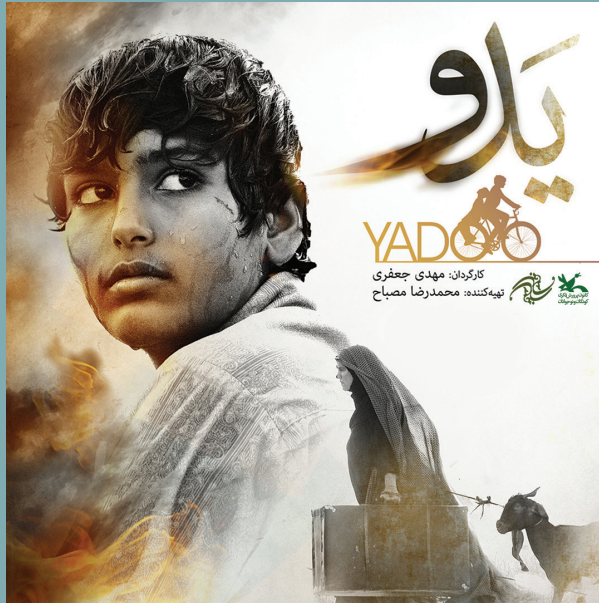
◀ چند سالی است که کانون سبک انیمیشن تجربی را در پیش گرفته است. به نظر شما سختی‌ها و مزایای این سبک و دلیل پی گرفتن این شیوه چه مسائلی می‌تواند باشد؟

تولید آثار تجربی توسط هنرمندان به نام، یکی از راه‌های

◀ عملکرد کانون پرورش فکری را در تولید انیمیشن و فیلم چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کانون در طول سال‌های فعالیت خود فراز و فرود زیادی داشته است. اولین شکل‌گیری صنعت انیمیشن (و حتی فیلم‌های سینمایی کودک و نوجوان) در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است اما چند سالی دچار یک دوره رخوت و به تعبیری دوره خواب زمستانی شد. خوشبختانه در این سال‌ها با رصد آثار به نظر می‌رسد با توجه به کیفیت تولیدات، راهیابی آثار به جشنواره‌های بزرگ و استقبال مخاطبان و هنرمندان مسیر کانون به خصوص در بحث انیمیشن رشد کرده است. ورود استودیوهای انیمیشن‌سازی به کانون و اهمیت بیشتر به هنرمندان کوتاه انیمیشن و در نتیجه تولیدات موفق نشان آن از این مسیر صحیح دارد.

اما در حوزه فیلم زنده هنوز برای بازگشت به روزهای طلایی کانون نیاز به تلاش بسیار است. تولیدات فیلم کوتاه نیز به شدت از سایر حوزه‌ها عقب‌تر هستند، به طوری که در این سال‌ها تولید شاخصی در حوزه فیلم کوتاه در کانون نمی‌بینیم. اما امید است همین مسیر موفق طراحی شده برای آثار انیمیشن کوتاه با حمایت و هدایت صحیح به نتیجه‌های مفیدی بینجامد.



«یدو» گام موفق کانون در یک‌سال گذشته بوده است. این روزها و هم‌زمان با هفته ملی کودک هم این فیلم در سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان در بخش «مسابقه فیلم‌های بلند ایرانی» به نمایش در آمده است. داستان یدو در ماه‌های نخست جنگ تحمیلی رخ می‌دهد. بسیاری از خانواده‌ها در حال مهاجرت از شهر هستند اما مادر یدو تصمیم دیگری می‌گیرد. او به ماندن و مبارزه کردن معتمد است و هر بار بهانه‌ای جدید برای این تصمیم خود دارد. یدو در تلاش است تا مادرش را راضی به ترک آبادان کند اما در این میان دلبسته‌ی کسی می‌شود. «یدو» در بخش «سودای سیمرغ» سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، بهترین فیلم، بهترین صدابردار، بهترین صداگذاری، بهترین فیلم‌برداری و دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول زن شد. از دیگر موفقیت‌های این اثر می‌توان به دریافت تندیس دهمین جایزه سینمایی ققنوس اشاره کرد. فیلم‌نامه این اثر براساس داستانی واقعی و به قلم مهین عباس‌زاده و مهدی جعفری خلق شده است. ستاره پسیانی، میلاد سویلاوی، محمد مهدی آلبوعلی، ریحانه آریامنش، اکبر اودود برخی از بازیگران این فیلم بلند سینمایی هستند. سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، با مشارکت سازمان سینمایی، بنیاد سینمایی فارابی و شهرداری اصفهان، از ۱۶ تا ۲۱ مهر ۱۴۰۰ برابر بین‌الملل هم‌زمان در اصفهان و تهران، برگزار خواهد شد.

خوب برای موفقیت صنعت انیمیشن در عرصه جهانی است. این رویکرد تغییر یافته سال‌های اخیر در کانون بسیار قابل تقدیر است و امید است این رویکرد ادامه داشته باشد تا آثار خاص و متفاوت‌تری نسبت به گذشته خلق شود. اما نکته حائز اهمیت این است که رسالت کانون پرورش فکری نباید فراموش شود. هدف نهایی کانون تولید اثر برای کودکان و نوجوانان است. اگر مسیر تولیدات کانون به طور کامل به سمت کارهای تجربی پیش رود، کم‌کم آثار مختص کودکان و نوجوانان کمرنگ شده و رویکردی شبیه به مرکز گسترش سینمای مستند تجربی پیدا می‌کند. به همین دلیل لازم است در برنامه‌ریزی‌های آینده لزوم تولیدات غیر تجربی برای کودکان و نوجوانان در دستور کار قرار گیرد.

◀ عدم برگزاری جشنواره پویانمایی در دو سال اخیر چه تأثیری در روند رشد پویانمایی‌ها دارد؟

مهم‌ترین جشنواره بین‌المللی انیمیشن ایران، جشنواره دو سالانه پویانمایی کانون است. اما با توجه به شرایط جهانی و مشکل کرونا این تاخیر خیلی عجیب نیست و امید است که تا پایان سال اتفاقی مبارک برای برگزاری این رویداد مهم هنری رخ دهد تا در نهایت با یک سال تأخیر جشنواره به سرانجام خود برسد. اما در کل، جشنواره به شدت در رقابت، روحیه و افزایش توان صنعت انیمیشن ایران کارایی مثبت دارد و خواهد داشت. در طول این مدت، کرونا شرایط برخی تولیدات را سخت کرد اما هنرمندان حوزه انیمیشن تنها کسانی بودند که راحت‌تر با این شرایط خود را تطبیق دادند و به تولید پرداختند. امیدواریم شرایط برگزاری جشنواره هرچه سریع‌تر مهیا شود که همه علاقه‌مندان به‌طور حضوری از این دستاوردها، استفاده لازم را داشته باشند و در سال‌های آینده هنرمندان انیمیشن با انگیزه بیشتر در جشنواره شرکت کنند.

درباره جایگاه منحصر به فرد کانون در نشر بین الملل و لزوم بازطراحی آن

بار سنگین اولین بودن!

● علی عربزاده ● مدیر آژانس ادبی literary sapiens Agency

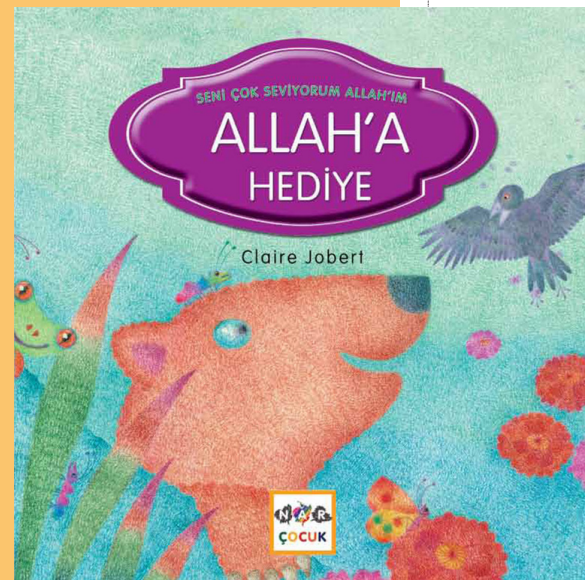
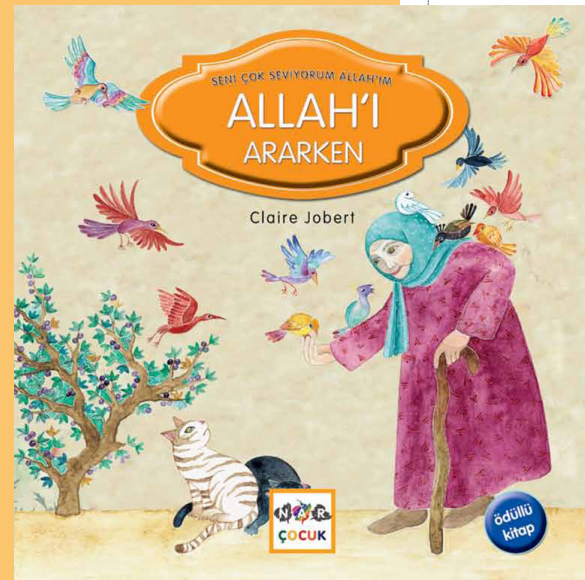
معروف است که نشر کودک ایران را در فضای بین المللی با دو نام می شناسند: کانون و شورای کتاب کودک. اگرچه گزارش دقیقی درباره تاریخچه حضور بین المللی ناشرین ایرانی ندیده‌ام، به هر حال، شنیده‌ها حکایت از این دارد که انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قدیمی ترین ناشر کودک ایرانی است که هم به صورت مستقل در نمایشگاه‌های کتاب بین المللی حاضر بوده و هم اولین مرادات خارجی برای خرید و فروش حق ترجمه به طرفیت آن انجام شده است.

علاوه بر این، سال‌هاست که خوش‌بختانه و به رغم ضعف قانون گذاری و سیاست گذاری غلط در حوزه محتوا و عدم شناسایی حقوق آثار منتشر شده در خارج از ایران (همان، به اصطلاح عوام، نبودن کپی‌رایت در ایران)، کانون آثار ترجمه را با اخذ حق امتیاز ترجمه و منتشر می کند.

حتی یکی از قدیمی ترین و محترم ترین آژانس‌های ادبی ایران، آژانس کیا، از خلال همین فعالیت‌های بین المللی و با همت جناب شجاعی و سرکار خانم حائری راه اندازی شده و تا امروز برکات فراوانی را برای نشر کودک ایران و تصویرگران ایرانی به همراه آورده است.

گذشته از این بسیاری از نویسندگان و تصویرگران تراز اول ایرانی در کانون و به واسطه ظرفیت‌های گسترده آن رشد و برای بروز توانمندی‌هایشان فرصتی پیدا کرده‌اند. نویسندگان و تصویرگرانی که بعد از آن یا دست به کار راه اندازی نشرهای موفق زده‌اند یا در دفاتر نشر مسئولیت‌هایی را به عنوان ویراستار و مدیر هنری به عهده گرفته‌اند یا نسلی از شاگردان را تربیت کرده‌اند که اکنون بدنه‌ی پرافتخار و موفق صنعت نشر کودک ایران را تشکیل می دهند.

تفصیل و توضیح درباره‌ی سهم و نقش کانون در این سال‌ها و فهرست دستاوردهای داخلی و خارجی‌ش احتمالاً به فرصت درسته در حد و اندازه‌های یک گزارش چند صد صفحه‌ای نیاز دارد. بنابراین من نه نمی توانم و نه هدف این یادداشت کوتاه بیان کامل و جامع جایگاه و نقش کانون است. درست برعکس و دقیقاً به دلیل این پیشینه با افتخار و جایگاه منحصر به فرد و از زاویه کسی که مدت کوتاهی است به صورت حرفه‌ای در حوزه نشر بین الملل و بازار حق امتیاز فعال است و تجربه محدودی در همکاری با چند صد ناشر و آژانس ایرانی و غیر ایرانی از بیش از ۵۰ کشور جهان را دارد، صرفاً براساس تجربیات شخصی‌ام چند پیش نهاد کوتاه برای توسعه فعالیت‌های بین المللی نشر کانون دارم که در ادامه صرفاً به سرفصل آن‌ها اشاره خواهیم کرد. روشن است که همه این موارد نمی تواند، و حتی شاید نباید، در کنار هم اجرا شود



کانون دست پیدا کند. ما نمونه‌های پیاده‌سازی شده و موفق از این‌گونه سامانه‌ها را در وب‌سایت‌های ناشرین و آژانس‌های غیرایرانی به راحتی می‌توانیم در صورت اعلام نیاز کانون معرفی و تحلیل کنیم.

تسهیل و شفاف‌سازی فرآیندهای دریافت حق امتیاز آثار ترجمه در کانون. اگرچه کانون برای آثار ترجمه مدت‌هاست حق امتیاز و اجازه صاحبین حقوق خارجی را اخذ می‌کند ولی دست‌کم در مدتی که ما در آژانس ادبی دایره مینا موفق به کشف منطق نیازها و علاقه‌مندی‌های محتوایی کانون نشدیم. علاوه بر این، فرآیند بررسی و خرید آثار آن‌اندازه کند و تعداد عناوین به نسبت پورتفوی کانون آن‌قدر کم است که تاثیر مثبت لازم را روی مرادوات و معاملات کانون در هنگام فروش محتوا نمی‌گذارد.

حضور فعال‌تر و پرتعدادتر در **رویدادهای بین‌المللی** از جمله نمایشگاه‌های کتاب و رویدادهای خرید و فروش حق امتیاز. البته نیازی نیست این حضور در همه موارد به صورت مستقیم توسط بخش بین‌الملل کانون انجام شود. سیاست یا عرف اشتباهی که متأسفانه مانع توسعه حضور کانون در بسیاری موارد شده است. مشارکت کانون در بسیاری از این موارد می‌تواند به واسطه‌ی آژانس‌های همکار یا به صورت مشترک با ناشرین دیگر یا در غرفه مشترک ایران باشد. مسئله مهم پیشینه کردن دفاعاتی است که نام کانون و پورتفوی آن به گوش و چشم مخاطبین هدف یعنی ویراستاران و مسئولین خرید و فروش حق امتیاز ناشرین خارجی می‌رسد. این سیاست در عمل هزینه این حضور را به نسبت میزان آن به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. موارد پیش‌گفته تنها بخشی از مسائلی بود که طی مدت فعالیت من در آژانس ادبی دایره مینا و به عنوان نماینده‌ی انتشارات کانون در رویدادهای حضوری و آنلاین و گفتگوهایی که با ناشرین و آژانس‌های غیرایرانی داشتم، به عنوان موانع موفقیت بیشتر کانون به نظرم رسیده است. بنابراین روشن است که من لزوماً نه به مهم‌ترین و بنیادین‌ترین مسائل اشاره کرده‌ام و نه این آسیب‌شناسی محصول یک مطالعه‌ی میدانی و گسترده است. مطالعه و اولویت‌بندی‌ای که اتفاقاً برای مدیریت مسیر تحول کانون ضروری و ناگزیر است.

و بعید نیست که مسئولین فعلی و سابق کانون برای عدم اجرای برخی از آن‌ها دلایل قانع‌کننده‌ای هم داشته باشند. بنابراین به این فهرست تنها به عنوان فتح‌بابی برای گفتگوی بیش‌تر در این زمینه نگاه کنید نه رهنمودهایی قطعی. **بازطراحی برند،** کانون به ویژه هویت بصری آن در نسبت با استانداردهای جدید نشر و با هدف ترسیم یک هویت مدرن‌تر و هم‌راه‌تر با ترندهای جهانی؛

توسعه‌ی برنامه‌های تولید محتوا، هم در بخش ایده و متن و داستان و هم تصویرگری برای آن که علاوه بر کسب جایگاه در مسابقات و جوایز منطقه‌ای و جهانی و جلب نظر ناشرین مستقل روشنفکر و هنری، کتاب‌های کانون به سبد محصولات ناشرین بزرگ و تجاری هم راه پیدا کند. تصور می‌کنم با اتخاذ این رویکرد سهم بیش‌تری در بازار کتاب کودک داخلی نصیب کانون خواهد شد. دستاوردی که از قضا روی موفقیت‌های بین‌المللی اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد.

پیاده‌سازی ساختار لازم برای **تولید محتوای بازاربایی** مناسب که مهم‌ترین بخش آن تولید کاتالوگ‌های معرفی آثار (Rights Guide) به صورت منظم و دورهای (هم برای کل آثار و هم به صورت موضوعی و براساس تم و ژانر)، تولید نمونه‌فایل‌های ترجمه انگلیسی از آثار منتشرشده به صورت منظم و در نهایت وب‌سایت و صفحات انگلیسی در شبکه‌های اجتماعی است. علاوه بر این، و با یک نگاه بلندمدت، می‌توان همین محتوا را برای بازارهای نزدیک‌تر و کم‌تر دیده شده مثل بازار جهان عرب، ترکیه، آمریکای لاتین، چین و روسیه به زبان‌های محلی آن‌ها هم تولید کرد. اتفاقی که بدون شک روی واگذاری حق امتیاز آثار کانون اثر مثبت چشم‌گیر می‌گذارد. اگرچه بخشی از این محتوا در حال حاضر هم در معاونت بین‌الملل کانون تولید می‌شود، اما مقصود من توسعه‌ی فرآیندهای فعلی و ارتقاء آن برای رسیدن به استانداردهای بصری، محتوایی و حتی زمانی است.

پیاده‌سازی یک سامانه‌ی دیجیتال در بستر وب‌سایت انگلیسی کانون برای مدیریت نمونه ترجمه‌ها، کاتالوگ‌ها و حقوق موجود و واگذارشده از هر اثر به صورتی که مخاطب غیرفارسی‌زبان بتواند با انتخاب پارامترهای مدنظرش به پیش‌نهادهای مشخصی از آثار

درباره یار مهربان بیشتر بدانیم

دسترسی به هر یک از جملات بارها شنیده و خوانده شده افراد صاحب نام درباره کتاب و کتاب خوانی، شاید به راحتی و با یک جستجو قابل مشاهده و دیدن و خواندن باشد اما صد البته بررسی و انتخاب گلچینی از میان صدها و صدها جمله ناب در این خصوص برای هر فردی امکان پذیر نباشد. ما این مهم را با دل و جان برای بهره برداری هر چه بهتر شما انجام دادیم و امیدواریم دغدغه مطالعه و کتابخوانی در کشورمان روز به روز بیشتر و بهینه شود تا اثرات بی نظیر آن را بیش از پیش در خانواده، جامعه و کشور شاهد باشیم.

- کیفیت زندگی شما را دو چیز تعیین می کند: کتاب‌هایی که می‌خوانید و انسان‌هایی که ملاقات می‌کنید.
- هر چه بتوانید به افراد بیشتری کمک کنید تا کتاب‌هایی بخوانند که تغییرات مثبت در بینش و زندگی‌شان ایجاد شود، میزان موفقیت شما هم بیشتر است.
- مطالعه، لذت بی‌نظیر با خود بودن، ولی تنها نبودن است.
- کتاب تیشه ای است که دریای یخ زده درونمان را می‌شکافد.
- ایرادی ندارد اگر لباس کهنه ات را بپوشی اما سعی کن کتاب تازه و جدید را حتما بخری.
- کسی که مطالعه نمی‌کند نسبت به کسی که خواندن بلد نیست هیچ برتری ندارد.
- خوشبخت، کسی است که به یکی از این دو چیز دسترسی دارد، یا کتاب‌های خوب یا دوستانی که اهل کتاب باشند.
- اتاق بدون کتاب، همچون بدن بدون روح است.
- مطالعه همان اثری را در وجود آدمی می‌گذارد که ورزش در بدن انسان ایجاد می‌کند.
- کتاب خواندن مثل رویا دیدن، اما با چشم‌های باز است.
- خواندن همه کتاب‌های خوب مانند گفتگو با بهترین ذهن‌های قرن‌های گذشته است
- قبل از صحبت کردن، فکر کنید و قبل از فکر کردن مطالعه

- کتاب‌ها بهترین دوست برای همنشینی، بهترین مشاور در زمان تردید، بهترین آرام بخش دوران افسردگی، بهترین سرگرمی دوران بازنشستگی، بهترین ورزش برای ذهن، زیباترین باغ طبیعت و زمینی بارور برای بقای اندیشه است.
- نشانه یک کتاب خوب این است که هر بار آن را می‌خوانید تغییر کنید؛ چیزی تازه بیابید. کتاب‌خوان‌ها می‌دانند چه می‌گویم. بارها شاهد این تجربه بوده‌اند.
- می‌دانید چرا این کتاب‌ها آن قدر اهمیت دارند؟ زیرا، جان دارند. به عقیده من، جان یعنی کیفیت، یعنی جنس، یعنی بافت. این کتاب‌ها را می‌توان زیر میکروسکوپ برد و دید که تار و پود دارند. از زیر شیشه میکروسکوپ می‌توانید زندگی را ببینید که با سرعتی بی‌پایان از گذشته تا به امروز در جریان است.
- یک پنجره مطمئن به قلب هر انسان، نگاهی به فهرست مطالعات اوست.
- سیصد و شصت و پنج کتاب در سال یعنی روزی یک کتاب که برای بیشتر ما کمی فراتر از معمول است؛ اما همه ما باید برای خودمان یک هدف تعیین کنیم. چند کتاب در سال؟ چند تا در ماه؟ یا هفته؟ مهم نیست! فقط یک عدد را انتخاب کنید و خود را به آن متعهد کنید. برای عمل به قولتان تلاش کنید.
- مطالعه به شما شمع، آگاهی، شوق و توانایی می‌بخشد؛ عاقل آن را تمنا می‌کند، تهی مایه از آن می‌گذرد و نادان آن را نادیده می‌گیرد.

حقوق کودکان در ارتباط با محیط مجازی



هدف: در اظهار نظر عمومی فعلی، کمیته توضیح می‌دهد که چگونه کشورهای همسایه باید قرارداد را در رابطه با محیط دیجیتال اجرا کنند و در مورد قانونگذاری، سیاست و سایر اقدام‌های مربوطه برای اطمینان از انطباق کامل با تعهدات تحت قرارداد و پروتکل‌های اختیاری آن، فرصت‌ها، خطرهای و چالش‌های پیشرفت، احترام، محافظت و تحقق تمامی حقوق کودکان در محیط دیجیتال آن‌ها را راهنمایی کنند.

کمیته حقوق کودک سازمان ملل که ناظر بر اجرای پیمان‌نامه حقوق کودک است، درباره «حقوق کودکان در ارتباط با محیط مجازی» نظریه‌ای را در فروردین ۱۴۰۰ منتشر کرده است. این نظریه تفسیری در ۱۴ فصل، ۱۲۵ بند و ۲۰ صفحه با همکاری کارشناسان و فعالان حقوق کودک و مشارکت ۷۰۹ کودک از ۲۷ کشور مختلف در سراسر جهان تهیه شده است.

در روزهایی که کرونا تمام کودکان را به فضای مجازی نزدیک‌تر و وابسته‌تر کرد، مساله حقوق کودکان در این فضا بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و مسایل حقوقی آن نیز می‌تواند از سوی دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران بررسی شود.

در همین «خبرنامه‌ی کانون» نیز مطالبی درباره آموزش‌ها و دوره‌های مجازی داریم؛ پس بی‌راه نیست اگر خلاصه‌ای از این نظریه تفسیری به همراه مقدمه‌اش را نیز در این جا بخوانیم.

گردآوری و ترجمه: پریسا پیروزمند

قاعده کلی

چهار اصل زیر چشم‌اندازی را فراهم می‌کند که از طریق آن باید به سایر حقوق تحت قرارداد نگاه کرد. آن‌ها باید به عنوان راهنما برای تعیین اقدام‌های لازم و تضمین تحقق حقوق کودکان در رابطه با محیط دیجیتال عمل کنند.

عدم تبعیض

حق عدم تبعیض مستلزم این است که کشورهای عضو اطمینان حاصل کنند که همه کودکان از طریق روش‌هایی که برای آن‌ها معنی‌دار است دسترسی برابر و مؤثر به محیط دیجیتال دارند.

کشورهای همسایه باید تمام اقدام‌های لازم برای غلبه بر حذف دنیای دیجیتالی را انجام دهند. این اقدام‌ها شامل: «فراهم کردن دسترسی رایگان و ایمن برای کودکان در مکان‌های خصوصی، عمومی» و «سرمایه‌گذاری در سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که از دسترسی مقرون به صرفه کودکان و استفاده آگاهانه از فن‌آوری‌های دیجیتال در محیط‌های آموزشی، اجتماع‌ها و خانه‌ها پشتیبانی می‌کند». کودکان ممکن است به دلیل محروم بودن از فن‌آوری‌ها و خدمات دیجیتالی یا دریافت ارتباطات نفرت‌انگیز یا برخورد ناعادلانه با استفاده از این فناوری‌ها مورد تبعیض قرار گیرند.

وقتی فرآیندهای خودکار که منجر به فیلتر کردن اطلاعات، پروفایل یا تصمیم‌گیری می‌شود، مبتنی بر داده‌های مغرضانه، جزئی یا ناعادلانه مربوط به کودک باشد، اشکال دیگر این تبعیض ممکن است به وجود آید.

این کمیته از کشورهای طرف قرارداد می‌خواهد اقدام‌های پیشگیرانه‌ای برای جلوگیری از تبعیض بر اساس جنسیت، معلولیت، زمینه‌ی اقتصادی، منشأ قومی یا ملی، زبان یا هر زمینه‌ی دیگر و تبعیض علیه کودکان اقلیت و بومی، پناهجوی و پناهنده، کودکان مهاجر، کودکان همجنسگرا، همجنسگرایان، دوجنسگرایان، تراجنسیتی و بین‌جنسی، کودکانی که قربانی و بازمانده قاچاق یا استثمار جنسی انجام دهد و برای کودکان تحت مراقبت جایگزین، کودکان محروم از آزادی و کودکان در سایر موقعیت‌های آسیب‌پذیر برای رفع شکاف دیجیتالی مربوط به جنسیت در دختران و اطمینان از توجه ویژه به دسترسی، سواد دیجیتال، حریم خصوصی و ایمنی آنلاین اقدام‌های خاصی لازم است.

علاقه کودک

علاقه کودکان مفهومی پویا است که نیاز به ارزیابی متناسب با زمینه خاص دارد. محیط دیجیتال در اصل برای کودکان طراحی نشده است، اما نقش مهمی در زندگی آن‌ها دارد. کشورهای طرف قرارداد باید اطمینان حاصل کنند که در تمامی اقدام‌های مربوط به تهیه، تنظیم، طراحی، مدیریت و استفاده از محیط دیجیتال، منافع هر کودک مورد توجه اصلی است.

کشورهای عضو نهادهای ملی و محلی بر حقوق کودکان نظارت می‌کنند و با در نظر گرفتن منافع کودک، باید به تمامی حقوق کودکان از جمله حقوق آن‌ها در جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات توجه داشته باشند تا از آسیب در امان بمانند و به نظرات آن‌ها از لحاظ شفافیت در ارزیابی، منافع و معیارهایی که اعمال شده است توجه متوازن شود.

حق زندگی، بقا و پیشرفت

فرصت‌های ارائه شده از سوی فضای دیجیتال به طور فزاینده‌ای در رشد کودکان با اهمیت و ممکن است برای زندگی و بقای آن‌ها، به ویژه در شرایط بحرانی، حیاتی باشد.

کشورهای طرف قرارداد باید تمام اقدام‌های مناسب را برای محافظت از کودکان در برابر خطرهای زندگی، بقا و رشد آن‌ها انجام دهند.

این خطرها مربوط به محتوا، تماس، رفتار و قرارداد، از جمله محتوای خشونت‌آمیز و جنسی، تجاوز و آزار و اذیت سایبری، قمار، بهره‌برداری و سواستفاده جنسی و تحریک به خودکشی یا فعالیت‌های تهدید کننده زندگی که از سوی جنایتکاران یا گروه‌های مسلح که به عنوان تروریست یا افراطی خشن معرفی شده‌اند است.

کشورهای طرف قرارداد باید با گوش دادن به نظرات کودکان در مورد ماهیت خطرات و زمینه‌های تهدیدآمیز آگاهی پیدا یابند و آن‌ها را شناسایی و برطرف کنند، استفاده از وسایل دیجیتال نباید مضر باشد، همچنین نباید جایگزین تعاملات حضوری میان کودکان یا میان کودکان و والدین و مربیان باشد.

کشورهای طرف قرارداد باید توجه ویژه‌ای به تأثیرات فناوری در اولین سال‌های زندگی داشته باشند، زمانی که انعطاف‌پذیری مغز حداکثر است و محیط اجتماعی، به‌ویژه



خطرات و فرصت‌های مرتبط با تعامل کودکان در محیط دیجیتال بستگی به سن و مرحله رشد آن‌ها تغییر می‌کند و هر زمان اقدام‌هایی را برای محافظت از کودکان یا تسهیل دسترسی آن‌ها به محیط طراحی می‌کنند باید با توجه به این ملاحظات هدایت شوند.

دیجیتال به طور فعال با کودکان درگیر می‌شوند و از اقدام‌های محافظتی مناسب استفاده می‌کنند، و نظرات خود را هنگام تولید محصولات و خدمات مورد توجه قرار می‌دهند. دولت‌های طرف قرارداد به منظور حصول اطمینان از این که محیط دیجیتال برای مشاوره به کودکان در مورد اقدام‌های قانونی، اداری و... مورد استفاده قرار می‌گیرد، به نظرات آن‌ها توجه جدی می‌شود، مشارکت کودکان منجر به نظارت بی‌رویه یا جمع‌آوری داده‌ها، حریم خصوصی، آزادی اندیشه و عقیده و حق آن‌ها نقض نمی‌شود تشویق می‌شوند. هم‌چنین آن‌ها باید اطمینان حاصل کنند که فرآیندهای مشاوره‌ای شامل کودکانی که دسترسی به فناوری یا مهارت‌های استفاده از آن را ندارند نیز می‌شود.

ظرفیت‌های در حال تکامل

کشورهای طرف قرارداد باید به عنوان یک اصل توانمند به روند دست‌یابی تدریجی صلاحیت‌ها، تفاهم و اختیارات آن‌ها می‌پردازد، به ظرفیت‌های در حال رشد کودکان احترام بگذارند.

این فرآیند در محیط دیجیتالی اهمیت ویژه‌ای دارد، جایی که کودکان می‌توانند مستقل‌تر از نظارت والدین و مراقبان مراقبت کنند.

خطرات و فرصت‌های مرتبط با تعامل کودکان در محیط دیجیتال بستگی به سن و مرحله رشد آن‌ها تغییر می‌کند و هر زمان اقدام‌هایی را برای محافظت از کودکان یا تسهیل دسترسی آن‌ها به محیط طراحی می‌کنند باید با توجه به این ملاحظات هدایت شوند.

روابط با والدین و مربیان، برای شکل‌گیری رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان بسیار مهم است. در سال‌های اولیه، بسته به طراحی، هدف و کاربردهای فناوری‌ها، ممکن است اقدام‌های احتیاطی لازم باشد. باید آموزش و مشاوره در مورد استفاده مناسب از وسایل دیجیتال به والدین، مراقبان، مربیان و سایر افراد مربوطه با در نظر گرفتن تحقیق در مورد تأثیرات فن‌آوری‌های دیجیتال بر رشد کودکان، در دوره‌های رشد عصبی حیاتی در اوایل کودکی و بلوغ داده شود.

احترام به دیدگاه کودک

گزارش‌ها نشان داده که محیط دیجیتال فرصت‌های مهمی را در اختیار کودکان قرار می‌دهد تا صدای آن‌ها در موضوعاتی که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد شنیده شود. استفاده از فناوری‌های دیجیتال می‌تواند به تحقق مشارکت کودکان در سطح محلی، ملی و بین‌المللی کمک کند. کشورهای طرف قرارداد باید آگاهی و دسترسی به ابزارهای دیجیتالی را برای ابراز عقاید کودکان آموزش و در صورت لزوم پشتیبانی از آن‌ها برای مشارکت برابر با بزرگسالان به صورت ناشناس ارتقا دهند تا بتوانند از مدافعان موثر حقوق خود به صورت جداگانه و گروهی باشند.

کشورهای طرف قرارداد باید هنگام تدوین قانون، سیاست‌ها، برنامه‌ها، خدمات و آموزش حقوق کودکان در رابطه با محیط دیجیتال همه کودکان را درگیر کنند، به نیازهای آن‌ها گوش و به نظرات آن‌ها اهمیت دهند. آن‌ها باید اطمینان حاصل کنند که ارائه دهندگان خدمات

قانون گذاری

کشورهای طرف قرارداد باید مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، قوانین ملی را بررسی، تصویب و به‌روز کنند تا اطمینان حاصل شود که محیط دیجیتال با حقوق مندرج در قرارداد و پروتکل‌های اختیاری آن سازگار است.

در چارچوب پیشرفت‌های فناوری و شیوه‌های جدید، قوانین باید مرتبط باقی بمانند. آن‌ها باید استفاده از ارزیابی اثرات حقوق کودکان را برای جاسازی حقوق کودکان در قانون، اختصاص دادن بودجه و سایر تصمیم‌های اداری مربوط به محیط دیجیتال از آن‌ها در میان ارگان‌های عمومی و مشاغل مربوط به محیط دیجیتال استفاده کنند.

سیاست و استراتژی جامع

کشورهای طرف باید اطمینان حاصل کنند که سیاست‌های ملی مربوط به حقوق کودکان به طور خاص به محیط دیجیتال می‌پردازد و آن‌ها باید براساس آن مقررات، کدهای صنعتی، استانداردهای طراحی و برنامه‌های عملیاتی را اجرا کنند، همه این‌ها باید مرتباً ارزیابی و به‌روز شوند. چنین سیاست‌های ملی باید با هدف فراهم آوردن فرصتی برای کودکان برای بهره‌مندی از تعامل با محیط دیجیتال و اطمینان از دسترسی ایمن آن‌ها به آن باشد.

حمایت آنلاین کودکان باید در سیاست‌های ملی حمایت از کودکان ادغام شود. کشورهای طرف قرارداد باید اقدام‌های لازم را برای محافظت از کودکان در برابر خطرات، از جمله: حمله سایبری و بهره‌برداری جنسی از کودک و استفاده آنلاین از طریق فناوری دیجیتال، تحقیقات در مورد این جرایم و ارائه راه حل و حمایت از کودکان قربانی اطمینان حاصل کنند.

آن‌ها همچنین باید نیازهای کودکان در موقعیت‌های آسیب‌پذیر را برطرف کنند و این اطلاعات را در صورت لزوم به زبان‌های اقلیت مربوطه ترجمه و ارائه کنند.

کشورهای طرف قرارداد در هر مکانی که کودکان به محیط دیجیتالی از جمله خانه، تنظیمات آموزشی، کافی‌نت، مراکز جوانان، کتابخانه‌ها دسترسی دارند از بهداشت و مراقبت جایگزین اطمینان حاصل کنند.



طراحی اقدام‌های متناسب با سن باید با بهترین و به روزترین تحقیقات موجود از طیف وسیعی از رشته‌ها صورت پذیرد.

کشورهای طرف قرارداد باید موقعیت متغیر کودکان و نمایندگی آن‌ها را در دنیای مدرن، شایستگی و تفاهم کودکان را که در زمینه‌های مهارت و فعالیت به طور نابرابر رشد می‌کنند در نظر بگیرند.

این ملاحظات باید با اهمیت استفاده از حقوق آن‌ها در محیط‌های تحت حمایت و طیف وسیعی از تجارب و شرایط فردی برابر باشد.

کشورهای طرف باید اطمینان حاصل کنند که ارائه دهندگان خدمات دیجیتال خدماتی متناسب با ظرفیت‌های تکامل یافته کودکان ارائه می‌دهند.

مطابق با وظیفه دولت‌ها در ارائه کمک‌های مناسب به والدین و مراقبان در انجام مسئولیت‌های تربیت فرزند، باید آگاهی والدین و مراقبان را در مورد نیاز احترام به استقلال، ظرفیت‌ها و حریم خصوصی فرزندان ارتقا دهند. آن‌ها باید والدین و مراقبان را در کسب سواد دیجیتالی و آگاهی از خطرات کودکان حمایت کنند و به کودکان در تحقق حقوق خود، از جمله در حمایت از محیط دیجیتال، کمک کنند.

اقدام‌های کلی اجرایی توسط

کشورهای اطراف

فرصت‌های اهمیت به حقوق کودکان و حمایت از آن‌ها در محیط دیجیتال به طیف گسترده‌ای از اقدام‌های قانونی، اداری و سایر اقدام‌های، از جمله اقدام‌ها احتیاطی نیاز دارد.

حق فرهنگی، اوقات فراغت و بازی

● محیط دیجیتالی حقوق فرهنگی، اوقات فراغت و بازی کودکان را که برای رفاه و پیشرفت آن‌ها ضروری است افزایش می‌دهد.

براساس پژوهش‌های صورت گرفته ثابت شده است کودکان در هر سنی از طریق تعامل با تعداد زیادی از محصولات و خدمات دیجیتالی به انتخاب خود لذت، علاقه و آرامش را تجربه کرده‌اند، اما نگرانند بزرگسالان اهمیت بازی دیجیتالی و شیوهی اشتراک آن را درک نکنند.

● کودکان باید از شکل‌های مختلف دیجیتالی فرهنگ، تفریح و بازی بهره‌مند و حمایت شوند و هویت‌های متفاوت کودکان، به ویژه هویت فرهنگی، زبان و میراث آن‌ها ترویج شود.

محیط دیجیتالی می‌تواند مهارت‌های اجتماعی، یادگیری، بیان، فعالیت‌های خلاقانه مانند موسیقی و هنر و احساس تعلق و فرهنگ مشترک کودکان را تسهیل کند چون مشارکت در زندگی فرهنگی آنلاین به خلاقیت، هویت و تنوع فرهنگی کمک می‌کند و کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که کودکان از فرصت استفاده کرده و از وقت آزاد خود برای آزمایش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و مشارکت در زندگی فرهنگی آنلاین استفاده می‌کنند.

● کشورهای عضو باید برای متخصصان، والدین و مراقبان مقررات و راهنمایی‌هایی را ارائه دهند و در صورت لزوم با ارائه دهندگان خدمات دیجیتال همکاری کنند تا اطمینان حاصل شود که فن‌آوری‌ها و خدمات دیجیتالی که برای اوقات فراغت کودکان در نظر گرفته شده، یا به آن‌ها دسترسی دارد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، توزیع و به شیوه‌هایی استفاده می‌شود که فرصت‌های کودکان را برای فرهنگ، تفریح و بازی افزایش می‌دهد.

این موضوع می‌تواند شامل نوآوری در بازی‌های دیجیتالی و فعالیت‌های مرتبط با آن باشد که از خودمختاری، رشد شخصی و لذت کودکان حمایت می‌کند.

● کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که ارتقای فرصت‌های فرهنگی، اوقات فراغت و بازی در محیط دیجیتال با ارائه جایگزین‌های جذاب در مکان‌های فیزیکی محل زندگی کودکان متعادل است. کودکان به ویژه در سال‌های اولیه زندگی، زبان، هماهنگی، مهارت‌های اجتماعی و هوش هیجانی را عمدتاً از طریق بازی که شامل حرکت بدنی و تعامل مستقیم رودررو با افراد دیگر است، کسب می‌کنند.

برای کودکان بزرگ‌تر، بازی و تفریح که شامل فعالیت‌های بدنی، ورزش‌های گروهی و سایر فعالیت‌های تفریحی در فضای باز است می‌تواند مزایای سلامتی و همچنین مهارت‌های عملکردی و اجتماعی را به همراه داشته باشد.

● گذران اوقات فراغت در محیط دیجیتالی ممکن است کودکان را در معرض خطرات و آسیب‌هایی از قبیل: تبلیغات مبهم یا گمراه‌کننده، ویژگی‌های طراحی بسیار متقاعدکننده و... قرار دهد، کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که با معرفی یا استفاده از روش‌های حفاظت از داده‌ها، حریم خصوصی و طراحی و ایمنی سایر اقدامات نظارتی، مشاغل، کودکان را با استفاده از این شیوه‌ها یا سایر تکنیک‌های طراحی شده، منافع تجاری را به‌جای منافع کودک مورد هدف قرار نمی‌دهند.

● در مواردی که دولت‌ها یا مشاغل راهنمایی، رتبه‌بندی سنی، برچسب‌گذاری یا صدور گواهی‌نامه را در مورد برخی از انواع بازی و سرگرمی‌های دیجیتالی ارائه می‌دهند، باید به گونه‌ای تدوین شوند که دسترسی کودکان به کل محیط دیجیتالی را محدود یا فرصت‌های اوقات فراغت آن‌ها را مختل نکند.

هفته ملی کودک برگزار می‌شود: حال خوش کودکی رنگ خوش زندگی

از روز ۱۶ تا ۲۲ مهرماه ویژه برنامه‌های روز جهانی و هفته ملی کودک سال ۱۴۰۰ با شعار «حال خوش کودکی، رنگ خوش زندگی» در سراسر کشور در حالی برگزار می‌شود که ابوالقاسم سلیمانی دبیر این رویداد می‌گوید: پس از بررسی شعارهای پیشنهادی این هفته از سوی ادارات کل کانون پرورش استان‌ها و سازمان‌های فعال در حوزه کودکان و نوجوانان، شعار فوق برای برنامه‌های روز جهانی و هفته ملی کودک انتخاب شده است. او توضیح داد که تکیه بر شادی، نشاط و بازی از جمله نکته‌های مهمی است که این رویداد بر آن تاکید دارد و با این نگاه است که برگزاری ویژه برنامه‌هایی متنوع با اهداف این رویداد تعریف شده و فراهم آوردن زمینه‌هایی برای ایجاد فضای شاد و با نشاط بخشی از رویکردهای اصلی این برنامه فرهنگی خواهد بود. به گفته وی در نشست خبری این رویداد، در این هفته تمام استان‌های کشور با همراهی نهادها و سازمان‌های مختلف برنامه‌های متنوعی را برای کودکان و آگاهی‌بخشی درباره مسایل و نیازهای کودکان تدارک دیده‌اند که به صورت مجازی و حضوری برگزار خواهد شد. هرچند او تاکید می‌کند که توجه به شیوع گسترده بیماری کرونا در کشور، بیشتر برنامه‌های این هفته به صورت مجازی برگزار خواهد شد.

نامگذاری روزهای هفته ملی کودک

با حضور کارشناسان مختلف، با توجه به نیازها و مسایل مربوط به کودکان، برای هر یک از روزهای هفته ملی کودک نیز عنوانی انتخاب شده است.

براین اساس، روزها به این ترتیب نام‌گذاری شده‌اند:

۱۶ مهر: کودک، صلح، بازی و نشاط

۱۷ مهر: کودک، باورهای دینی و معنویت

۱۸ مهر: کودک، خانواده، آموزش و مهارت‌های زندگی

۱۹ مهر: کودک، امنیت، بهداشت و سلامت جامعه

۲۰ مهر: کودک، کتاب، هنر و ادبیات

۲۱ مهر: کودک، هویت، میراث طبیعی و فرهنگی

۲۲ مهر: کودک، رسانه و فناوری‌های نوین

اعلام ساعت کودکی

اما در آستانه روز جهانی و هفته ملی کودک مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نشست رسانه‌ای از بازگشایی مراکز کانون و برگزاری مجدد کلاس‌های حضوری این مجموعه خبر داد.

مهدی علی اکبرزاده با گرامیداشت یاد و خاطره شهید لندی در این نشست گفت: هفته ملی کودک با عنوان

یادواره شهید لندی آغاز به کار خواهد کرد؛ دیدار با خانواده این نوجوان و رونمایی از تندیس او در یکی از مراکز فرهنگی هنری کانون خوزستان بخشی از برنامه‌های هفته ملی کودک خواهد بود.

مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نخستین اقدام کانون در هفته ملی کودک را بازگشایی مراکز این مجموعه فرهنگی اعلام کرد: با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در ۳۱ استان کشور و با رعایت مسایل و پروتکل‌های لازم فعالیت‌های حضوری کانون در هفته ملی کودک آغاز خواهد شد. در این دو سال کانون مجازی فعالیت گسترده‌ای داشته است. با این حال اقدامات مجازی نمی‌تواند جای خالی ارتباط رودرروی مربی و عضو را پر کند. کودکان نیازمند حضور در فضای فیزیکی هستند. آن‌ها دوست دارند به صورت حضوری در کتابخانه‌های کانون فعالیت کنند. لذا همزمان با ادامه فعالیت کانون مجازی، مراکز سراسر کشور میزبان کودکان و نوجوانان خواهند بود. در عین حال مربیان زبان و مربیان مراکز از این هفته از اینترنت رایگان برخوردار خواهند بود.

علی اکبرزاده در بخشی از سخنان خود به فعالیت تریلی‌های نمایش کانون در سراسر کشور اشاره داشت: در طول هفته



به کودکان جهان دیگر اقدام نمادین این هفته باهدف ارتباط با کودکان دنیا و رساندن زبان صلح به آن‌ها خواهد بود. تقدیر از برگزیدگان طرح ایده‌آزاد در این هفته، بازدید رایگان از موزه کودک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برگزاری نشست‌های علمی ویژه مربیان و فعالان حوزه کودک از دیگر برنامه‌های این هفته خواهد بود

هفته ملی کودک در استان‌های مختلف

امسال هم مراکز مختلف کانون در سراسر ایران نیز مانند سال‌های گذشته متولی برپایی هفته ملی کودک در استان‌های دیگر هستند. این مراکز نیز با توجه به شیوع کرونا برنامه‌های خود را اغلب مجازی اعلام کرده‌اند، هرچند که سعی شده است در شهرهایی که امکان برگزاری برنامه حضوری وجود دارد، میزبان بچه‌ها باشند.

برگزاری شب‌های شعر، شب‌های داستان، قصه‌گویی و نقالی، حرکت تریلی‌های سیار و کتابخانه‌های سیار شهری و روستایی در این هفته، بازدیدهای مجازی، سخنرانی و نشست‌های تخصصی برای والدین و مربیان، اهدای تخفیف‌های مختلف خرید کتاب و محصولات فرهنگی و هنری، و... از جمله برنامه‌های این استان‌ها اعلام شده است. در شماره‌های بعدی خبرنامه‌ی کانون گزارشی از این برنامه‌های کشوری خواهید خواند.

ملی کودک تریلی نمایش در تهران و در شهرهای دور و نزدیک به اجرای نمایش در فضای باز برای مخاطبان عمومی خواهد پرداخت. مرکز تئاتر کانون نیز میزبان چند اثر نمایشی است که خانواده‌ها می‌توانند از این نمایش‌ها بهره ببرند. سایت جامع اینترنتی کانون با عنوان «دیجی کانون» با پایان هفته ملی کودک در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. **علی اکبرزاده** در این باره گفت: سامانه و بستر این درگاه اینترنتی آماده است و از سامانه در هفته ملی کودک رونمایی می‌شود. اما امید داریم آغاز به کار آن همزمان با روز دانش‌آموز در سیزدهم آبان اتفاق بیفتد.

وی درباره این سامانه گفت: علاقه‌مندان می‌توانند ضمن خریداری محصولات کانون مانند کتاب، سرگرمی‌های سازنده و بازی و اسباب‌بازی تولیدات دیگر ناشران و تولیدکنندگان را نیز در این سایت جست‌وجو کنند. فروش محصولات مورد تایید کانون به گونه‌ای خواهد بود که علاقه‌مندان شاهد مجموعه‌ای از محصولات متنوع فرهنگی خواهند بود. در این زمینه انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی و ناشران کودک و نوجوان ما را همراهی خواهند کرد.

وی همچنین خبر از تخفیف ۲۵ درصدی فروشگاه اینترنتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در هفته ملی کودک داد.

علی اکبرزاده در بخش فعالیت رسانه‌ای و مجازی هفته ملی کودک بیان کرد: «ساعت کودکی» از جمله فعالیت‌های این هفته خواهد بود. در این برنامه مجازی و در ساعتی معین مراکز کانون سراسر کشور ضمن اجرای برنامه‌هایی توجه والدین را به اختصاص یک ساعت ویژه به کودکان جلب خواهند کرد. نگاه ما به این مساله توجه به کودک، لزوم گفت‌وگو با او و طرح مسایل از سوی آن‌هاست. تاکید داریم که والدین همدلانه و دوستانه به کودک خود توجه کنند. نمایش رایگان هفت فیلم سینمایی در پورتال کانون، پخش آنلاین فیلم‌ها و پویانمایی‌های موفق کانون در روزهای هفته ملی کودک و پخش قصه‌گویی‌های برتر دوره‌های گذشته جشنواره قصه‌گویی از جمله اقدامات در هفته ملی کودک است.

همچنین نشست مجازی با حضور کودک و نوجوان سراسر کشور به نمایندگان از تمام کودکان ایران برگزار می‌کنیم که این مخاطبان به طرح دیدگاه و مسایل خود خواهند پرداخت. این نشست از طریق پورتال کانون منتشر خواهد شد. **علی اکبرزاده** خاطر نشان کرد که انتشار پیام کودکان ایران

پیام مدیر جشنواره جیفونی به هفته ملی کودک ایران

شادی را فریاد بزنید



کلودیو گوبیتوزی
بنیانگذار و مدیر جشنواره فیلم جیفونی

پس فکر می‌کنم انتخاب این شعار توسط ما و کانون تصادفی نیست چرا که روابط جشنواره جیفونی و کشور ایران از سال ۱۹۷۴ آغاز شده و ادامه داشته است.

بنابراین من بار دیگر در این هفته برای همه شما بهترین آرزوها را دارم و دوست دارم باز هم از تمام کسانی که این هفته را برای شما زیبا، فوق العاده و پر بار کردند، تشکر کنم.

با آرزوی موفقیت در کار و در همه چیز برای شما، بار دیگر تکرار می‌کنم

" با شادی و برای مدت طولانی شاد زندگی کنید."

کودکان و نوجوانان، پسران و دختران عزیز، بسیار خوشحالم که این لحظه مهم یعنی «هفته ملی کودک در ایران» را با شما شریک شده‌ام. هفته‌ای را که به شما و به شادی‌هایتان اختصاص دارد.

من با غرور و افتخار دعوت چنین سازمان بزرگی (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) را پذیرفتم تا به شما پیغامی بدهم. کانون سال‌های زیادی است که برای شما فعالیت می‌کند. اما فعالیت آن تنها برای کودکان ایرانی نیست بلکه برای تمام کودکان در سرتاسر دنیاست. پس من از کانون به خاطر هفته‌ای که به شما اختصاص داده است تشکر می‌کنم. از این هفته لذت ببرید و این هفته را با لذت بسیار زندگی کنید. فکر می‌کنم موضوع این هفته یعنی «حال خوش کودکی، رنگ خوش زندگی» بسیار زیباست.

موضوعی که کانون برای این هفته انتخاب کرده است یعنی حق شاد بودن چیزی است که تمام جامعه و جهان به آن نیاز دارند. شاد بودن حق مسلم شماست. در واقع این یک حق مشروط و نهادینه شده است.

راستش را بخواهید پس از بحران همه گیری ویروس کرونا که تمام جهان را تحت تاثیر قرار داد، دقیقاً شعار ما در جشنواره جیفونی هم «فریاد شادی» بود

پیام تبریک رییس جشنواره فیلم کودکان سیاتل به بچه‌های ایرانی شادی فراوان و رنگ‌های زیبای زندگی را برای شما آرزو دارم



الیزابت شپرد
رییس جشنواره فیلم کودکان سیاتل

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان لذت می‌برم و می‌دانم آثاری که در کانون و ایران خلق می‌شود، بسیار زیبا هستند. می‌خواهم از شما بارها و بارها تشکر کنم که فیلم‌های خودتان را برای ما در جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان سیاتل ارسال می‌کنید. شما با بسیاری از فیلم‌های زیبایتان زندگی و روحیه بسیاری از کودکان را در اینجا شاد کردید. بنابراین از شما تشکر می‌کنم. من گرم‌ترین سلام خود را تقدیم به همه شما می‌کنم و زیباترین برنامه «هفته ملی کودک» جهان را برایتان آرزو می‌کنم.

من الیزابت شپرد هستم. در حال حاضر در شهر سیاتل آمریکا هستم و برای همه شما هفته زیبایی آرزو می‌کنم و در این جا مایلم عمیق‌ترین تبریک‌هایم را به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ایران تقدیم کنم. می‌خواهم به همه بچه‌هایی که امروز در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستند، سلام کنم. امیدوارم فیلم‌هایی که در این هفته ملی کودک می‌بینید شادی فراوان و رنگ‌های زیبای زندگی را برای شما به ارمغان بیاورد. من سال‌هاست از همکاری با بخش فیلم بین‌الملل

پیام عضو هیات داوران جایزه فیپرشی به هفته ملی کودک ایران اگر از خودتان راضی باشید خوشحال خواهید شد

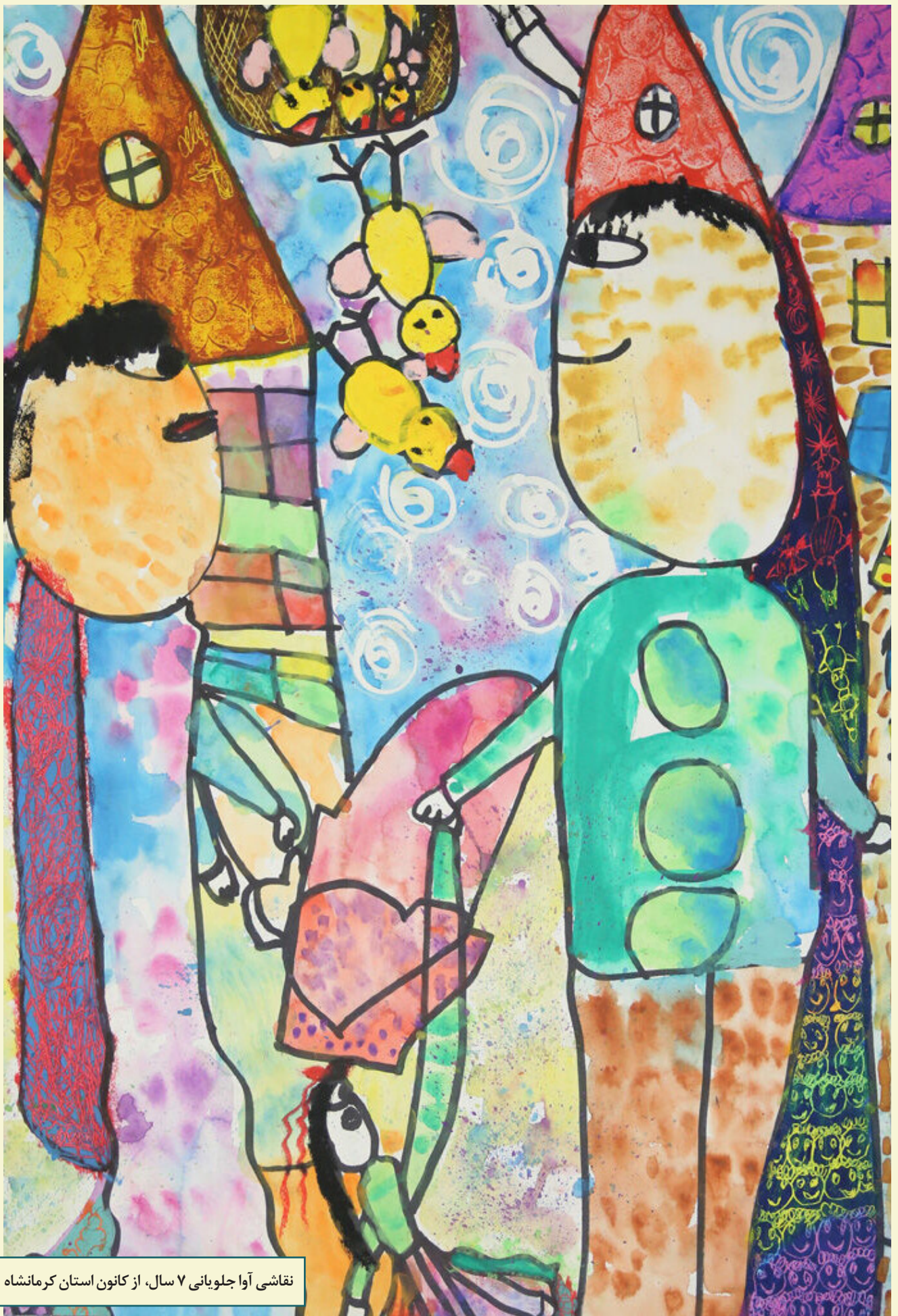


لالیت رائو

منقد سینما، معلم و مترجم
فرانسه از کشور هند و عضو
هیات داوران جایزه فیپرشی

والدین تان کمک می‌کنید و شادی را به دست می‌آورید. با دوستان تان بازی می‌کنید، یاد می‌گیرید و لذت می‌برید. باز هم شادی را به دست می‌آورید. شادی یعنی حس رضایت‌مندی از خودتان. اگر شما از خودتان راضی باشید، خوشحال خواهید شد. پس شما نباید انتظارات زیادی داشته باشید. انتظاراتتان را ساده کنید. چون اگر بتوانید انتظارات خود را ساده نگه دارید، می‌توانید آن‌ها را برآورده کنید و بعد راضی باشید. در آخر می‌خواهم در مورد «رنگ خوش زندگی» با شما صحبت کنم. برای من رنگ‌های زندگی به احساسات مختلفم برمی‌گردد. بنابراین احساسات خوب را نگه می‌دارم و از احساسات منفی در زندگی تان دوری می‌کنم. از شما بسیار ممنونم. امیدوارم از هفته ملی کودک لذت ببرید.

بچه‌های عزیز سلام،
حالتان چه‌طور است؟ امیدوارم که خوب باشید.
من لالیت رائول منقد سینما، معلم و مترجم فرانسه از کشور هند هستم. دوستان عزیزم، من می‌خواهم در مورد شعار «حال خوش کودکی، رنگ خوش زندگی» با شما صحبت کنم.
پس اول از همه، من در مورد دوران کودکی با شما صحبت خواهم کرد. بچه‌های عزیز، دوران کودکی بهترین دوران زندگی است. در هیچ دوره‌ای از زندگی به اندازه وقتی که کودک هستید، نمی‌توانید تا این اندازه از زندگی لذت ببرید. به همین دلیل دوران کودکی بهترین قسمت زندگی است. بی‌گناهی مهم‌ترین ویژگی در دوران کودکی است. وقتی شما جوان و بعد مسن می‌شوید این ویژگی در شما کم‌تر می‌شود. وقتی کودک هستید، خیلی بیشتر یاد می‌گیرید. شما می‌توانید چیزهای زیادی در مورد زندگی و موضوعات مختلف آن در دوران کودکی تان کشف کنید.
بنابراین من به شما می‌گویم از دوران کودکی خود نهایت استفاده را ببرید. در دوران کودکی برای دیدن و پیدا کردن دوستان زیادی برای زندگی تان فرصت خواهید داشت. بنابراین خلاق باشید و دوستان خوبی پیدا کنید که برای همیشه در تمام طول زندگی برای شما باقی بمانند.
خب حالا به سراغ موضوع شادی می‌روم و این که چه‌طور شادی را به دست بیاورید؟ راستش ما با چیزهای ساده به خوشبختی می‌رسیم. مثلاً شما به



نقاشی آوا جلویانی ۷ سال، از کانون استان کرمانشاه



هفته ملی کودک
یادواره شهید علی لندی
حال خوش کودکی رنگ خوش زندگی

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۱۶ تا ۲۲ مهر ۱۴۰۰

www.kanoonnews.ir